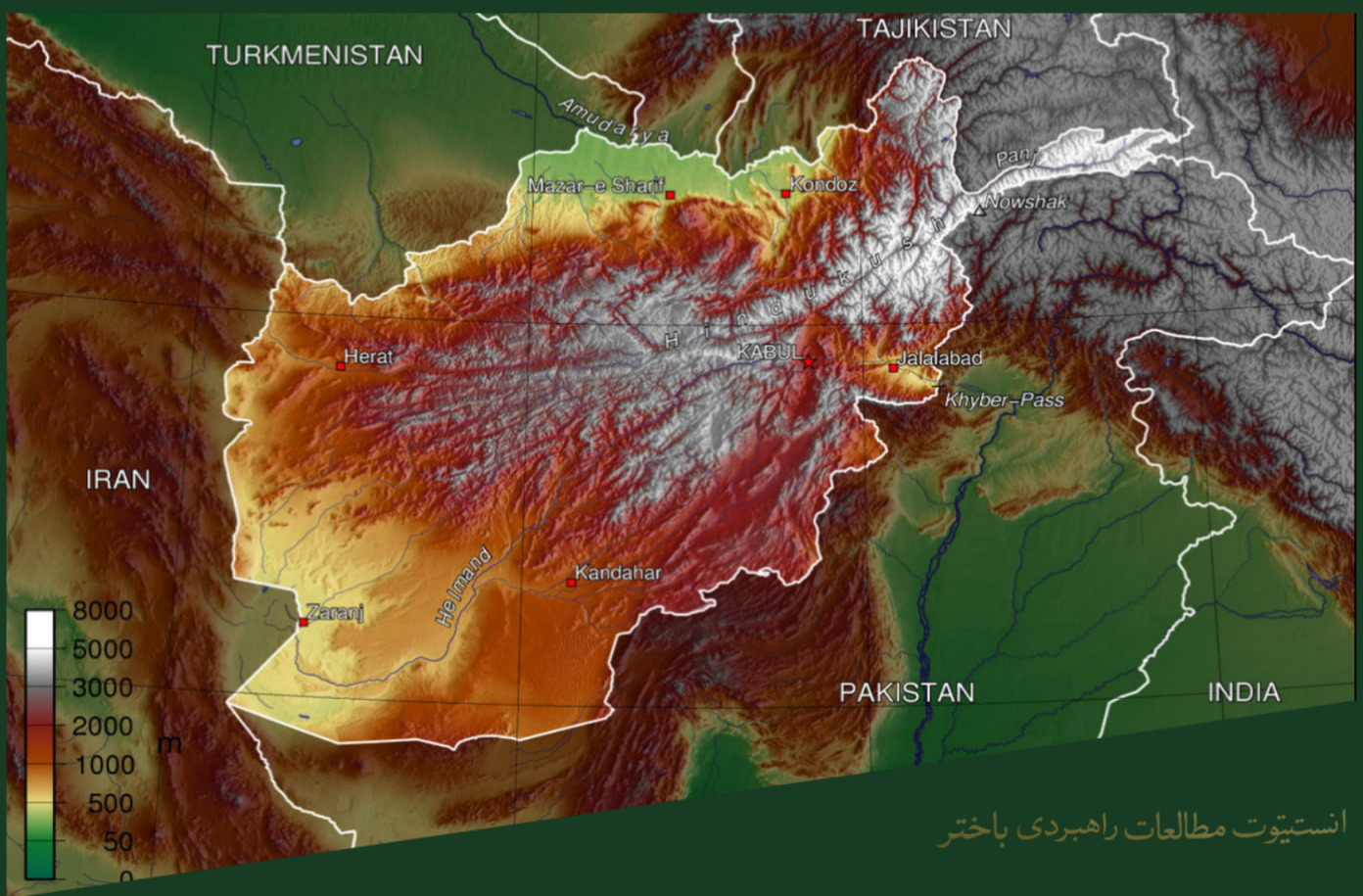
BSSI



انستیتوت مطالعات راهبردی باختر

جغرافیای ولایات افغانستان

با خلاقیت غلام جیلانی عارض



اَنستیتوْتِ مطالعاتِ راهبردیِ باختر

Www.bsssi.org



به وسعت یک تمدن شکوهمند

با عضویت در خبرنامه وبسایت ما از تازه ترین مقالات و پژوهش ها بهره مند شوید

Www.bsssi.org

PROPERTY OF ACKU

جغرافیای ولایات افغانستان

PROPERTY OF ARIC Established 1989

تألیف
پوهاند غلام جیلانی «عارض»

۱۳۷۹/۲۰۰۰

Www.bsssi.org

مشخصات کتاب:

نـــام کـــتاب : جغرافیای ولایات افغانستان

تـــألـــــیف : پوهاند غلام جیلانی «عارض»

نـــــــاشر : اداره کتابخانه های سیار اریك

کمپوز و طبع : مرکز نشرات اسلامی صبور

گل حاجی پلازا، ارباب رود پشاور، تیلفون ۸٤۳۳۸۲

ســـال طـبع : ۱۳۷۹هـ ش / ۲۰۰۰م

Www.bsssi.org

بسم الله الرحمن الرحیم

مرکز منابع نشراتی و اطلاعاتی اکبر (اریك) از سه سال به این سو پروگرام ارسال کتابخانه های سیار را به ولایات مختلف افغانستان روی دست گرفته است. کتابخانه های سیار به شکل صندوقهای فلزی ساخته شده، در محل خاصی گذاشته میشود. مردم منطقه می آیند، کتابها را به طور امانت می برند، میخوانند و به مردم گرد و نواح خویش میشنوانند، بعد از آن دوباره بر می گردانند و به عوض آن کتابهای دیگری را می برند. بدینترتیب تمام کتب کتابخانه در منطقه خوانده می شود و بعد از آن این کتابخانهء سیار به منطقه دیگری منتقل میشود و یا تعدادی از کتب و مواد جدیدی به آن علاوه میشود.

ما تلاش ورزیده ایم برای کتابخانه های سیار کتابها و نشراتی را گرد آوریم که از سویی زبان آن ساده و روان بوده باشد و از جانب دیگر مطالب مورد نیاز مردم را داشته باشد تا آنها را در زنده گی روزمرهء شان در عرصه های مختلف همچون زراعت، مالداری، صنایع دستی، مرغداری، زنبورداری و غیره کمك رساند.

ما در پهلوی پروگرام کتابخانه های سیار، این سروی را نیز انجام می دهیم که مردم به چه نوع آثار و مواد نیاز دارند و کدام موضوعات و مطالب زیادتر مورد علاقه آنها قرار گرفته است. بعداً اریك کوشش مینماید تا مواد و موضوعات تقاضا شده را از منابع مختلف (کتابفروشی ها، مراکز نشراتی) جمع آوری و خریداری نماید. در صورت عدم چاپ و نشر مواد و آثار مطلوب و تقاضا شده، اریك برای پر کردن این خلاء سال گذشته و سال جاری پیشنهادی به دفتر UNOCHA تقدیم کرد تا در جهت چاپ و نشر تعدادی از کتب مورد

نیاز و مفید برای خواننده گان ما مساعدت مالی نمایند، که با تشکر و ابراز امتنان از مساعدت مالی آن دفتر از دو سال به اینطرف کتابخانه های سیار اریك توانسته در جهت پیشبرد پروگرام و تحقق اهداف خویش فعالیت نمایند.

به منظور کار بهتر و سیستماتیك یك هیأت مشترك نماینده گان ادارهء اریك و عده یی از محققان و نویسنده گان انتخاب گردیدند تا آغاز به فعالیت نمایند و کتابهای مورد نیاز را که توسط مولفان و نویسنده گانی که در هر موضوع تخصص و مهارت کافی دارند تهیه نموده مراحل پلانگذاری، آماده ساختن، چاپ و انتشار آن را مشترکاً به پیش ببرند. این هیأت متشکل از همکار صمیمی افغانها خانم نانسی هچ دوپری، سید محـی الدین هـاشمی، ادبیـار زرینگر، خواجه غلام جیلانی شبل، محمدشکیب افضلی، محمد سلیمان و محمد رفیع است.

ما از تمام خواننده گان عزیز خویش در دهات و شهرهای مختلف کشور که از کتابخانه های ما مستفید می گردند توقع داریم که نیازها، خواستها و پرسشهای خویش را بفرستند و از تمام نویسنده گان و عالمان وطن، تقاضا میکنیم که در این راه با ما همگام گردند تا بتوانیم برای مردم خود کتب بهتر و مفیدتری را تقدیم نماییم.

با احترام

(ادارهء کتابخانه های سیار اریك)

Www.bsssi.org

فهرست موضوعات

	عنوان	صفحه
۱	مقدمه	الف
۲	پیشگفتار	ج
۳	کابل	۱
٤	پروان	۸
٥	کاپیسا	۱٤
٦	وردك	۱۸
۷	لوگر	۲۲
۸	ننگرهار	۲٥
۹	کنر	۳۱
۱۰	لغمان	۳٥
۱۱	بدخشان	۳۹
۱۲	تخار	٤٥
۱۳	بغلان	٥۰
۱٤	کندز	٥٥
۱٥	سمنگان	٦۱
۱٦	بلخ	٦٦
۱۷	جوزجان	۷۱
۱۸	فاریاب	۷٦
۱۹	بادغیس	۸۱
۲۰	هرات	۸٦

	عنوان	صفحه
۲۱	فراه	۹۱
۲۲	پکتیا	۹۶
۲۳	پکتیکا	۱۰۱
۲۴	زابل	۱۰۵
۲۵	غزنی	۱۰۹
۲۶	بامیان	۱۱۵
۲۷	غور	۱۲۱
۲۸	اروزگان	۱۲۶
۲۹	کندهار	۱۳۰
۳۰	هلمند	۱۳۵
۳۱	نیمروز	۱۴۰
۳۲	ولایات افغانستان	۱۴۵
۳۳	موقعیت جغرافیائی شهر ها	۱۴۷

Www.bsssi.org

مقدمهء مؤلف

این اثر که شامل جغرافیای ولایات افغانستان است، خوشبختانه موسسه محترم(اکبر) افتخار تألیف آنرا به من اعطا کرد. بناءً با درك مکلفیت ملی با تمام امانت داری علمی تلاش ورزیدم که هر ولایت را با در نظر داشت مزیت های تاریخی، علمی، فرهنگی، پیداوار، و مشخصات عمومی جغرافیائی آن طور فشرده مورد بررسی قرار دهم وسعی بعمل آمده که به عبارت ساده و روان انشأ گردد. وقتی بر افتخارات و عظمت تاریخی ولایات افغانستان نظر اجمال انداخته شود انسان برخود می بالد که این وطن چه سابقه درخشان و مهد مدنیت ها و پیروزیهای بزرگی بوده است. هر گاه بر مناظر طبیعی آن متوجه شویم افغانستان به صفت قلب آسیا از تمام زیبائی های طبیعت برخوردار بوده و پیداوار آن در همه جازبان زدو مورد علاقه خاص مردمان داخل و خارج قرار دارد. هر یك از تولیدات کشور ما توجه هر بیننده را بخود معطوف میسازد. محترم علامه اقبال خیلی بجا فرموده است که:

آسیا یك پیکر آب و گـــل است
کشور افغان درین پیکر دل است

واقعاً تاریخ و موقعیت افغانستان محور فرهنگی این منطقه آسیا را تشکیل میدهد. هر گاه توجه بعمل آید هر یك از ولایات افغانستان منابع طبیعی بخصوص و مهمی هم دارد، از قبیل احجار کریمه وقیمتی مثل لعل ولاجورد بدخشان، طلا و احجار کریمه در صفحات شرق و یا نفت و پطرول و گاز صفحات شمال و یا ذخایر گرانبهای زمرد در قلب هندوکش که هنوز هم برغنای مادی این کشور می افزاید. بناءً از لحاظ کیفیت فرهنگی و کمیت منابع طبیعی و مادی هنوز هم وطن ما غنی و معمور است. خرابی ها و آسیب پذیری هاییکه در اثر جنگهای فرسایشی برما تحمیل

شده نتیجهء نفاق من و تو است که بزرگان ما و امپراطورهای گذشتهء ما این حالت ناگوار وطن را نمیتوانند تحمل کنند. این دو وضع متضاد یعنی افغانستان قبلی و شگوفان و ویرانی های فعلی قلب هر هموطن راتکان میدهد و اشك حسرت روی مژه ها فرومیریزد. من آرزو مندم که مؤسسه محترم اکبر این کتاب را بخاطر صلح و احیای مجدد فرهنگی و علمی افغانستان به تمام افغانهای مقیم وطن و مهاجر ما اهدا نمایند. و باسپاس فراوان از توجه خوانندگان گرامی برای صلح و سعادت کشور مان دعا میکنم. و من الله توفیق.

پوهاند غلام جیلانی (عارض)
استاد پوهنتون کابل

Www.bsssi.org

یادداشت:

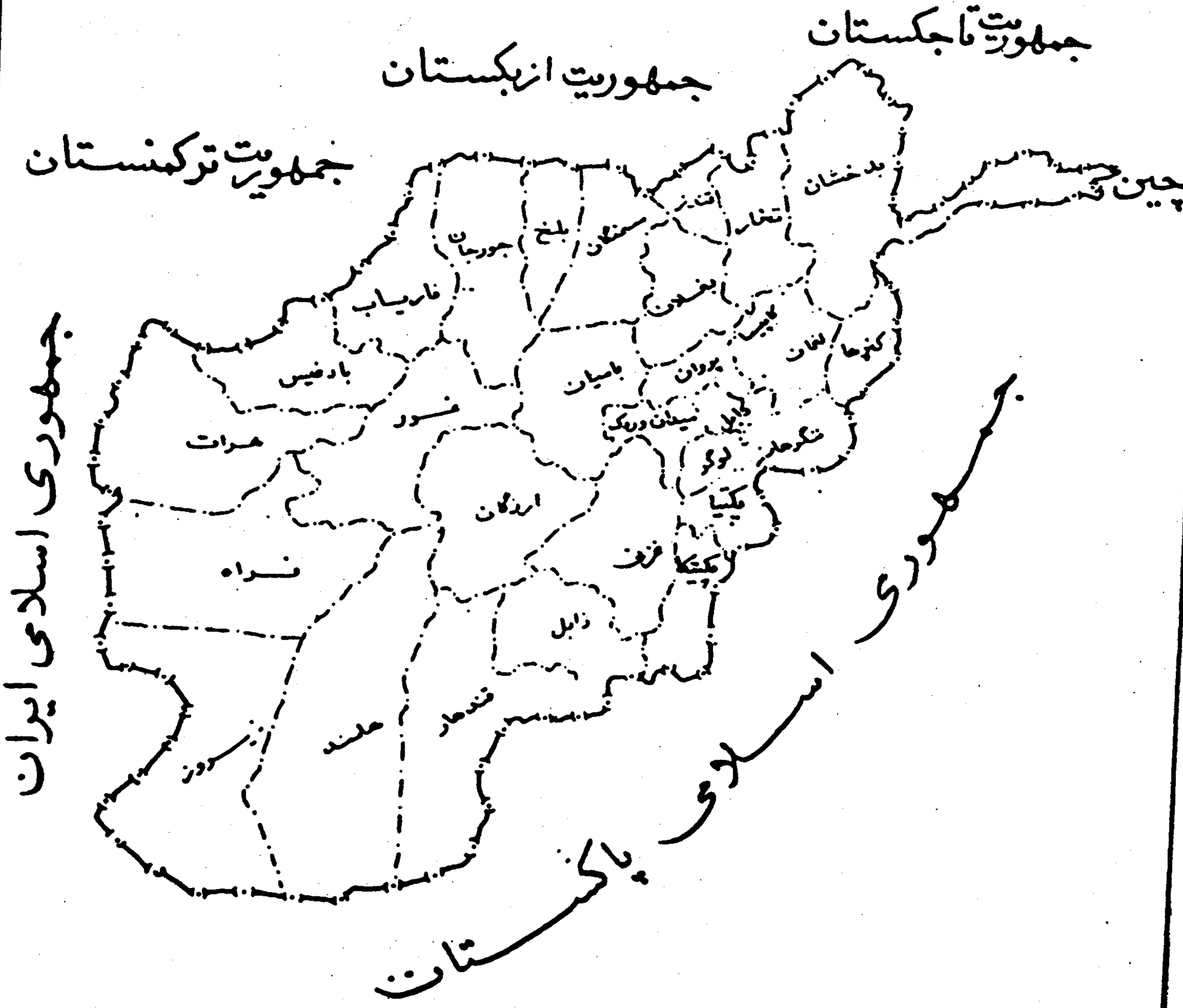
به منظور روشن ساختن اذهان خوانندگان محترم باید تذکر داد که تقسیمات اداری ولایات افغانستان برای مدت خیلی کوتاه به تعداد سی و دو ولایت پذیرفته شده بود. اما احصائیه گیری ها و نورمهای اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی کشور بر اتکای بیست و نه (۲۹) ولایت انجام پذیرفته بود. بنابر همین ملحوظ دوباره بر اساس تقسیمات اداری سال ۱۳۵۹ همان بیست و نُه ولایت قبلی مورد تأیید قرار گرفت. مثلاً ولایت نورستان، خوست و سرپل دوباره جزء ولایات مجاور خود شناخته شد.

خوست جزء ولایت پکتیا، سرپل جزء جوزجان و نورستان قسماً جزء ولایت کنر و قسماً جزء ولایت لغمان گردید که همین اکنون این تقسیمات مرعی الاجرا میباشد.

«مؤلف»

نقشهٔ افغانستان

Www.bsssi.org



پیشگفتار

ولایات افغانستان

پس منظر تاریخی:

افغانستان از لحاظ تقسیمات ادارای با تحولات قابل ملاحظه یی مواجه شده است. سرزمین وسیع افغانستان در زمان احمد شاه درانی ساحه زیادی را احتوا میکرد که متأسفانه بعد از فوت او پسرش تیمورشاه از عهدهء کنترول و ادارهء آن بخوبی بدر شده نتوانست و قلمرو پهناور افغانی در اثر نزاع و خانه جنگی های فامیلی و قبیلوی پسران تیمور شاه تجزیه گردید. بعد از ما جراهای تلخ تاریخی برای اولین بار در زمان امیر شیر علیخان (۱۸۶۳م) ۱۲٤۲هـ ش ولایات افغانستان از لحاظ تقسیمات اداری، رسیدگی به امور سیاسی، قضایی و مالیه گذاری و سایر خدمات اجتماعی به واحد های ذیل تصنیف گردید:

۱- ولایت کابل **۲- ولایت ترکستان افغانی**

۳- ولایت قندهار **٤- ولایت فراه**

٥- ولایت هرات

در راس این ولایات پنجگانه نائب الحکومه های با صلاحیت مقرر می شد که بعد از شاه و صدراعظم در امور اجرائیهء ولایات اختیارات فوق العاده داشتند و در تنظیم امور اداری از هیچگونه سعی و تلاش دریغ نمیکردند. در امور مخابراتی، پوستی، راه سازی، تحصیل مالیات دولتی، حل قضایای شرعی و محاکماتی از طریق قضات محاکم توجه خاص داشتند. این نوع نو آوریهای اداری امیر شیرعلیخان به نفع مردم و ملت بود و از سال ۱۲٦۲هـ ش به بعد ادامه داشت.

بعد از امیر شیر علیخان امور مملکت به امیر محمد یعقوب خان سپرده شد، او بنابر عدم صلاحیت اداری نتوانست اداره مملکت را بوجه احسن ادامه دهد. مقاومت های ملی مقابلش بوجود آمد، و در نتیجه جنگ دوم افغان، انگلیس حکومت محمد یعقوب خان خاتمه پذیرفت و در عوض امیر عبدالرحمن خان به پادشاهی افغانستان رسید، در تشکیلات اداری و احیای مجدد نظم عامه و ریفورم های اجتماعی سعی زیادی بخرچ داد و در ولایات کشور دفاتر مالیه کنترول محاسباتی، سر شماری، پوسته، را هداری، امنیت، صکوك، تادیه معاشات وغیره خدمات اجتماعی گنجانیده شد.

امیر عبدالرحمن خان در تقسیمات اداری ولایات تجدید نظر کرد و افغانستان را به شش ولایت آتی تقسیم نمود تا اجراآت و رسیدگی دولت به وجه مطلوب انجام پذیرد. این ولایات ششگانه از اینقرار بود:

۱- ولایت کابل ۲- ولایت ترکستان افغانی

۳- ولایت بدخشان ٤- ولایت هرات

٥- ولایت قندهار ٦- ولایت فراه

ولایت کابل به حیث ولایت مرکزی شناخته می شد و شهر کابل پایتخت افغانستان را نیز تشکیل میداد. حدود قلمرو کابل در آن وقت الی زمینداور در غرب و نورستان، کنرها، ننگرهار و لغمان در شرق، پکتیا و پکتیکا در جنوب وسعت داشت، و هر ولایت به حکومت های محلی نیز تقسیم شده بود که دز راس هر حکومت محلی یك حاکم یا حکمران از طرف پادشاه تعیین می گردید. بعداً امیر عبدالرحمن خان در تقسیمات اداری ولایات تجدید نظر کرد و برای آسانی و تسهیلات مردم واحد های کوچك اداری محلات مختلف بوجود آورد، بعد از سلطنت عبدالرحمن خان اداره کشور را امیر حبیب الله خان بدست گرفت اما مثل پدر خویش نتوانست به اداره، امور دولتی رسیدگی نماید و آهسته آهسته نظام اداری و شیرازه، دولتی رو به خرابی گذاشت، بالاخره امان الله خان بعد از مرگ پدر بتاریخ ۹ حوت ۱۲۹۷ هـ ش زمام امور مملکت را بدست گرفت و ریفورم های بزرگ را در عرصه های مختلف اداری، سیاسی، اجتماعی، نظامی و اقتصادی کشور بوجود آورد. تشکیلات اداری

در سال ۱۳۰۰هـ ش تحت عنوان (تشکیلات اساسیه افغانستان) تدوین گردید و افغانستان به ۲۱٦ واحد اداری کوچك وپنج ولایت، چار حکومت اعلی تقسیم گردید. واحد های بزرگ اداری ولایات از اینقرار بود:

۱- ولایت کابل
۲- ولایت قندهار
۳- ولایت هرات
٤- ولایت ترکستان افغانی
٥- ولایت قطغن و بدخشان
٦- حکومت اعلی سمت مشرقی
۷- حکومت اعلی سمت جنوبی
۸- حکومت اعلی میمنه
۹- حکومت اعلی فراه

از سال ۱۳۰۰هـ ش به بعد تغییرات مزید در تشکیلات اداری افغانستان بوجود آمد، ولایات بزرگ به ولایت های خورد تجزیه و تقسیم شد و بر تعداد حکومت های محلی افزایش به عمل آمد، حکومت های درجه یك، درجه دو و درجه سوم بوجود آمد و علاقداری های جداگانه هم در پهلوی آن تاسیس گردید. هر ولایت از لحاظ تشکیلات اداری، محاکم مرافعه، ابتدائیه، مدیریت های عمومی احصائیه، مکلفیت عسکری، مدیریت مألیه، مدیریت های عمومی مخابرات، اداره های نشرات، مدیریت های عمومی معارف، مدیریت های عمومی فوائد عامه را دارا بود و به این ترتیب یك تشکیل انکشافی به منظور اجرای امور اجتماعی بمیان آمد. در هر ولایت تعداد حکومت های محلی از دیاد یافت تا آنکه مردم در حین مراجعه به حکومت و ضروریات اداری و یا رفع شکایات به مشکلات مواجه نشوند. در سال ۱۳٤۳ تغییرات مزیدی در انکشاف ولایات و طرز اداره آن بوجود آمد و تسهیلات زیادی برای مردم میسر گردید، بعد مسافه یی که در یك ولایت بزرگ برای مردم مشکلات زیادی را بار می آورد و به مرکز حکومت و یا ولایت بزودی رسیده نمیتوانستند با افزایش تعداد ولایات و حکومات محلی بعد مسافه کم و مشکلات ترانسپورتی کاهش یافت و مردم به آسانی میتوانستند در امور روزمره اجتماعی، اقتصادی، اداری، عرفانی و یا مالیه دهی ورفع شکایات زودتر به مرکز ولایت و یا مرکز حکومت محلی برسند. بنا بران افغانستان به ۲۹ ولایت جداگانه تقسیم شد و درین موقع اسم حکومت محلی به ولسوالی مبدل گردید و حکومت های کلان به

لوی ولسوالی یاد شد. تعداد واحد های کوچك اداری یعنی ولسوالی ها به ۲۳٤ واحد رسید.

در سالهای۱۳۵۲ الی ۱۳۵۷ انکشافات اداری باز هم بوجود آمد و در پهلوی ولایات ٦۳ موضع شهری و ۳۵۳٦٤ دهکده های اصلی و فرعی موجود بود که شهر ها توسط شاروالیها و ولایات توسط والی ها و حکام مربوطه آن از لحاظ مسایل اداری، سیاسی و اجتماعی اداره و کنترول می شد.

تقسیم ولایات افغانستان بر حسب ذیل معرفی میگردد:

شماره	ولایت	مرکز
۱-	کابل	کابل
۲-	کاپیسا	محمود راقی
۳-	پروان	چاریکار
٤-	وردك و میدان	میدان شهر
٥-	لوگر	پل علم
٦-	پکتیا	گردیز
۷-	غزنی	غزنی
۸-	ننگرهار	جلال آباد
۹-	لغمان	مهترلام
۱۰-	کنرها	اسدآباد
۱۱-	بدخشان	فیض آباد
۱۲-	تخار	تالقان
۱۳-	بغلان	بغلان
۱٤-	کندز	کندز
۱٥-	سمنگان	ایبك
۱٦-	بلخ	مزار شریف
۱۷-	جوزجان	شبرغان
۱۸-	فاریاب	میمنه

۱۹-	بادغیس	قلعه نو
۲۰-	هرات	هرات
۲۱-	فراه	فراه
۲۲-	کندهار	کندهار
۲۳-	نیمروز	زرنج
۲٤-	هلمند	لشکرگاه
۲۵-	زابل	قلات
۲٦-	ارزگان	ترین کوت
۲۷-	غورات	چغچران
۲۸-	بامیان	بامیان
۲۹-	پکتیکا	شرن

بعداً در سال ۱۳٦۰ انکشاف مزیدی در شکل اداره ولایات بوجود آمد که نظر به موقعیت، تمام ولایات به زون های جداگانه تصنیف شد تا در امور اداری و سیاسی همان زون، به حیث محراق اداری و انسجام کلیه مسایل اجتماعی و فرهنگی شناخته شود. این زون ها به ترتیب آتی دسته بندی شده است:

۱- زون شمال : شامل ولایات بلخ، سمنگان، جوزجان و فاریاب

۲- زون شمال شرق: شامل ولایات کندز، بغلان، تخار و بدخشان

۳- زون شمال غرب: ولایات هرات، بادغیس و غور

٤- زون جنوب : هلمند ، کندهار، زابل و ارزگان

۵- زون جنوب غرب: فراه و نیمروز

٦- زون جنوب شرق : غزنی، پکتیا و پکتیکا

۷- زون شرق : لغمان، ننگرهار و کنرها

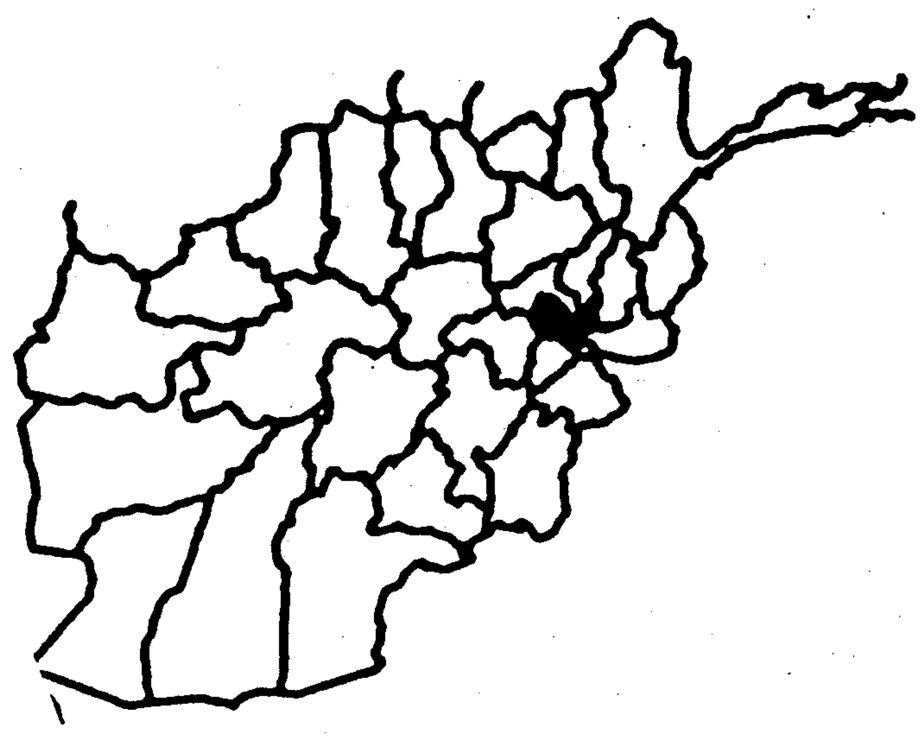
۸- زون مرکزی : کابل، پروان، کاپیسا، بامیان، لوگر ، میدان و وردك

شهر کابل به صفت پایتخت کشور با پانزده ناحیه جداگانه آن واحد علیحده اداری را در چوکات شاروالی کابل تشکیل میدهد که به امور شهری رسیدگی مینماید و در هر ناحیه آن یك رئیس به صفت رئیس ناحیه ایفای وظیفه می کند. به این

ترتیب امپراطوری پهناور احمد شاه درانی که از دهلی الی بلوچستان ومرو از کشمیر الی کراچی وسعت داشت در اثر جنگهای اولاده او به همین حدود موجوده خود کاهش یافت و اگر جنگهای فعلی خاتمه نیابد شاید سرزمین ما به مصیبت زیاد تر مواجه گردد که به آسانی این فاجعه جبران پذیر نخواهد بود.

حالا می پردازیم به تفسیر و توضیح هر یك از ولایات کشور. ناگفته نباید گذاشت که بعضی ولایات مثل کابل، قندهار، مزار شریف، یا ننگرهار که پدیده اقتصادی و اجتماعی، صناعتی و یا تاریخی در آن بیش از دیگر ولایات برجسته تر و در محراق توجه قرار دارند، توضیح مطالب آن قدری بیشتر صورت گرفته است. توضیح دیگر ولایات متناسب بر حجم کتاب بوده البته هیچ ولایت از نگاه تاریخ و فرهنگ از دیگر ولایات کمی و زیادتی ندارد اما ترا کم نفوس و ترا کم فعالیت های اقتصادی ملاك بحث ما را تشکیل میدهد.

PROPERTY OF
ACKU
8592



ولایت کابـــل

کابل از جمله ولایات مرکزی افغانستان است که در تاریخ معاصر و باستانی کشور نقش خیلی ارزنده را داراست. نام کابل بنام کوبها و یا کوفن از ۳۵۰۰ سال قبل در اسناد تاریخی بطور برجسته ذکر شده است. ریگ ویدا که بین سالهای ۱٤۰۰ و ۱۹۰۰ قبل از میلاد تألیف و تدوین شده این ولایت را بنام کوبها ذکر کرده است. بطلیموس که در قرن دوم میلادی میزیست این ولایت را بنام کابورا یاد کرده و دریای کابل را درین جا بنام کوفن درج کرده است. به همین ترتیب شهر کابل در زمان کابلشاهان در بالاحصار کابل و زمانی در بگرام و گاهی هم در اوپیان پایتخت ومرکزیت عمومی امپراطوری کابلشاهان را تشکیل میداد. در زمان فتوحات اسلام کابل هم از نگاه ستراتیژیکی و هم از لحاظ موقعیت تجارتی ارزش خاص داشته، شهر تـوسط دیـوار عظیـمی احـاطه گردیده بود که خرابه های آن تا حال در بالای کوه آسمائی، حصه بالاحصار و کوه شیر دروازه بملاحظه میرسد. هیوان تسنگ زایر چینی آنرا هوفینه یاد کرده و هـرو دوت این سـرزمین را بنـام گسپاتروس ذکر کرده، و در داستانهای رزمی از آن بنام کاول یاد شده است. خورد کابل در حصه چکری نیز از بقایای تاریخی سه و نیم هزار ساله قبل به حساب می آید که در ابتداهستهء تشکل کابل را تشکیل میداد و مینار چکری از بقایای خیلی معروف آنزمان بو د که دو سال قبل آنهم منهدم شد. بابر درین شهر تاریـخی اقامـت گزید از آب و هوای آن خیلی به درستـی یاد کرده است و میگوید کـه میوه و پیـداوار کابـل خیلـی تازه، شیرین و دلپذیر است. او در هند وصیت کرده بود که تا بوت او را در باغ بابر جائیکه خودش آنراآباد و معمور و سر سبز ساخته بود دفن کنند که همین اکنون در دامان تپه توپ کوه شیر دروازه موقعیت دارد. تیمور شاه پسر احمد شاه بابا کابل را ترجیح

داده حتی پایتخت خود را درینجا انتقال داد و مقبره اش در نزدیکی شرق پل باغ عمومی بملاحظه میرسد. به همین ترتیب عبدالرحمن خان در کابل اقامت گزید.

تشکیلات اداری:

ولایت کابل باداشتن (٤٥٨٥) کیلومتر مربع اراضی دارای واحد های اداری ذیل است:

۱- مرکز ولایت (کابل)

۲- ولسوالی ده سبز

۳- ولسوالی کوهدامن

٤- علاقه داری کلکان

۵- ولسوالی قره باغ

٦- ولسوالی شکر دره

۷- علاقه داری استالف

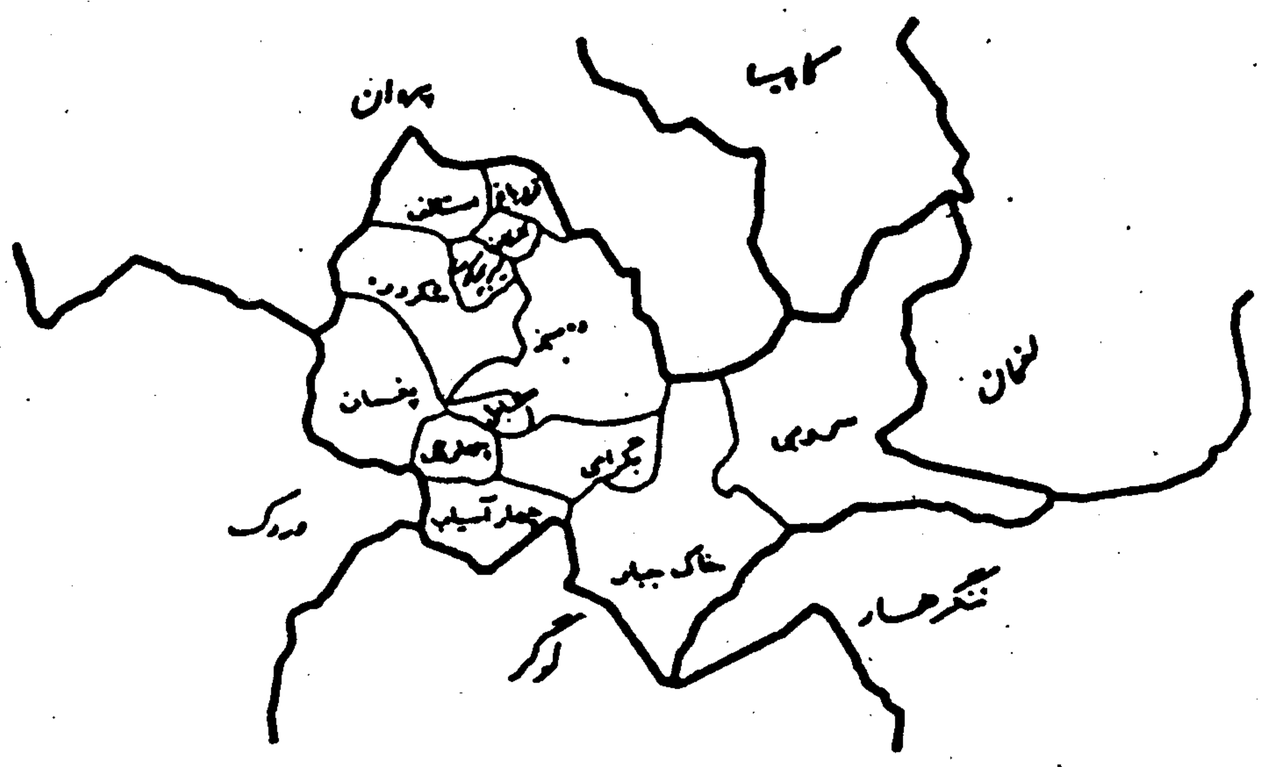
۸- ولسوالی پغمان

۹- ولسوالی چار آسیاب

۱۰- ولسوالی بگرامی

۱۱- علاقه داری خاك جبار

۱۲- ولسوالی سروبی



اقلیم و آب هوا:

اقلیم و آب هوای ولایت کابل خصوصیات اقلیم منطقه معتدله را معرفی مینماید و دارای چار فصل سال است. حرارت اعظمی در ماه اسد به (۳۸) درجه سانتی گرید و در ماه دلو به (۲۵-) درجه سانتی گرید پائین می آید. در زمستان اکثراً ماه های جدی، دلو وحوت با برف باری توام بوده و در بهار بارندگی نوبه ئی در ماه حمل و

ثور بملاحظه میرسد. مقدار بارندگی سالانه آن از ۱۷٤ الی ۲۰۰ میلی مترتجاوز نمی کند، به این ترتیب اقلیم کوهستانی معتدله نیمه صحرائی و خشك را تمثیل می کند.

ساختمان اراضی:

سلسله کوه های پغمان در غرب، کوه قوروغ در جنوب غرب، کوه شیر دروازه، آسمائی و علی آباد در مرکز، کوه صافی در شمال شرق و سلسله های جنوب شرق بگرامی، شینه، لته بند و تنگ غارو کوه های مهم ولایت کابل را تشکیل میدهد. تپه بی بی مهرو، تپه مرنجان، تپه تاج بیك، قلعه بلند و کلوله پشته از همواری اراضی میکاهد. بلند ترین قله کوه پغمان ٤۷۰۰ متر ارتفاع دارد و دیگر کوه ها از ۲۰۰۰ الی ۳۰۰۰ متر ارتفاع بیشتر ندارد. متباقی اراضی هموار کابل دارای خاکهای رسوبی قابل زرع بوده سرزمین های زراعتی را تشکیل میدهد.

نفوس:

ولایت کابل باداشتن ٤۵۸۵ کیلومتر مربع مساحت دارای ۲،۱۰۷،۷٦۱ نفر میباشد در سال ۱۳۵۹ قرار احصائیه رسمی دولت نفوس آن ۱٤٤۳٦۷۲ نفر بود اما با افزایش ۲,۳ فیصد تعداد آن از دومیلیون اضافه تر گردیده و فعلاً ترا کم نفوس آن به ٤۵۹ نفر در هر کیلو متر مربع رسیده و اکثریت آنرا نفوس شهری تشکیل میدهد. متباقی نفوس آن در ولسوالیها و دهات جابجا شده به زراعت اشتغال دارند. نفوس شهری که بیش از ۲۰ فیصد است در صنایع، تجارت، کارگری و ماموریت مصروف اند. در شهر کابل انواع مختلف صنایع، فابریکه ها و دستگاه های مختلف تخنیکی و الکترومیخانیك وجود دارد که ساحه کار را مهیا میسازد.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

از آنجایی که ولایت کابل در مرکز افغانستان و در تقاطع راه های تجارتی و مواصلاتی قرار دارد و هم بنابر موجودیت شهر کابل بصفت پایتخت، کابل نقطه

اتصال و آمیزش فرهنگی سایر ولایات افغانستان میباشد زیرا موجودیت رادیو، و قبلاً تلویزیون، نشرات مطبوع از قبیل جراید، روزنامه ها، مجلات که تعداد آن ها اضافه تر از چهل نشریه میشود در کابل به طبع میرسید. روزنامه های اصلاح، انیس، هیواد، کابل تایمز همه روزه به نشر میرسد. در شهر کابل ۱۵ لیسه که پنج آن لیسه اناث بود ۱۳ مکتب مسلکی ذکور و یك لیسه مسلکی اناث، ۱۳ متوسطه ذکور و ۷ متوسطه مربوط اناث و ٦٤ ابتدائیه و در ولایت کابل و خارج شهر پنج لیسه، ۱۹ متوسطه و از جمله یك متوسطه اناث و ٥٤ باب ابتدائیه و ٤٧ باب مکاتب دهاتی وجود داشت که بعداً انکشاف مزید یافت. دارالمعلمین ها، مکاتب حرفوی، انستیتوت پولی تخنیك، پوهنتون کابل، انستیتوت طب، پیدا گوژی، اکادمی علوم و مؤسسات علمی دیگر در بلند بردن نقش فرهنگی ولایت کابل رول مهمی داشت. تعداد محصلین پوهنتونها، پیداگوژی، طب و پولی تخنیك جمعاً به ۲۲ هزار نفر میرسد و تعداد استادان اضافه از ۱٦۰۰ تن متخصصین، پوهاند ها، پوهنوالها، دوکتوران و استادان جوان میرسید. تعداد معلمین در مکاتب از سه هزار متجاوز بود. کتابخانهء عامهء کابل، پولی تخنیك و کتابخانهء پوهنتون کابل از شهرت کامل بر خوردار بود. وضع اجتماعی در حسن ار تباط فامیلی متمرکز بود. اکثراً به مشاغل دولتی و ماموریت اشتغال دارند و قسماً به زمین داری، مالداری و باغداری مصروف می باشند. عایدات مامورین و کارگران خیلی کم بوده بناءً به مصروفیت های جداگانه نیز اشتغال می ورزند.

جاهای تاریخی:

بناهای تاریخی آن را بالاحصار کابل و دیوار های کوه شیر دروازه، دارالامان، آرشیف ملی، هوتل باغ بالا، مینار چهلستون، تاق ظفر در پغمان و بگرام تشکیل میدهد. مسجد پل خشتی، مسجد شاه دو شمشیره و مسجد عیدگاه با ظهور اسلام در مرکز کابل اعمار گردید و اکنون بیش از ٤۰۰ مسجد تنها در شهر کابل وجود دارد. مینار استقلال، مینار برج شهر آرا، مینار نجات وارگ فعلی کابل از جمله پدیده های مهم تاریخی آن محسوب میشود. شهدای صالحین، پنجه شاه، عاشقان و

عارفان زیارتگاه های مهم کابل را معرفی می نماید. موزیم کابل که از آثار هده، مندی گك، طلا تپه و بگرام غنی بود متأسفانه از بین رفته بجز از تعمیر و دیوار های شکسته چیزی در آن دیده نمیشود. پل خشتی، پل باغ عمومی، پل شاه دوشمشیره، پل آرتل، پل محمود خان از جمله پلهای تاریخی و قدیمه بحساب می آید. مهتاب قلعه، باغ قاضی، باغ علم گنج، باغ نواب، باغ عمومی از جمله باغهای تاریخی قبل از زمان ورود بابر است که بر سرسبزی این شهر می افزود و در مجموع ولایت کابل سرسبز و شاداب بود که جلب نظر سیاحین و فاتحین جهان را بخود معطوف میساخت. مینار چکری، شاه کابل (خورد کابل)، تپه مرنجان، خرابهء کوتل خیرخانه در حصه هزارهء بغل هم از جاهای تاریخی قبل از اسلام است.

پیداوار مهم:

پیداوار مهم ولایت کابل را مواد زراعتی گندم، جو، جواری، پیاز، کچالو و انواع میوه های سردرختی سیب، زردآلو، ناك، و بهی تشکیل میدهد و در شمال ولایت انگور عاید قابل ملاحظه دارد. زمین زراعتی در ولایت کابل به (۳۳۸۲۹۰) جریب میرسد که نظر به تراکم نفوس خیلی کم است. فابریکه جنگلك و صدها فابریکه صناعتی در کابل تولیدات مهمی نیز داشت و رواش در کوه پغمان و کوه های سروبی به وفرت دستیاب می شود.

منابع آبی:

آب دریای تنگی سیدان، دریای لوگر، دریای چمچه مست پغمان، آب جوی شیر، آب للندر و منابع آبی تحت الارضی برای زراعت گندم، جو، جواری و باغستان ها کمك قابل ملاحظه می کند. در شمال ولایت کابل آبهای زیر زمینی و کاریزهایی که از نشیبی های پغمان سیراب میشود بغرض آبیاری بکار میرود. دریای کابل مفیدیت اقتصادی دیگری از لحاظ تولید برق هم دارد زیرا نغلو اضافه تر از ۹۰ هزار کیلوات برق فی ساعت، ماهیپر ۶۰ هزار کیلوات و سروبی بیش از ۲۲ هزار کیلوات فی ساعت برق ظرفیت تولید را داراست. که در تنویر شهر و صنایع مختلف در کابل

بکار برده می شود. بیش از ۱۱۰ دستگاه صناعتی در ساحه پلچرخی، شهر کابل، بگرامی و سایر مناطق کابل ازین سه منبع تولید برق استفاده میکردند که مع الاسف اکنون این دستگاه های صناعتی تماماً فلج می باشد. ذخیرهء آب بند قرغه در غرب کابل نیز برای آبیاری زمینهای زراعتی بکار برده می شود.

سیستم مواصلات:

ولایت کابل منحیث ولایت مرکزی افغانستان دارای شبکه های عالی مواصلاتی و شاهراه های بزرگ تجارتی میباشد. سرك های شمال، جنوب، شرق و غرب سایر ولایات را به کابل وصل می سازد و به تمام ولسوالی های آن سرك های پخته و اسفالت شده تمدید یافته است. میدان هوایی کابل حیثیت بین المللی داشته از طریق فضا و زمین سیستم مواصلاتی آن بظرفیت عالی است. اما در بعض جاها سرك ها قسماً تخریب شده که ناشی از جنگهای داخلی می باشد.

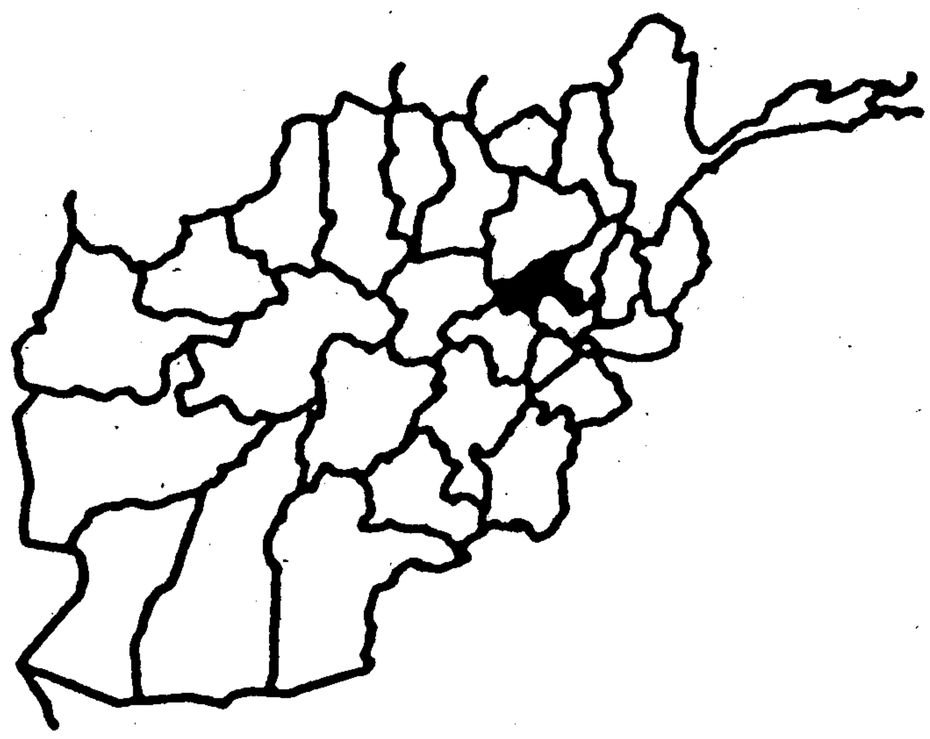
جنگلات و اقسام آن:

در ولایت کابل جنگلات برگریز، چنار، بید و باغهای توت، انگور، سیب و زردآلو وجود دارد، اما فاقد جنگلات سوزنی برگ است. نیله باغ دارالامان، نیله باغ چهلستون، و ساحه تربیه چنار در چاردهی به وفرت وجود دارد که در ساختمان های عمرانی و تعمیرات از آن استفاده می شود.

خسارات وارده جنگ بر منطقه:

ولایت کابل خسارات زیادی از جنگ دیده بطور مثال پغمان، و تمام آثار تاریخی آن از قبیل تاق ظفر، کوتی ستاره، باغ عمومی و تپه پغمان به کلی ویران شده، دارالامان، چهلستون و تپه تاج بیك تخریب گردیده، در شهر کابل نواحی کارته سه، کارته چهار، ناحیه ششم، ناحیه هفتم، تأسیسات صناعتی جنگلك، تمام مکاتب و فابریکه های پلچرخی به ویرانه مبدل شده است. قریه و باغها در کاریز میر، شکردره، گلدره و تعمیرات دولتی ترانسپورتی در یکه توت ساحه بگرامی، فارمهای

زراعتی همه ویران و تخریب گردیده است. شفاخانه نور و سناتوریم در دار الامان، پلهای ساحه شمال کابل، مراکز تربیه حیوانی در کاریز میر تماماً نابود و از بین رفته است. به همین ترتیب از میرویس میدان و کارته سه الی دارالامان و باغ چهلستون، واصل آباد، ساحه جنگلك و از کارته چار و جاده میوند و بالاحصار الی منطقه چمن حضوری، شاه شهید، کارته نو، مکروریان الی تنگی غار و منطقه صناعتی در پلچرخی تماماً دستگاه های صناعتی، تجارتی، دکانها، منازل، مراکز ترانسپورتی، مکاتب، لیسه ها، مساجد، لابراتوارهای پوهنتون و امثال آن با تمام وسایل شهری و ترانسپورتی از بین رفته، به خاك و خاکستر مبدل شده که هر قلب بااحساس و انساندوست را فشار میدهد و با رنج و آلام مردم یك نوع تشنجات روانی را وارد می نماید، و صدا و ناله های گدایان دوره گرد در کوچه ها سرور و آرامی مردم را برهم میزند.



ولایت پروان

پروان از جمله ولایات مرکزی افغانستان بوده سابقهء تاریخی درخشان دارد، زیرا سکندر در حصه اوپیان حصار بزرگی بنام سکندریه ساخت که بنام سکندریه قفقاز شهرت داشت. اوپیان از نگاه رشد آیین بودیزم نقش برجسته داشته زایرین بودیزم در آنجا دارای صومعه و عبادتگاه خاصی بودند. بقول پلینی اسکندریه در اوپیان اعمار شد که مؤرخین نام اوپیان را به رسم الخط های مختلف، الکساندری اوپیدوم، اوپینوم، اوپیای، و اوپیان درج کرده اند و اصلاً همان اوپیان امروزه است که در غرب چاریکار موقعیت دارد. ساحه تاریخی دیگر بگرام است که پایخت شاهان کابلی بوده و دارای یك حصار چارضلعی بنام کرسنه و یا تتراگون نیز یاد می شود، که در زبان هندی بنام شهر بزرگ و مهم ترجمه شده میتواند (بی به معنی بزرگ، گرام به معنی شهر) و اکنون در مجاورت آن، ساحه میدان هوائی بگرام اعمار گردیده است. کوه صافی سپر دیوار دفاعی آن محسوب می شد. از بگرام آنوقت به کابل از راه دشت قلعه حاجی راه مستقیم کشیده شده بود که کابلشاهان مستقیماً به بالاحصار کابل می آمدند و در این طول راه بدو طرف سرك درختهای انبوه وجود داشت که عابرین از شعاع آفتاب محفوظ می بودند.

تشکیلات اداری:

ولایت پروان که از غوربند الی انتهای دره پنجشیر امتداد دارد و سالنگ را نیز احتوا مینماید دارای واحدهای اداری ذیل است:

۱- شهر چاریکار شاروالی و مرکز ولایت

۲- ولسوالی جبل السراج

۳- علاقه داری سالنگ



٤- علاقه داری شینواری

٥- ولسوالی غوربند

٦- علاقه داری شیخ علی

۷- ولسوالی سرخ و پارسا

۸- ولسوالی بگرام

۹- علاقه داری کوه صافی

۱۰- ولسوالی رخه پنچشیر

۱۱- حصه اول پنجشیر(زینیه)

۱۲- حصه دوم پنجشیر

(دره هزاره)

اقلیم و آب و هوا:

پروان دارای آب و هـوای معـتدل بـوده در جمله منـطقه اقلیمی تحت استوائی و معتدله تصنیف می شود. باد پروان از شمال به جنوب میوزد و از کوه های هندوکش منبع گرفته به استقامت کابل هوای گوارا و خوش آیند را انتقال میدهد در زمستان برف و در بهار باران می بارد، مقدار بارندگی سالانه بین ۳۰۰-٤۰۰ میلی متر بوده و در سالنگها بین ۸۰۰ الی ۱۰۰۰ میلی متر ثبت شده است که اغلباً برفباری سالنگها ساحهء هندوکش و شمال پروان را سرد میسازد. تابستان آن گرم بوده حرارت آن بین (۲۵ و ۳۰) درجه سانتـی گراد ثبت شده، اما زمستان آن سرد و درجه سردی هوا در سالنگها (۲۵-) و در چاریکار و جبل السراج به (٥- الی ۱۰-) درجه پائین می آید.

ساختمان اراضی:

اراضی پروان از کوه های مرتفع سالنگها و پنجشیر به زمین های هموار کوهدامن می انجامد. سلسله کوه هندوکش یك دیوار بزرگ را در شمال پروان تشکیل میدهد. کوه های جبل السراج، دو شاخ در سالنگ و کوه پغمان در غرب آن موجود است،

کوتل انجمن در انتهای دره پنجشیر (۴۴۳۰ متر)، کوتل خاواك در شمال (۳۶۰۰ متر)، کوتل سالنگ (۳۸۱۸ متر)، کوتل شبر در غرب (۲۹۸۷ متر) پروان را به سایر ولایات مجاور آن وصل می سازد. تپه خواجه سیاران تفریحگاه مردم است، بند جبل السراج و بند غوربند در عرض دریاها اعمار گردیده است. دریای سالنگ، دریای پنچشیر و دریای غوربند از جمله دریاهای معروف آنست که در نغلو ذخیره شده و باعث تولید برق نغلو و سروبی میگردد، در بالای تونل سالنگ یك حوض خاص هم به مشاهده رسیده است. بند برق و پروژهء آبیاری پروان شهر چاریکار را تنویر و زمین های اطراف آنرا آبیاری می کند.

نفوس:

مردم پروان در دره های سرسبز و همواریهای کوهدامن زندگی دارند. تعداد مجموعی شان قرار احصائیه رسمی سال ۱۳۵۹ به (۵۱۶۲۳۱) نفر میرسید، و با افزایش ۲,۳ فیصد در هر سال تعدا آنها در سال ۱۳۷۹ به (۷۵۳۶۹۷) نفر بالا برده شده که بادرنظرداشت مساحه آن یعنی (۹۳۹۹) کیلومتر مربع تراکم نفوس در هر کیلو متر مربع به ۸۰ نفر میرسد، اما در دره پنجشیر تراکم نفوس نسبتاً زیادتر است.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

مردم پروان، آریائی های اصیل الهویت بوده مردمان پرکار و با شهامت را در منطقه تشکیل میدهند. فرهنگ باستانی شان باارزش بوده و در تحفظ آن ساعی میباشند، به زرع تاك و درخت توت ارزش زیاد میدهند.توت و تلخان انرژی زیاد دارد، انگلیس ها در موزیم لندن آنرا به صفت نمونه تاریخی بخاطر شکست خود حفظ کرده اند. سکندر کبیر هم در حصه اوپیان از مردم پروان خسارات زیاد را متحمل شده روسها هم در پنجشیر آسیب زیاد دیدند. انگور را در سرد خانه های گلی سوراخدار خشك میکنند و از آن کشمش سبز بدست می آرند که در بازارهای اروپا و امریکا مشتری زیاد دارد. دوش آب مایع غلیظ و شیرین است که از انگور می

سازند و سرکه را هم از غوره انگور تیار میکنند. تلخان اعلی و توت خشك پروان هم معروف است. پروان چندین لیسه ذکور و اناث دارد، و روزنامه یی بنام پروان به طبع و نشر میرسد. مردم در زمینداری و مالداري و بافتن پتو و لنگی شهرت زیاد دارند.

جاهای تاریخی آن عبارتست از حصارهای کهنه سکندر کبیر که قبلاً اعمار شده بود و قصر جبل السراج که حبیب الله خان آنرا تکمیل کرد. اوپیان و بگرام در ادبیات غرب به تفصیل ذکر شده است. اوپیان که قبلاً مرکز بودیزم بود، فعلاً دفن گاه مرد متدین و روحانی بوده و بنام اوپیان شریف یاد میشود که در تداوی مرض سگ دیوانه بسیار مجرب است.

پیداوار مهم:

انگور، کشمش، تلخان، گندم، پنبه، کچالو خاصتاً ترکاری باب آن مثل بادنجان رومی خیلی با کیفیت است. سمنت جبل السراج از تولیدات مهم اقتصادی این ولایت محسوب میشود و فابریکه برق آن به ظرفیت ۱۵۰۰ کیلوات فی ساعت ضرورت جبل السراج و چاریکار را رفع میسازد. صنعت چاقوسازی در چاریکار شهرت زیاد دارد و فابریکه کشمش پاکی آن مقدار زیاد کشمش را به خارج صادر می کند. زمین های زراعتی آبی آن معادل به (۱۷۶۰۰۰ اکر)(۱) و زمین للمی آن به (۶۸۰۰۰ اکر) میرسد.

منابع آبی:

بند جبل السراج، بند غوربند، دریای غوربند، دریای سالنگ و دریای پنجشیر منابع بزرگ آبی را برای زارعین تشکیل میدهد، علاوه بر آن جویها و کاریزهای فرعی در آبیاری مورد استفاده قرار دارد. کانال پروان از جمله پروژه های مهم غرض آبیاری منطقه تکمیل شد که ساحه زیاد اراضی زراعتی را در پروان تحت آبیاری قرار

---

(۱) اکر acre واحد مساحت انگلیسی بوده و ۱ اکر = ۴۰۴۶.۸۶ متر مربع میباشد.

میدهد. این پروژه را چینائی ها تمویل و کمك کردند. کاریزهای متعدد از سمت کوه پغمان حفر شده که چاه های زیادی این کاریزها را وصل میسازد و از آب آن غرض آبیاری استفاده می شود، در محلات چاه وارهت هم وجود دارد.

سیستم مواصلات:

سیستم مواصلات در پروان کافی بوده از چاریکار شاهراه بزرگ کابل-مزار شریف میگذرد که توسط روسها اعمار شد و تونل سالنگ در سال ۱۹٦۵ به طول ۲٦۷٦ متر در ارتفاع ۳۰۰۰ متر حفر گردید. در نتیجه راه کابل-مزار شریف را ۲۰۰ کیلومتر کوتاه ساخت و راه د رهء شکاری متروك قرار داده شد. ساحه اولنگ و هفت تنور در راه سالنگ قیر شد و تسهیلات ترانسپورتی را بار آورد. از چاریکار در امتداد دره پنجشیر نیز سرك پخته تمدید شده و به سمت جبل السراج و گلبهار راه های ترانسپورتی تمدید گردید که مسافرین از آن استفاده میکنند و محمولات تجارتی توسط آن انتقال می یابد.

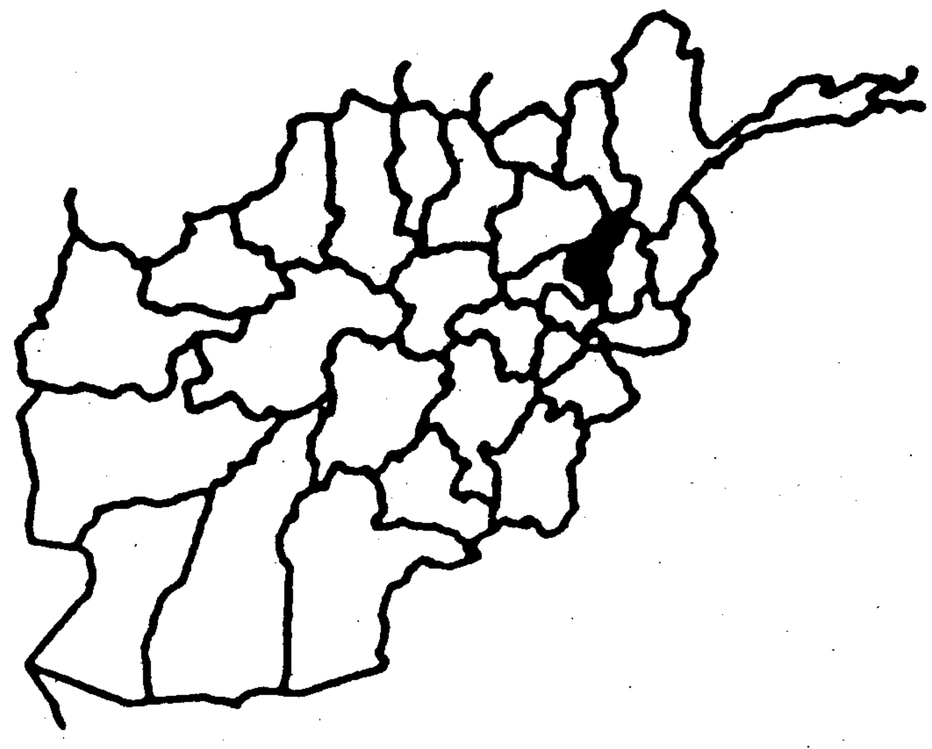
جنگلات:

اقسام جنگلات در کوه های سالنگ و پنجشیر وجود دارد از قبیل سرو، ناجو، بلوط و گز. درخت چنار، سنجد و چارمغز در هموارىها و کنار دریاها دیده میشود. درخت توت در پنجشیر و غوربند زیاد بوده، اما سفیددار یا چنار در شمال چاریکار و امتداد دریای غوربند خیلی زیاد است. بادام، سیب، زردآلو در غوربند به وفرت می روید و حاصلات قناعت بخش دارد. درخت ارغوان در سلسله کوه خواجه سیاران بر زیبائی منطقه می افزاید. و مجموعاً ۲٤۰۰ جریب زمین در هموارىها ساحهء جنگلات را تشکیل میدهد. تاکستانهای پروان شهرت زیاد دارد.

خسارات وارده جنگ:

به اثر جنگهایی که در سالهای ۱۳٦۱ و ۱۳٦۲ بین متعرضین روس و منطقه پروان و پنجشیر اتفاق افتاده بود تلفات و خسارات زیاد در دره پنجشیر وارد گردید

و ماین های فرش شده تعداد زیاد انسانها و مواشی را از بین برد. در ظرف دو سال اخیر جنگهای منطقوی در پروان شدت گرفت و خسارات مالی و جانی زیادی بوقوع پیوست. در حدود دو صد هزار نفر از پروان ترك خانه و كاشانه كردند؛ قسماً به پنجشیر، بعضی به كابل در سفارت سابقه روسیه پناهنده شدند و یك تعداد به پاكستان مهاجرت كردند. این مهاجرین بدون توشه و وسایل، خانه های خود را ترك كردند، تاكستانها، باغها، زمین های زراعتی، كانالها و كاریزها به پیمانه وسیع تلف و به ویرانه مبدل شد. اطفال و پیـــره زنان به تعـــداد زیاد از بین رفـــتند و حیات رقت بار درین منطقه مستولی شد كه جبران و اعـــمار آن بایـــن زودیـــها امكان پذیر نمیباشد.



ولایت کاپیسا

این ولایت ازجمله ولایات مرکزی افغانستان است که قدمت تاریخی آن با ولایات مجاور یکسان میباشد. بقول پلینی تاریخ آن بیش از سه هزار سال قدمت دارد. کاپیسا در زنداوستا بنامهای کاپیسین، کیاپشی، و کافوهم یاد شده و بطلیموس آنرا باسم کاپیسا تذکر داده است که درین سلسله های کوهستانی درشمال کابورا یا کابل موقعیت دارد. کاپیسا گاهی به ولایت کـابل و گاهـی به ولایت پروان مربوط بود، در تشکیلات اداری اخیر دوباره به حیث ولایت جداگانه شناخته شد.

تشکیلات اداری:

این ولایت خـورد در شمال کابل به مسـاحـت (۱۸۷۱) کیلومتر مربع دارای واحدهای اداری ذیل است:

۱- محمود راقی مرکز ولایت و شاروالی کاپیسا

۲- ولسوالی کوهستان

۳- علاقه داری کوه بند

٤- ولسوالی نجراب

٥- ولسوالی تگاب

٦- علاقه داری اله سای



اقلیم و آب و هوا:

کاپیسا مثل کابـــل و کـــوهدامن دارای اقلیم معتدله بوده تابستان آن گرم و زمستان آن سرد و توأم با برفباری میباشد. دره های نجراب و تگاب برفگیر اما اقلیم گوارا دارد. نجراب از لحاظ آب و هوای گواراي آن در تابستان محل بازدید سیاحین و تفریحگاه عمومی قرار میگیرد. مقدار بارندگی سالانه آن بین ۳۰۰ الی ٤۰۰ میلی متر بوده در بهار بارندگی های آن سبب سرسبزی اراضی میشود. درجه حرارت تابستان (۲۵ درجه سانتی گرید) بوده و حد اعظمی آن به (٤۵) درجه سانتی گرید هم میرسد. درمنطقه ریگستانی ساحه شمال آن هوا زیاد گرم بوده اما دره های نجراب و تگاب تابستان نسبتاً معتدل دارند.

ساختمان اراضی:

کاپیسا در نشیبی های جنوبی کوه های هندوکش واقع گردیده که ارتفاع آن به ٤۰۰۰ متر میرسد، دریای پنجشیر از سمت جنوب و جنوب غرب آن میگذرد، دریای تگاب و نجراب بیشتر باعث شادابی منطقه میشود. ریگ روان در ریزه کوهستان از محلات بسیار جالب و دیدنی میباشد. دره های نجراب هر کدام بنام پوته، دره غوث، فرخاص، پچه غان و خارج دره مناظر طبیعی دلچسپ داشته، تگاب هم سرسبز بوده هم مناظر زیبا دارد.

نفوس:

نفوس کاپیسا در سال ۱۳۵۹ به تعداد (۲۵٦۲۳۲) نـفر ثبت شده اما با افزایش ۲,۳ فیصد تعداد آن در سال ۱۳۷۹ به (۳۷٤۰۹۸) نفر میرسد و با درنظرداشت مساحت ۱۸۷۱ کیـــلومتر مـــربع تراکـــم نفوس در هر کیلومتر مربع معادل ۱۹۹ نفر میباشد که اکثراً در امور زراعت و باغداری و یـــا ماهیگیری مصروف میباشند.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

کاپیسا دارای لیسهء عالی و چندین مکتب ابتداییه بوده مردم آن اکثراً به زراعت، باغداری و مالدای مصروفیت دارند. توان و مهارت آنها در آب بازی هم زیاد است. از همین سبب در ماهیگیری علاقمندی زیاد دارند. در نجراب و تگاب بیشتر به مالداری می پردازند. تعداد زیاد مردم کوهستان در فابریکهء نساجی گلبهار مصروفِ کار میباشند و در پارچه بافی، پتو و لنگی مهارت خاص دارند.

در کاپیسا جاهای تاریخی آنرا محمود راقی و تپه های مختلف نجراب تشکیل میدهد که در زمان شاهان گذشته ازین دره ها و تپه ها به حیث تفریحگاه تابستانی استفاده میکردند. از نشیبی های کوه موری آثار تاریخی زیادی بدست آمده که به قرن چهارم و پنجم میلادی ارتباط میگیرد.

پیداوار مهم:

کوهستان سرزمین معروف در تربیه درخت توت است، توت و تلخان این منطقه در نوعیت خود شهرت جهانی دارد. ماهی با پروتین زیاد ولذت خاص از دریای پنجشیر بدست می آید.درنجراب هم توت و هم پنیر اعلی به وفرت پیدا میشود، پنیر نجراب در سراسر کشور شهرت ملی دارد. در تگاب انواع مختلف انار شیرین، بیدانه، و میخوش تولید و زرع میشود که حاصلات آن در بازار های مختلف از سروبی الی پشاور، اسلام آباد و کشور های خارج عرضه می شود. گندم هم از تولیدات درجه اول این منطقه بوده و پنبه اعلی در کوهستان زرع و در فابریکه نساجی گلبهار بکار می افتد. صحن، کتان، کشمیره و تکه های گلدار اعلی درین فابریکه تولید میگردد و سالانه از ۸۰,۰۰۰,۰۰۰ متر تکه اضافه تر بافته میشود و بیش از ۳۰۰۰ نفر در آن کار میکنند. برای متخصصین و مامورین اقامت گاه های دولتی هم میسر است. زمین زراعتی بشکل آبی (۲۰۰۰۰۰ اکر) و زمین للمی معادل (۲۰۰۰) اکر میباشد.

منابع آبی:

منابع آبی ولایت کاپیسا را دریای پنجشیر، دریای تگاب و نجراب تشکیل میدهد، اما از دره های نجراب و تگاب کاریزها و چشمه های طبیعي هم در سطح زمین بملاحظه میرسد که در زراعت از آن استفاده می کنند. در حصه گلبهار بندهای آبی برای آبیاری اعمار کرده اند تا اراضـــی یی که از سطح دریا بلند است زیر آب قرار گیرد.

سیستم مواصلاتی:

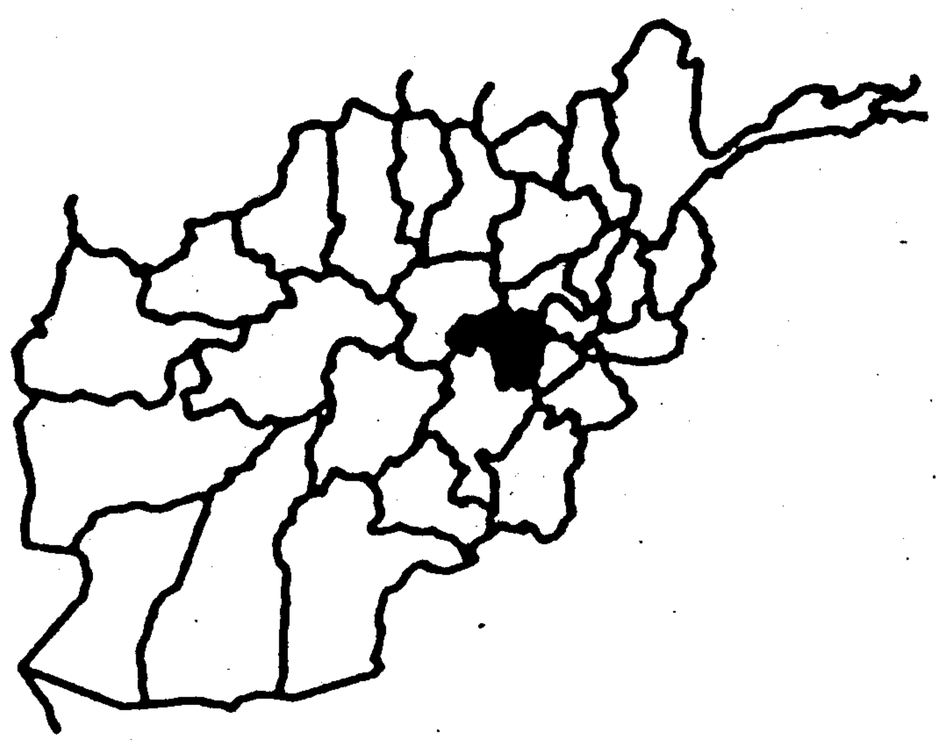
کاپیسا توسط یك سرك پخته به طول ۹ کیلومتر از گلبهار به جبل السراج وصل شده و سرك پخته دیگری محمود راقی را به نجراب، تگاب و سروبی وصل میسازد. که درین پنجسال اخیر اکثراً مسافرین سمت شمال از همین راه به مزار شریف و یا جلال آباد سفر میکنند.

جنگلات:

جنگلات در ولایت کاپیسا به خصوص در دره های نجراب و تگاب زیاد بملاحظه میرسد، قسماً برگریز و قسماً جنگلات سوزنی برگ بوده و ساحه بیش از ۲۰۸۰۰ جریب زمین را در دامان کوهستانی احتوا میکند.

خسارات وارده‌ء جنگ:

خسارات وارده جنگ بر منطقه هم چشم گیر است، زیرا یك تعداد قریه ها ویران و زمین های زراعتی تخریب شده و مالکین آن مؤقتاً مهاجرت کرده بودند. بناءً اثرات جنگ و عدم مراقبت هر دو باعث خرابی محل گردیده است. بالاتر از همه فابریکه نساجی گلبهار درین جنگها قسماً ویران و حصه یی از پرزه جات آن مورد دستبرد قرار گرفت که باعث رکود این فابریکه بزرگ و مهم شد و کارگران بیکار و بدون عاید مانده و اقتصاد کشور را تضعیف کرده است.



ولایت وردک

ولایت وردك که میدان هم جزء آنست از زمان حکومت امیر شیر علیخان باینطرف جزء ولایت کابل بوده اما در سال ۱۳٤۳هـ.ش. به منظور تسهیلات مردم که به امور یومیه و ارتباط محاکم و کارهای اجرائیوی زودتر به ولایت و حکومت رسیده بتوانند، وردك بحیث یك ولایت علیحده در چوکات اداری افغانستان شامل گردید و سوابق تاریخی آن به ولایت کابل بیشتر در ارتباط است.

تشکیلات اداری:

وردك دارای تشکیلات اداری ذیل است:

۱- میدان شهر مرکز ولایت

۲- علاقه داری جلریز

۳- ولسوالی حصه اول بهسود

٤-ولسوالی مرکز بهسود

۵- علاقه داری دایمیرداد

٦-ولسوالی چك وردك

۷- ولسوالی سید آباد

۸- علاقه داری نرخ



اقلیم و آب و هوا:

وردك دارای اقلیم سرد نیمه صحرائی بوده مقدار بارندگی سالانه آن بین ۳۰۰ و ٤۰۰ میلی متر و در حصه کوتل اونی به ۸۰۰ میلی متر هم میرسد. حد اعظمی درجه حرارت به ۲۰ الی ۳۰ درجه سانتی گردید و در حصه اونی در تابستان از ٥+ درجه سانتی گرید بالاتر نمیباشد. در زمستان سردی هوا به ۱۰- و ۱٥- درجه پائین می آید و در حصه اونی کمتر از (۲۰-) درجه سانتی گرید ثبت شده است و داراي چار فصل سال بوده زمستان آن برفگیر میباشد.

کوه ها و دریاها:

سلسله کوه پغمان در شمال و سلسله های کم ارتفاع در جنوب آن در ساحه چك و سید آباد نیز وجود دارد. دریاهای مهم آن عبارتست از، دریای میدان و دریای جلگه که بند چك بالای آن اعمار شده است. دریای جلگه در نقاط مرتفع به نام دریای خاوات و کجاو نیز یاد میشود، آب دریای هلمند در سر چشمه آن یکصد کیلومتر در وردك جریان دارد.

نفوس:

نفوس ولایت وردك در سال ۱۳٥۹ به تعداد (۲۹٤۱۲٥) احصائیه گیری شد و با افزایش ۲,۳ فیصد در سال ۱۳۷۹ تعداد آن معادل (٤۲۹٤۲۲) نفرمیگردد. مساحت وردك (۹۰۲۳) کیلومتر مربع و تراکم نفوس در هر کیلومتر مربع مساوی به (٤۷,٥) نفر میباشد.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

وردك دارای فرهنگ باستانی آریائی های قدیم بوده مردم آن به مالداری و زمینداری اشتغال دارند. داراي لیسه و تعداد زیاد مکاتب ابتدائی میباشد از جمله شخصیت های برجسته این سرزمین محمد جان خان غازی است که درجنگ دوم افغان و انگلیس شهامت و مردانگی زیاد از خود نشان داد و یکجا با مردم قلعه قاضی

درحصهء دشت قلعه قاضی انگلیسها را شکست دادند. مردم وردك درتهیه پشم و مواد لبنیات و باغداری مصروف اند و در تهیـــهء قروت، مرغداري و گوسفـــند بیشتر سر و کار دارند، عروسی و دادن دختر در بدل پول و مال صورت میگیرد.

جاهای تاریخی:

جاهای تاریخی قابل ملاحظه در وردك وجود ندارد، اما در گرُبت زیارتگاه های تاریخی وجود دارد که با ورود اسلام همزمان میباشد.

پیدوار مهم:

مرغداری، تربیه حیوانات، نمد، گلیم، قروت، از پیداوار مهم آنست و توت، سیب، زردآلود و کچالو حاصل زیاد میدهد. علاوه بر آن معدن مایکا در تکانهء میدان، سنگ سرخ مرمر، آهن، و بیرایت درین ولایت پیدا میشود. آبهای معدنی وافر در دره های آن نیز موجود است که اغلباً آبهای کاربونیت دار میباشد.

منابع آبی:

دریای میدان، خاوات و کجاو یگانه منابع آبی آنرا تشکیل میدهد، اما موضوع قابل ملاحظه اینست که در تمام دره های آن آب کاریز و چشمه های طبیعی با آب شفاف وجود دارد که در آبیـــاری از آن اســتفاده میکنـــند، علاوه بر آن از واتر پمپ و چاه های عمیق نیز درین مورد استفاده میشود. بند چك بالای دریاچه جلگه در جغتو اعمار شده و ظرفیت تولید فی ساعت ۳۳٦۰ کیلوات برق آبی را دارد که مورد استفاده مردم محل و میدان قرار می گیرد و پنجاه سال کامل به کابل هم از آن استفاده میگـــردید. اما ذخیره بند توسط رسوبات تا حدی مملو گردیده قدرت تولید برق را پائین آورده است. زمـــین آبی (۱۲۸۰۰۰ اکر) و زمین للمی (۹۰۰۰ اکر) موجود است.

سیستم مواصلات:

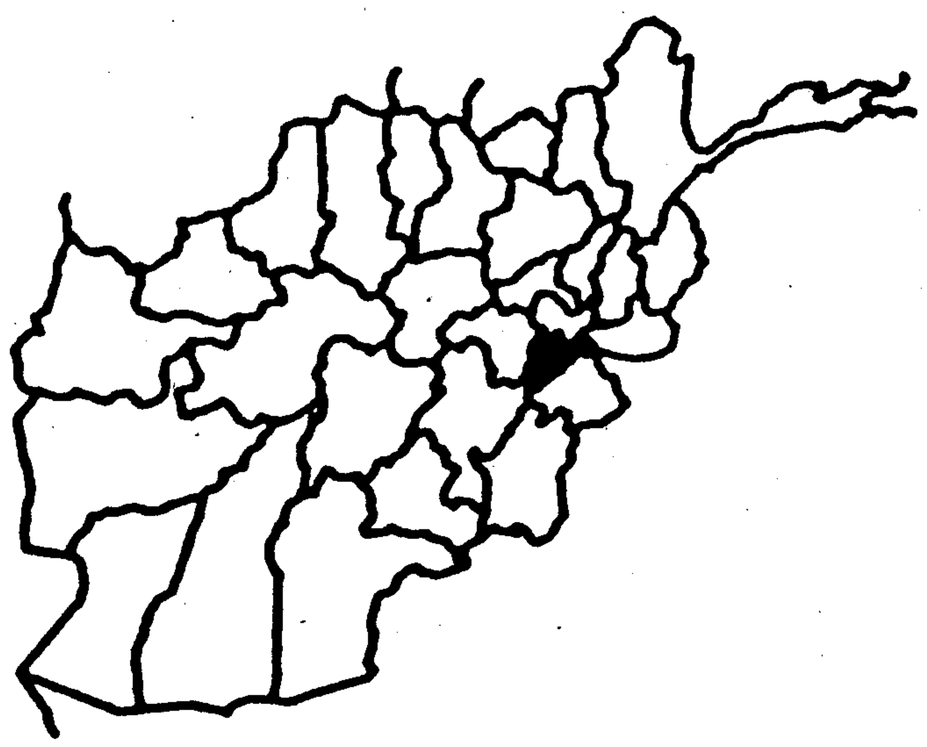
میدان و وردك بالای شاهره کابل-کندهار قرار دارد ازین لحاظ ارتباط موصلاتی آن با سایر ولایات بهبود یافته است. اما با سایر ولسوالی ها که از سرك عمومي دورتر اند مشکلات ترانسپورتی زیاد است. زلزله یی که در سال ۱۹۹۸ درین ولایت صورت گرفت بنابر نبودن سیستم مواصلات نتوانستند به آسیب دیدگان کمك عاجل صورت گیرد. به هزاره جات، بامیان، اروزگان و غزنی راه های ترانسپورتی آن فعال است.

جنگلات:

جنگلات مهم درین ولایت بید، چنار و پنجه چنار میباشد. از جمله اشجار مثمر توت، سیب، زردآلود تولیدات زیاد دارد و جنگلات مجموعی آن به (۲۰۰) جریب زمین میرسد.

خسارات وارده‌ء جنگ:

خسارات وارده جنگ بر منطقه محسوس است، میدان شهر و مرکز ولایت اضافه تر تخریب شده راه های ترانسپورتی از حالت عادی برآمده، نقریباً ماهیت خود را از دست داده و مسافرت در شاهراه عمومی وقت زیاد را میگیرد.



ولایت لوگر

ولایت لوگر در جنوب ولایت کابل موقعیت دارد و از ابتدا الی ۱۳٤۳ یك بخش اداری ولایت کابل را تشکیل میداد. اما بعد از ۱۳٤۳ به صفت ولایت جداگانه عرض وجود کرد. در سجاوند لوگر مخروبه هایی وجود دارد که از مدنیت بودیزم قبل از اسلام نمایندگی میکند.

تشکیلات اداری:

لوگر دارای واحدهای اداری ذیل میباشد:

۱- پل علم مرکز ولایت

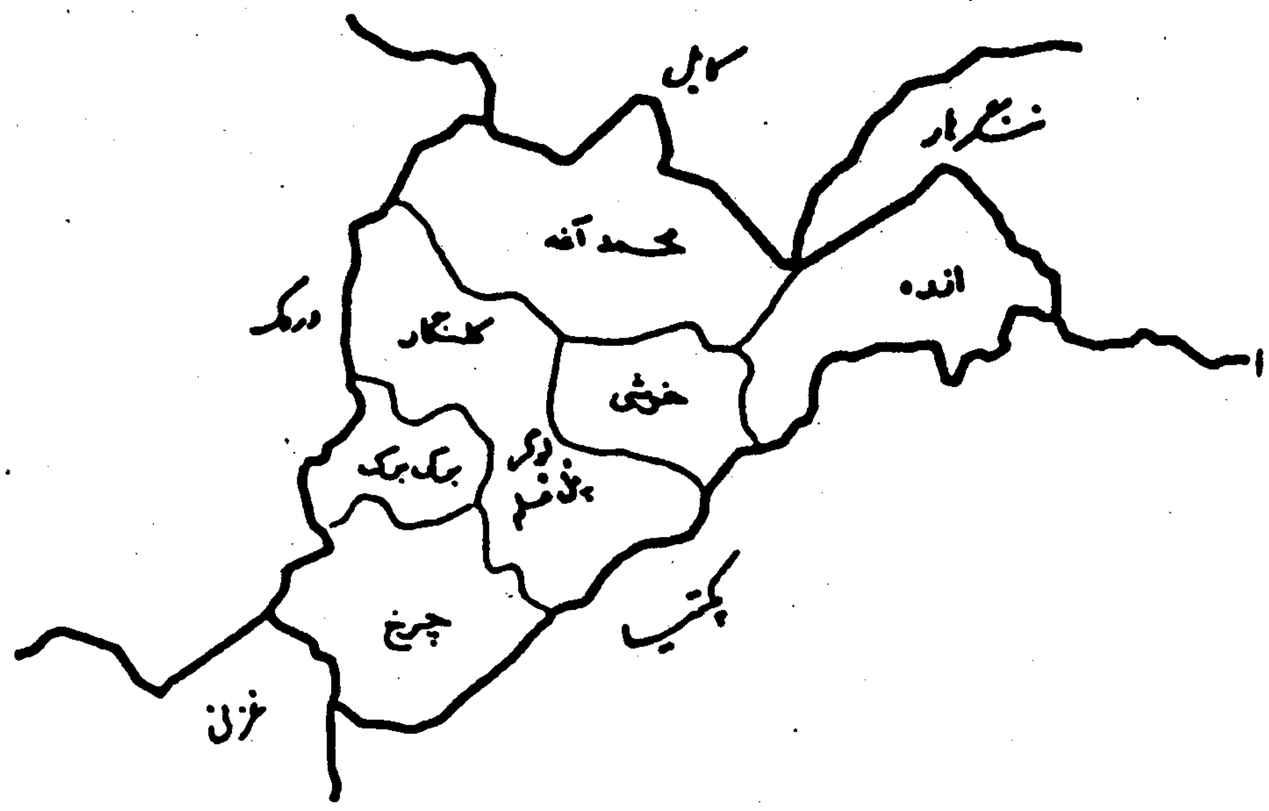
۲- علاقه داری چرخ

۳- ولسوالی کلنگار

٤- علاقه داری خوشی

٥- ولسوالی محمد آغه

٦- ولسوالی ازر



اقلیم و آب و هوا:

لوگر نظر به موقعیت جغرافیایی اقلیم تحت استوائی و نیمه صحرائی را معرفی میکند: مقدار بارندگی آن در طول سال به ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلی متر میرسد، گرمی

تابستان آن بین ۲۵ و ۳۰ درجه سانتی گرید و در زمستان به (۵- الی ۱۰-) پائین می آید. دارای چار فصل بوده زمستان برفگیر و بهار بارانی و تابستان گرم دارد.

کوه ها و دریاها:

در شرق لوگر ،کوه سپین غر، درجنوب آن کوه وچ غاش و کوتل تیره (۲۹۹٦ متر) در غرب آن سلسله های چك و میدان وجود دارد. دریای مهم آنرا دریای لوگر وجلگه تشکیل میدهد و بالای معاون دریای لوگر بند خروار بغرض آبیاری اعمار گردیده است. دره لوگر که از شمال به جنوب افتاده دره وسیع و حاصلخیز را تشکیل میدهد.

نفوس:

نفوس لوگر در سال ۱۳۵۹ به تعداد (۲۲۱۲۱٤) اما در سال ۱۳۷۹ باافزایش ۲,۳ فیصد به (۳۲۲۹۷۲) نفر میرسد. مساحت آن (٤٦٥۲) کیلومتر مربع و تراکم نفوس معادل به (٦۹) نفر میباشد.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

مردم لوگر از آریائی های قدیم افغانستان و دارای خصوصیات فرهنگی برازنده بوده، موزیك به سبك محلی درین ولایت رشد کرده و تنباکوی لوگر در تمام افغانستان شهرت خوب دارد. به صید ماهی و آب بازی علاقمندی زیاد دارند. در ساختن قلعه های محلی از پخسه و گل مهارت خوب داشته مهمان نواز و با معاشرت میباشند. خاك آن حاصلخیز و آب کافی از دریای لوگر غرض آبیاري موجود است. پروژه انکشاف دهات درین ولایت کار زیاد کرده در محمد آغه و برکی راجان زراعت انکشاف نموده و مکتب و کلینیك هم در اختیار دارند و دارای لیسه ها نیز میباشند.

جاهای تاریخی:

تا جائیکه تحقیق بعمل آمده در سجاوند لوگر بقایای معابد بودیزم وجود داشته که امروز به خرابه مبدل گردیده است.

پیداوار مهم:

تنباکو از پیداوار خیلی مهم آنست. گندم، برنج، جو، جواری اعلی و کچالو به وفرت میروید. زردآلو در چرخ، توت و بهی در دوبندی و شتر گردن، آلو درپا دخواب شانه شهرت دارد و چار مغز در ساحات کوهستانی میروید. اراضی دامان کوه به شکل مرتبه - مرتبه به تراس ها جدا شده و مورد زرع قرار میگیرد. مس عینك بسیار معروف است، آهن کرومیم و از بست هم در لوگر وجود دارد.

منابع آبی:

دریای لوگر منبع غنی آب برای درهء لوگر محسوب گردیده و بند خروار در جنوب پل علم ذخیرهء خوبی برای آبیاری زمین های زراعتی به حساب می آید. از چاه ها و واتر پمپ نیز در آبیاری استفاده میکنند. در لوگر مجموعاً (۱۳۳۰۰۰اکر) زمین آبی و (۸۷۰۰۰ اکر) زمین للمی و جود دارد.

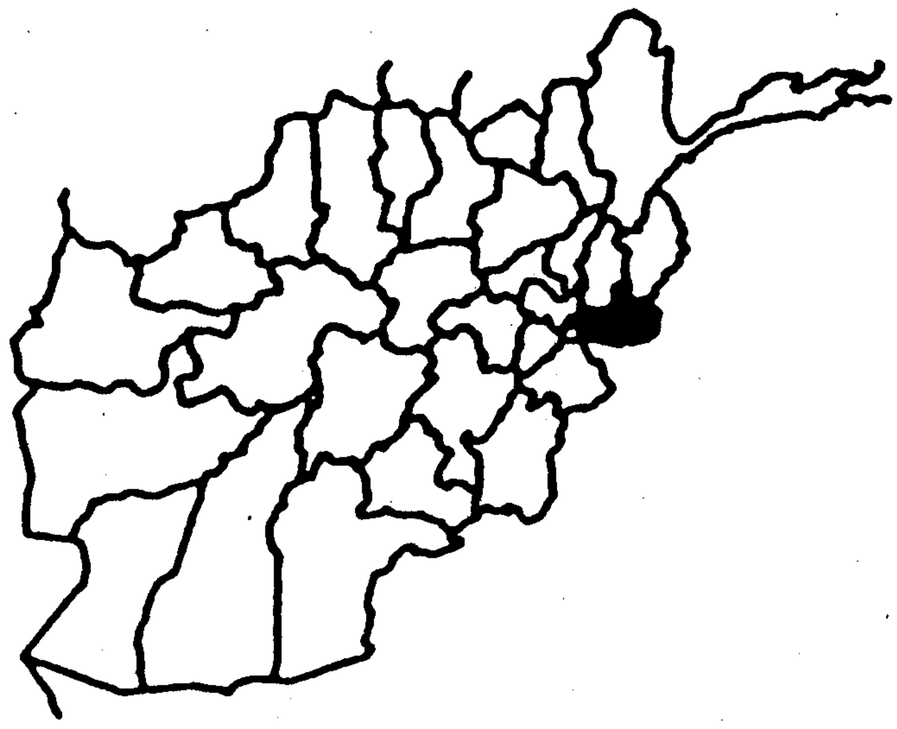
سیستم مواصلات:

شاهراه کابل خوست از مرکز پل علم میگذرد که وسیله خوب ترانسپورتی را برای مسافرین و تجار تشکیل میدهد، در متباقی ولسوالیها راه های درجه دوم و سوم وجود دارد اما در نقاط دور دست مثل ازر مشکل ترانسپورتی تا حدی موجود است.

جنگلات:

در ولایت لوگر عموماً چنار و پنجه چنار، سنجد به تعداد زیاد میروید و در تعمیرات از آن استفاده میکنند. و مجموعاً (۱۵۷۰۰)جریب زمین ساحه جنگلات و نیله باغهای چنار را تشکیل میدهد.

خسارات وارده جنگ بر منطقه محسوس است خاصتاً در ولسوالی محمد آغه و حصه پل علم بیشتر صورت گرفته است.راه ها تخریب شده، مسافرین وقت زیادی را در راه صرف می کنند و اکثراً ملاکین بزرگ ملکیت های خود را ترك کرده اند.



ولایت ننگرهار

این ولایت در شرق کشور موقعیت داشته سابقه تاریخی آن با مدنیت آریائی های قدیم ارتباط دارد. آیین بودیزم درین سرزمین خیلی رشد کرده است. بقول هیوان تسنگ زایر چینی، کلمه (نگرهارا) Nagarahara در کتاب اوستا ذکر شده که مراد از آن همین سرزمین ننگرهار است. حفریات باستان شناسان میرساند که بیش از پانزده هزار مجسمه های خورد و متوسط بودا در حالات مختلف از ننگرهار، بخصوص از هده بدست آمده است که اضافه تر آن به موزیم پاریس برده شده است. این مجسمه ها به قرن دوم و ششم میلادی ارتباط دارد. فاهسبین زایر دیگری قدمت این حفریات را قبل از قرن دوم میلادی میداند. ننگرهار مسکن و جایگاه اصلی و مهم زایرین بودیزم را تشکیل میداد. اگر از لعل پوره، باسول، الی بهسود و ساحه درونته بدقت نظر انداخته شود درنشیبی های کوه متصل به ساحل دریای کابل هزارها صومعه، مغاره و معبد بودیزم بملاحظه میرسد که در هر کدام آن مراسم مذهبی خود را انجام میدادند و ازین معابد هزاران مجسمه و مسکوکات بدست آمده و به قاچاق برده شده است. در ننگرهار صومعه خیلی بزرگ در نزدیکی هده وجود داشت که تعلیمات بودیزم در آن ارائه می شد. تصاویر راهبان و حیوانات را در دیوار صومعه ها ترسیم میکردند و از احجار مرمر مجسمه می ساختند و با مهارت تمام آنرا تزئین میکردند. هده در جنوب شرق شهر جلال آباد شهر بزرگی بود که بین هند و بامیان موقعیت داشت. همین اکنون قبریك راهبه بزرگ بودیست در نزدیکی حوض خشك جلال آباد زیر یك گنبد قرار دارد. بعد از سقوط هده از جمله شاهان مغل جلال الدین اکبر جلال آباد را بنا نهاد و از همین لحاظ بنام جلال آباد یاد میشود. این شهر در سال ۱۸۸۰ در اثر سیل خراب شد و پلان جدید شهری در آن عملی گردید. سراج العماره و باغ امیر شهید که مقبره امیر حبیب الله و امان الله خان در آن جا دارد جاهای دیدنی میباشد و باغ ممله در خوگیانی حیثیت تاریخی دارد.

تشکیلات اداری:

ننگرهار از جمله ولایات مهم شرقی بوده دارای ۷۶۱۶ کیلومتر مربع مساحت میباشد و از لحاظ تقسیمات اداری دارای واحدهای ذیل است:

۱- شاروالی جلال آباد به حیث مرکز ولایت

۲- ولسوالی سرخرود

۳- ولسوالی حصارك

٤- علاقه داری شیرزاد

٥- ولسوالی خوگیانی

٦- علاقه داری چپرهار

۷- علاقه داری پچیرواگام

۸- ولسوالی ده بالا

۹- ولسوالی رودات

۱۰- ولسوالی اچین

۱۱- ولسوالی نازیان

۱۲- علاقه داری دربابا

۱۳- لوی ولسوالی شینوار

۱٤- ولسوالی مؤمند دره

۱٥- علاقه داری لعل پور

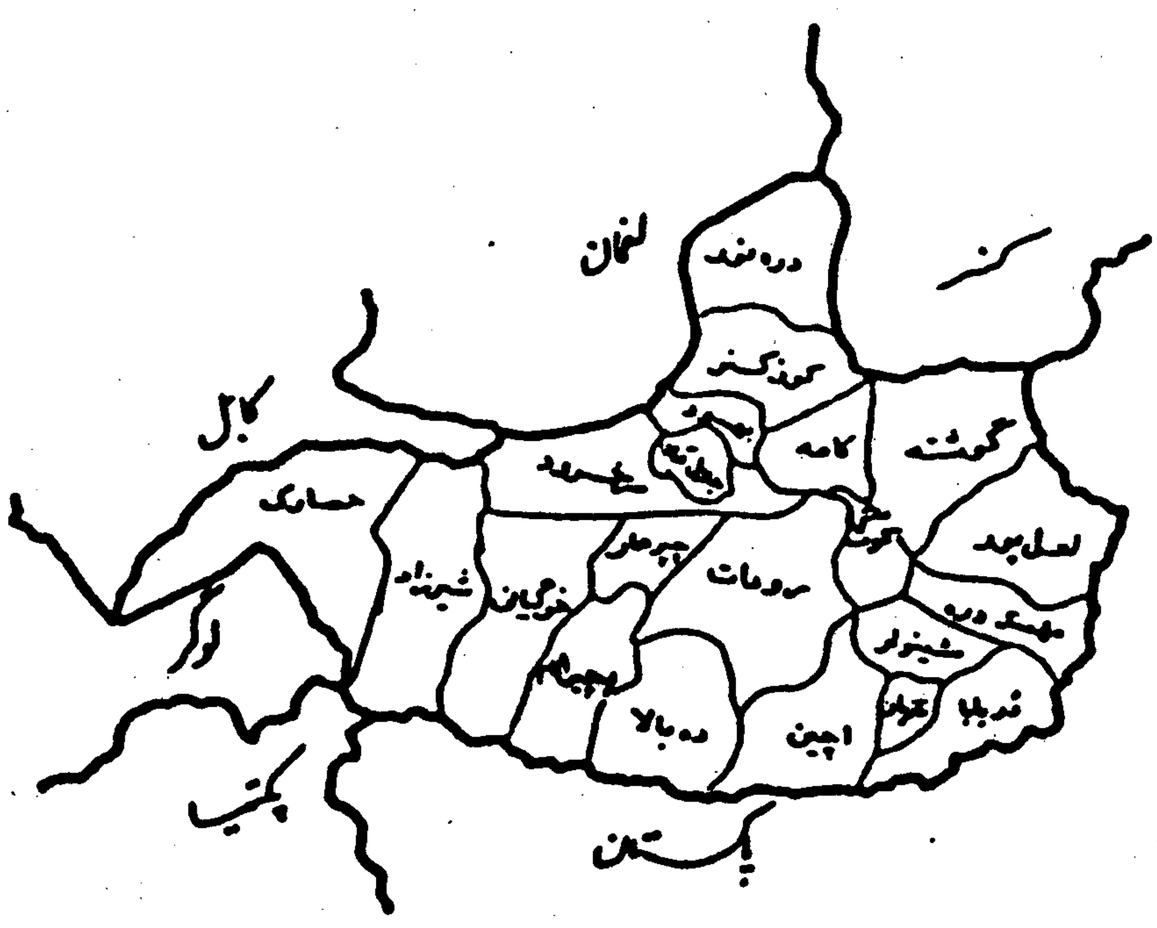
۱٦- ولسوالی گوشته

۱۷- علاقه داری بتی کوت

۱۸- ولسوالی کامه

۱۹- ولسوالی کوز کنر

۲۰- علاقه داری دره نور



این واحدهای اداری درموقعیتهای مناسب اراضی ومراکز پرنفوس مرکزیت دارند.

اقلیم و آب و هوا:

ننگرهـارنظر به پیداوار آن در جمله اقلیم مدیترانه ئی و تحت استوائی تصنیف میشود، زیرا پیداوار مالته، نارنج، زیتون، درخت خرما، برنج و نیشکر در آنجا زیاد بوده تابستان گرم و خشك و زمستان بارانی ومعتدل دارد که این وضع در اراضی هموار آن صدق می نماید، اما اراضی کوهستانی سپین غر و دره های کنر که با جنگلات صنوبری وسوزنی برگ ارچه و بلوط پوشیده میباشد بارندگی هاي موسمی را وانمود می سازد، لیکن در حصه بهسود و کامه، کوه های کم ارتفاع عاری از جنگلات سوزنی برگ میباشد. بارندگی اکثراً در زمستان و اوایل بهار صورت میگیرد. مقدار بارندگی سالانه آن بین ۱۲۵۰-۴۰۰ میلی متر در تغییر بوده و درجه حرارت وسطی (۲۱ C°) و حد اعظمی آن در ماه اسد به (۴۸ C°) میرسد.

بارندگی به شکل باران بوده گاه گاهی طوفان و سیلاب عظیمی را هم بار می آورد که باعث ویرانی خانه ها و شکستن درختان عظیم الجثه میشود. اما برف در ننگرهار نمی بارد، تنها در ارتفاعات ۳۰۰۰ متری سپین غر برفباری صورت میگیرد.

ساختمان اراضی:

اراضی ننگرهار ساختمان متفاوت دارد، دره ننگرهار شرقاً - غرباً واقع شده و دریای کابل از بین آن عبور می کند. کوه های سپین غر در جنوب آن الی تورخم امتـداد دارد. بلند تـرین قله آن سیکارام (۴۷۵۵) متر ارتفاع داشته در حالیکه جلال آباد ۵۱۰ متر از سطح بحر بلند است. در غرب آن تورغر و در شمال آن کوه بهسود موقعیت دارد، در شرق آن سلسله خیبر و شاخ شمشاد واقع است، دریای سرخرود از جنوب غرب جلال آباد و دریای کنر از شمال در حصه غرب کامه با دریای کابل وصل میشود دریاچه های مؤقت و سیلابی از حصه نازیان واچین نیز در بهار به جریان می افتد، کانال درونته باعث آبیاری فارمهای غازی آباد و هده میشود. پل بهسود در بالای دریای کابل اعمار شده که بهسود و ولسوالی های شمال ننگرهار را وصل میکند. اراضی غازی آباد، مرکز ننگرهار و دو کنار دریای کابل هموار و قابل

زرع میباشد. دشت گجیره در شمال کوه های بهسود نیز قابل ملاحظه است و سرزمین خشك را بار آورده است.

نفوس:

نفوس ولایت ننگرهار قرار احصائیه رسمی سال ۱۳۵۹ دولت معادل به (۷۶۳۵۹۱) نفر بود و با افزایش معیاری ۲,۳ فیصد در هر سال میتوان نفوس سال ۱۳۷۹ را به (۱,۱۱٤,۸٤۲) نفر محاسبه کرد که در آنجمله نفوس شهری و دهاتی شامل بوده و تقریباً ۵۰ فیصد آنرا اناث تشکیل میدهد، با درنظرداشت مساحت ولایت ننگرهار ۷٦۱٦ کیلومتر مربع تراکم نفوس در هر کیلومتر مربع به ۱٤٦ نفر میرسد و بعد از کابل دومین ولایت پرنفوس افغانستان میباشد.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

ولایت ننگرهار دارای فرهنگ قدیمه افغانی بوده روابط اجتماعی آن به حسن سلوك جریان دارد، تعلیمات علمی در سطح عالی بوده، یك پوهنتون مجهز در ساحه درونته داشته و پوهنحی طب آن بطور علیحده در مرکز شهر برای تربیه دوکتوران جوان میکوشد، دارای دارالمعلمین عالی و لیسه های ذکور و اناث بوده مکاتب ابتدائی در شهر و سراسر ولایت برای تعلیمات پسران و دختران موجود است. روزنامه یی بنام ننگرهار هر روزه طبع میشود و رادیو فعالیت دارد. دروس اناث فعلاً برای مؤقت تعطیل بوده، لیکن دوکتوران اناث در ننگرهار و سایر ولایات بکار خود ادامه میدهند. مکاتب حرفوی و تخنیکی نیز در شهر جلال آباد وجود دارد که در مهارت فنی و تخنیکی به پسران جوان آموزش میدهند.

اما کن تاریخی:

در ولایت ننگرهار هده در سه کیلومتری جنوب شرق جلال آباد ارزش باستانی داشته، باغ سراج العمارة، باغ امیر شهید و روزنه های دامان کوه های ساحه درونته باسول ازصومعه ها ومعابد بودیزم نمایندگی میکند. باغ محله در خوگیانی وصفدرگت

درکوزکنر محل بود وباش پدر ارشد سیدجمال الدین افغان میباشد که مردم محل و یادولت باید به افتخار سید افغانی آبده تاریخی اعمار نمایند.

پیداوار مهم:

ولایت ننگرهار با داشتن اقلیم مدیترانه ئی دارای تولیدات نباتات پرتقال از قبیل نارنج، مالته لیمو میباشد که مقدار زیاد تولید آن باعث تولید فابریکه آب میوه شده، زیتون حاصلات خوب و عالی داشته از فارمهای غازی آباد و هده مقدار زیاد آن در فابریکه تولید روغن زیتون بکار برده میشود و درپروژه فارم هده کانسرو آن در بوتلها صورت گرفته در بازار عرضه میشود. از تولیدات نیشکر هم آب نیشکر در بازارعرضه میگردد و هم در جهازهای محلی از آن (گُر) ساخته میشود طوریکه توسط حیوانات چرخ جهاز به حرکت افتاده آب نیشکر را خارج ساخته در ظروف علیحده انتقال داده میشود و توسط حرارت دادن به (گُر) مبدل میشود. از کوه های سپین غر جلغوزه بدست می آید و ازچوب آن در تعمیرات و محروقات استفاده می کنند. صنعت صابون سازی، یخ سازی، صنایع چوبی، حجاری و کلالی درین ولایت رشد کرده است. در ولسوالی اچین معدن سنگ تلك نیز وجود دارد که در صنایع از آن استفاده میشود. علاوه بر آن سالانه مقدار زیاد برنج تولید می نماید و پنبه هم به پیمانه کافی زرع میگردد.

منابع آبی برای زراعت:

دریای سرخکان و دریای کابل بهترین منبع آبی برای زراعت میباشد. از بند درونته و آب آن استفاده اعظمی صورت میگیرد و در حدود ۳۰۴۵۰ هکتار زمین در فارمهای هده و غازی آباد آبیاری میشود، درونته في ساعت ۱۱۰۰۰ کیلوات برق تولید می نماید که باعث تنویر شهر و تمام دستگاه های صناعتی میشود. در آبیاری هم تسهیلات خوبی بکار می برند تا آب ضایع نشود. زمین آبی در ننگرهار (۲۱۲۰۰۰) اکر و للمی به (۹۱۰۰۰) اکر میرسد که فعلاً افزایش قابل ملاحظه هم کرده است.

سیستم مواصلاتی:

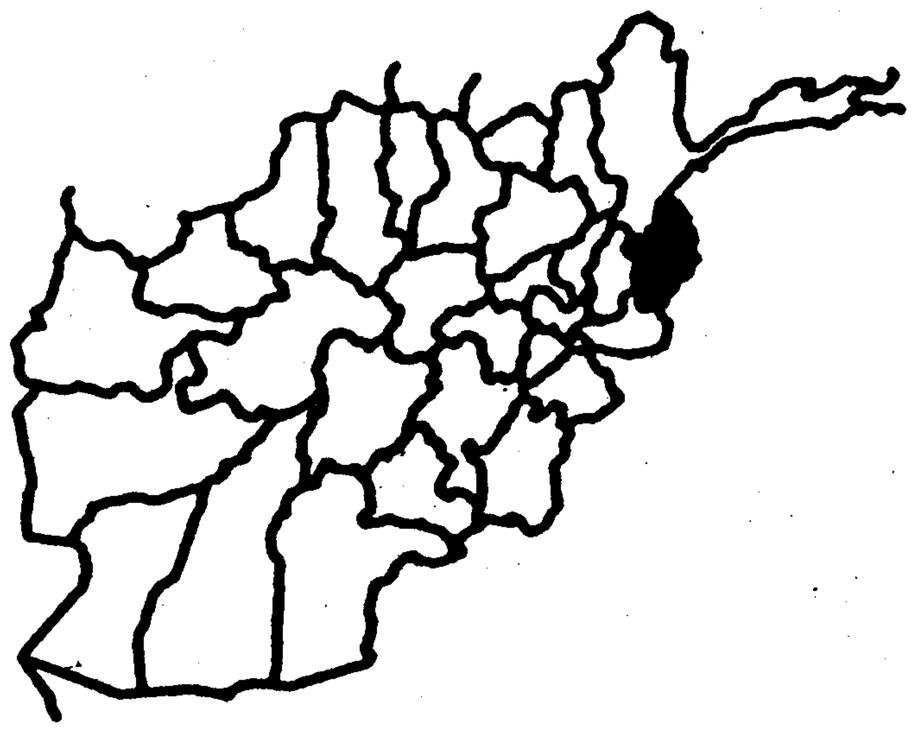
شاهراه کابل تورخم از ننگرهار میگذرد، سرک کابل تورخم قسماً قیر و قسماً تخریب شده. بهرحال دوران ترافیك فعال است و توسط پل بهسود به استقامت کامه و کنرها تردد ترافیکی بخوبی میسر است. بین کابل-جلال آباد شاهراه کابل خیلی فعال است. روزانه مقدار زیادی مواد غذائی ازین راه به کابل می آید و هزاران مسافر و مهاجر ازین راه استـــفاده میکـنند. در تمام افغانستان شاهراه کابل تورخم و کابل جلال آباد متراکم ترین دوران ترافیکی را دا راست. مال التجاره از اســلام قلعه و حیرتان غرض محصول و انتقال به تورخم می آید و در گمرك جلال آبادیا تورخم محصول میشود، بناءً این ولایت عاید سرشاری از تجار، مسافرین و مهاجرین بدست می آورند.

جنگلات:

جنگلات ولایت ننگرهار در دامان سپین غر به وفرت وجود دارد، ارچه، بلوط، نشتر، لمنز به پیمانه زیاد بوده، در حدود ٦٧٤٣٠٠ جریب ساحه را احتوا میکند. گز، موریانگ و ناجو در آنجا نیز زیاد است.

خسارات واردهء جنگ:

خسارات وارده جنگ بر منطقه خیلی بیش از حد است زیرا تأسیسات فارم غازی آباد، هده، ساحه درونته و ثمرخیل با فابریکه های آن خراب شده، راه ها و پلها پنجاه فیصد ماهیت خود را از دست داده، دهکده های ساحهء ثمرخیل وعمارات ساحه باسول و گردی غــوث در دو کــنار سرك ویران شده است که خوشبختانه فعلاً مرحله به مرحله در اعمار مجدد آن توجه بعمل می آید.



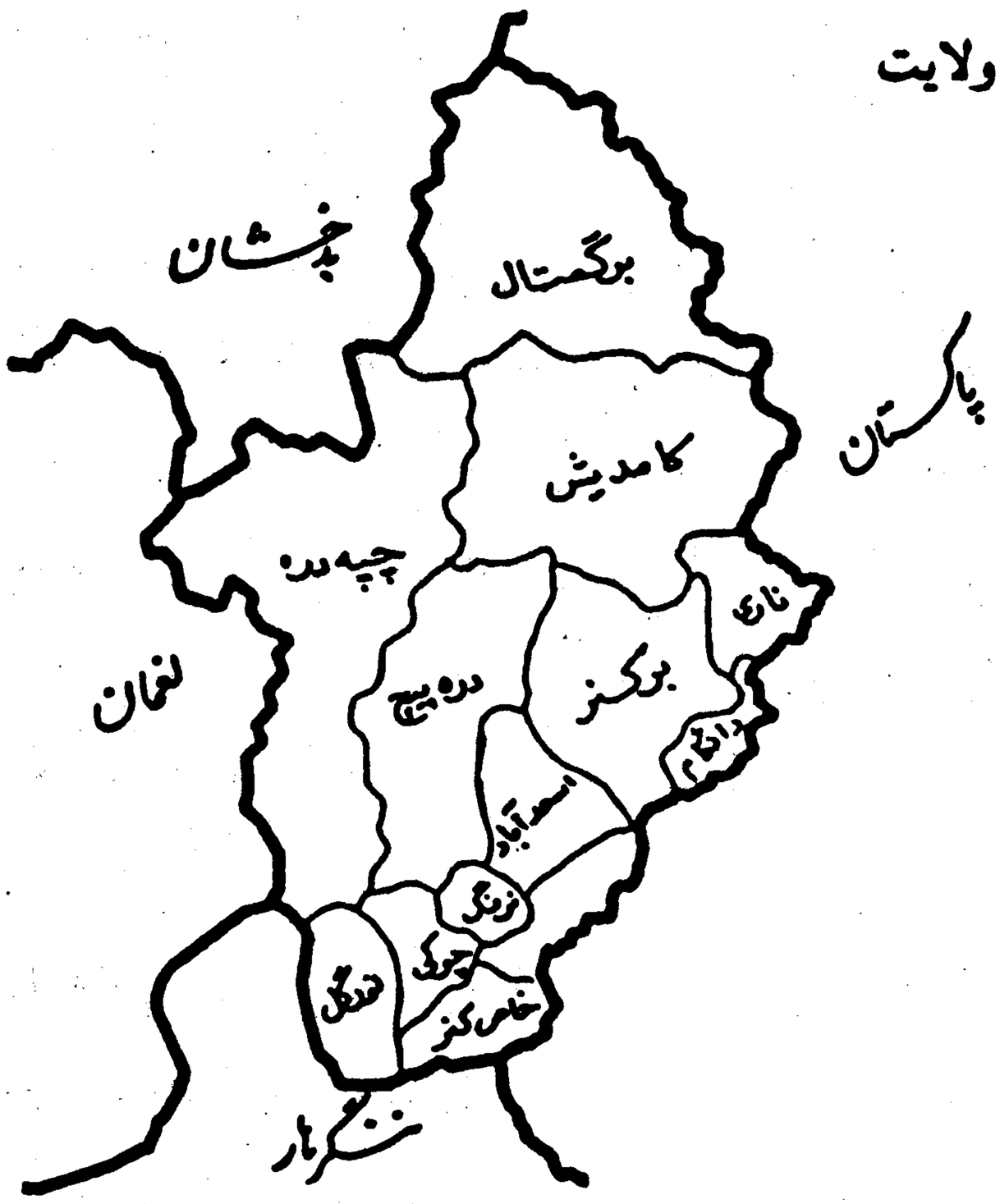
ولایت کنر

ولایت کنر در زمان شیر علیخان در تشکیل اداری کابل شامل بود و در زمان امان الله خان جزء حکومت اعلی سمت مشرقی شد و در سال ۱۳٤۳ به صفت یك ولایت جداگانه عرض وجود کرد. مشخصات کلتوری و فرهنگی آن با ولایت ننگرهار و قسماً با ولایت لغمان قرابت زیاد دارد.

تشکیلات اداری:

کنر دارای این واحدهای اداری است:

۱- اسد آباد شاروالی و مرکز ولایت
۲- علاقه داری مرور (مروره)
۳- ولسوالی برکنر
٤- علاقه داری ناری
٥- علاقه داری دانگام
٦- ولسوالی کامدیش
۷- علاقه داری برك متال
۸- علاقه داری واما
۹- ولسوالی وایگل
۱۰- علاقه داری چپه دره
۱۱- ولسوالی دره پیچ
۱۲- علاقه داری نرنگ
۱۳- ولسوالی چوکی
۱٤- علاقه داری نورگل
۱٥- ولسوالی خاص کنر
۱٦- ولسوالی سرکانی



اقلیم و آب و هوا:

اقلیم کنر بنابر موجودیت جنگلات سوزنی برگ و بارندگی های بهار، تابستان و زمستان که طور موسمی صورت میگیرد درجمله اقلیم معتدله مونسون تصنیف میشود که الی اطراف برگ متال و بالاتر از آن این خصوصیت وجود دارد. مقدار بارندگی سالانه آن در جنوب ولایت ٤٠٠ میلی متر و در نواحی جنگلات موسمی آن به ١٠٠٠ و ١٢٠٠ میلی متر میرسد. حرارت تابستان آن در ساحه جنوب و جنوب شرق بین ٣٠ و ٤٠ درجـــه سانتی گرید، اما در شمال و شمال غرب آن به ٢٠ و ٢٥ درجه میرسد در زمستان هوای قســـمت های جنـــوبی ولایت بـــه ٥+ درجه و در شمال آن به ١٠- و ١٥-درجه تنـــزیل می یابد. در نقاط شمالی آن برفباری هم صورت میگیرد.

ساختمان اراضی:

در شمال کوه های هندوکش شرقی باعث تشکیل دره های مختلف شده و سلسله های محلی آن عبارتند از کوه هندوراج، کوه کامدیش، و کندغر که در شمال ارتفاع آن الی ٥٣٣١ متر نیز میرسد. دریای کنر در مجموع این ولایت را شاداب ساخته، یك معاون از سمت گلگت داخل سرحد افغانستان میشود، معاون دیگر آن کتیگل (باشگل) و معاون دیگر آن دریای پیچ است که بنام پارون هم یاد میشود، در حصه اسدآباد با دریای کنر یکجا میگردد و راه های آن از شمال به جنوب امتداد دارد، دره ها سرسبز و شاداب و کوه ها با جنگلات پوشیده میباشد.

نفوس:

ولایت کنر قرار احصائیه سال ١٣٥٩ به تعداد (٢٥٥٨٠٤) نفر نفوس داشت که باافزودن ٢,٣ فیصد نفوس آن در سال ١٣٧٩ به (٣٧٧٣٤٧٣) نفرمیرسد. مساحت آن (١٠٤٧٩) کیلـومتر مربع بوده و تراکـم نفوس در هر کـیلومتر مربع معادل (٣٥) نفر است.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

کنر سرزمین سیدجمال الدین افغانی است که در احیای فرهنگ جهان اسلام در تمام جهان از شهرت بین المللی برخوردار میباشد، صفدرگت محل بود و باش پدرشان هنوز هم در دره کنر موجود است. مردم کنر به زمینداری و باغداری مصروف بوده احتیاجات خود را از زمین های خویش رفع میسازند. مردم کنر اضافه تر به شکار پرندگان علاقه دارند که توسط جال از مزارع آنها را شکار میکنند در هر جال امکان دارد ۱۵۰ الی ۲۰۰ پرنده را بگیرند. مردم کنر به علم و آموزش آن علاقه مفرط دارند لیسه عالی در اسدآباد و مکاتب ابتدائیه در شهر و تمام ولسوالی های آن وجود دارد.

جاهای تاریخی:

اسدآباد، کامدیش و برگ متال جاهای تورستی و مناظر دلچسپ دارد، اما آثار تاریخی بخصوص تا حال کشف نشده است.

پیداوار مهم:

پیداوار زراعتی کنر پنبه، گندم، برنج و نیشکر است. در جمله اشجار مثمر سیب، ناك، چارمغز، انواع آلو در آنجا دستیاب میشود. بید، چنار، پنجه چنار هم زیاد است. در جمله جنگلات اشجار ارچه، بلوط، نشتر، شیشم، سکسول، سرو، ناجو، پاین، لمنز در کوهستانات آن ساحه وسیع را تشکیل میدهد. معدن احجار کریمه و قیمتی نوع بیروژ، لیتیوم، مایکا، بریلیوم، و آهن در امتداد دره کنر هم موجود است.

منابع آبی:

کنر از لحاظ منابع آبی غنی است، چشمه سارهای زیاد دیده میشود و دریای کنر با معاونین دریاي پیچ و باشکل این ولایت را شاداب نگهداشته است. درین ولایت (۱۱۷۰۰۰ اکر) زمین آبی و (۱۶۰۰۰ اکر) زمین للمی وجود دارد که دهاقین و ملاکین آنرا همه ساله توسعه میدهند.

سیستم مواصلات:

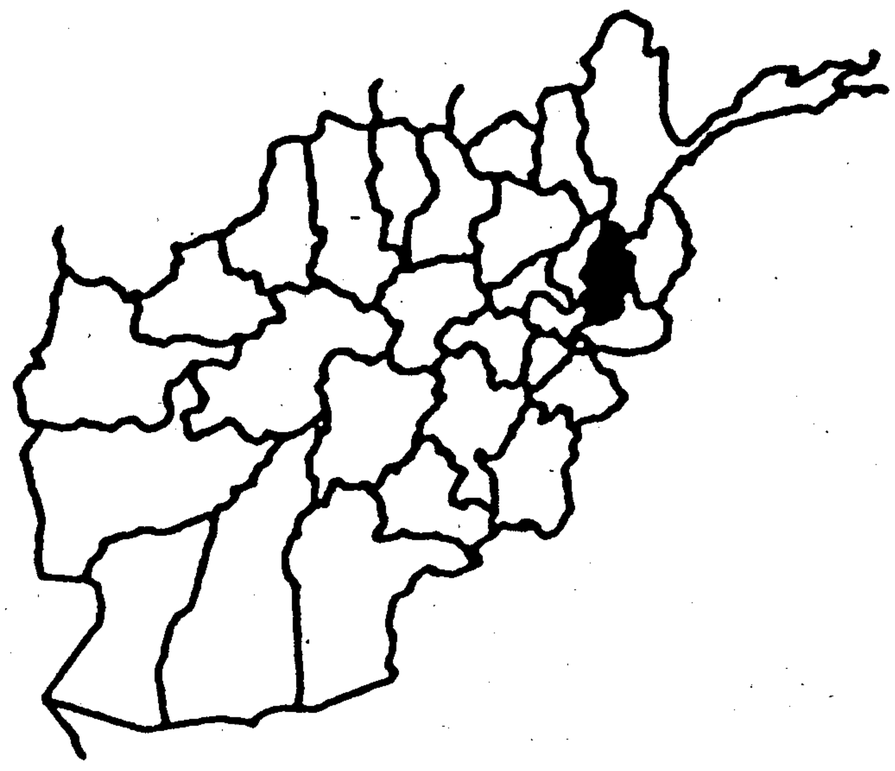
دره های کنر باریك و پرپیچ و تاب است، بنابر آن سرك های آن نیز پیچ و تاب زیاد داشته در کنار دریا امتداد دارد و در بعض جاها سرك بسیار صعب العبور و بلند بوده خطر چپه شدن موتر هم متصور میباشد و موتر بسیار آهسته و بطی حرکت می کند ورنه هر آن آسیب پذیری راه وجود دارد. اسدآباد با جلال آباد توسط یك راه خامه درجه دوم وصل میشـود و دره هـای آن با سرکهای درجه دوم و قسماً کاروان رو وصل شده است.

جنگلات:

در ولایت کـنر جنگـلات سرسـبز ساحه وسیـع را احتـوا میکـند که تقـریباً به ۱۱۲٦۹۸۰ جریب زمین میرسد و انواع مختلف اشجار سوزنی برگ بملاحظه میرسد از قبیل ارچه، بلوط، شیشم، نشتر، لمنز، سکسول، ناجو، پاین و سرو، چنار، پنجه چنار و گل بید هم در آنجا وجود دارد.

خسارات وارده‌ء جنگ:

خسارات وارده جنگ در منطقه آنقدر محـسوس نیست، زیرا راه هـا خامه بوده و آنقدر انکشاف نیافته بود. اما در طول جنگها تعداد زیاد جنگلات قطع و به قاچاق برده شده است، و غرس مجدد آن نیز صورت نگرفته بلکه دو سال قبل حصه زیاد این جنگلات طعمه حریق هم گردید.



ولایت لغمان

لغمان در شمال ننگرهار واقع بوده از لحاظ فرهنگ و پیداوار طبیعی تقریباً مشابه ننگرهاراست. کلمه لغمان ریشه تاریخی داشته هیوان تسنگ در یادداشت های خود از آن یاد کرده که در آنوقت به نامهای لمغان، لمقان و گاهی بنام لمپاکا هم تذکر داده شده است، بطلیموس نیز ازین محل یاد کرده و کلمه لمپاتا را به آن داده است این ولایت زمانی جزء ولایت کابل بود، بعداً به ننگرهار (ولایت مشرقی) پیوست، اما در سال ۱۳٤۳هـ.ش بحیث ولایت جداگانه در تشکیل اداری افغانستان گنجانیده شد.



تشکیلات اداری:

واحدهای اداری ذیل مربوط لغمان است:

۱- مهتر لام مرکز ولایت

۲- ولسوالی قرغه ئی

۳- ولسوالی علینگار

٤- ولسوالی نورستان

٥- علاقه داری مندول

٦- علاقه داری دولت شاه

۷- ولسوالی علی شنگ

اقلیم و آب و هوا:

لغمان قسماً دارای اقلیم مدیترانه ئی بوده و نورستان اقلیم مونسون را تمثیل میکند. مقدار بارندگی سالانه از ۳۰۰ میلی متر در لغمان به ۶۰۰ الی ۸۰۰ میلی متر در نورستان میرسد. حرارت اعظمی تابستان در هواریهای لغمان و دشت گمبیری به ۳۰ و ٤۰ درجه سانتی گرید و در نقاط مرتفع آن به ۱۵ و ۲۵ درجه ثبت شده است. در زمستان سردی هواز ۵+ الی صفر درجه سانتی گرید در تحول است. در شمال نورستان به ۱۰- درجه هم پائین می آید. نقاط کوهستانی و هواریهای ساحه مهتـــرلام، علیشنگ و علینگار در بهار اقلیم گوارا داشته، اما ساحه سرخکان و دشت گمبیری در تابستان گرم و سوزان است.

ساختمان اراضی:

کوه ها و دریاهای مختلف در اراضی لغمان وجود دارد. در شمال شاخه های هندوکش شرقی و درجنوب تورغرتوسعه یافته است.دریای علینگار ازسمت شمال شرق مهترلام و دریای علیشنگ از شمال غرب به استقامت دریای کابل جریان داشته درجنوب مهترلام یکجا شده و در جنوب قرغه ئی به دریای کابل وصل می شوند. دشت گمبیری در جنوب شرق لغمان نیز ساحه وسیع را احتوا کرده است.

نفوس:

نفـــوس ولایـــت لغـــمان در ســـال ۱۳۵۹ به تـــعـداد (۳۱۷۸۰۰) نفـــر بـــود با افزایش ۲,۳ فیصد در سال ۱۳۷۹ به (٤٦۳۹۸۸) نفر میرسد. مساحت لغمان (۷۲۱۰) کیلومتر مربع بوده و تراکم نفوس در هر کیلومتر مربع (٦٤) نفر میباشد.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

در لغمـــان لیسه عالی و مکاتب ابتدائیه در شهر و ولسوالیها متناسب به نفوس و ضروریات مردم وجود دارد. لیسه لغمان دوباره اعمار شده و در مهتر لام مرکزیت دارد. مردم لغمان به زرع برنج و نیشکر مهارت دارند، پنبه هم از حاصلات خوب آن

است، اما در نورستان عرف و عادات مردم متفاوت است، آنها مردم مالدار بوده خانه های دو منزله از چوب و سنگ می سازند یك كلكین آن طرف شرق و دیگری طرف غرب میباشد تا طلوع و غروب آفتاب را بخوبی ملاحظه كنند. در چپركت های چوبی میخوابند، و در چوكی می نشینند و طعام خود را در روی میز صرف میكنند. از پوست حیوانات گاه گاه لباس میسازند، فلاخن استعمال و كلاه نوع پكول میپوشند. در عروسی دختر از داماد یك تعداد حیوانات را طور تـویانه می گیرند. مردم نورستان در سال ۱۸۹۵ توسط عبدالرحمن خان مسلمان شدند و قبلاً بنام كافرستان یاد می شد اما بعد از مشرف شدن به دین اسلام نام محل به نورستان مبدل شد.

اماكن تاریخی:

جاهای تاریخی در لغمان ساحه نورستان است كه برخی آنها را بقایای اسكندر میدانند، و برخی مؤرخین آنها را از نژاد آریائی ها میگویند. زبان، كلتور و ساختمان خانه ها و صنعت چوب كه در تزئین خانه ها بكار میبرند جنبه تاریخی دارد، آنها از چوب مجسمه های چوبی هم میسازند. مهترلام از زیارتگاه های مهم است كه به اوایل اسلام تعلق میگیرد. در نورستان مناظر زیبا و شكارگاه های خوبی هم وجود دارد.

پیداوار:

در لغمان انواع برنج باریك (باره، پشدی، دیره دون) و برنج لك زرع میشود، لوبیا، بامیا، و انواع تركاری ها مثل گلپي، بادنجان و كرم از پیداوار بخصوص این محل است، نارنج، مالته، لیمو، كینو و نیشكر نیز به وفرت دستیاب میشود و از نیشكر شیره كشی كرده (گُر) هم میسازند، سیب، زردآلو، چارمغز در دره های آن میروید. در لغمان و ساحه نورستان جنگلات سوزنی برگ ارچه، جلغوزه، نشتر، بلوط، شیشم، سكسول، گل بید، بید، چنار و پنجه چنار نیز وجود دارد. ازجمله فلزات آهن، مایكا، لیتیوم، بریلیوم نیز وجود دارد. در لغمان (۱۱۸۰۰۰ اكر) زمین آبی و (۸۰۰۰ اكر) زمین للمی نیز وجود دارد.

منابع آبی:

دریای علیشنگ و علینگار دو دریای مهم است که آب کافی از آن تهیه شده میتواند و بنابر خاك مساعد و آب وافـر از زمـین دو سـه فصل حاصل میگیرند. چاه های عمیق و ارهت نیز در بعض محلات قابل استفاده میباشد.

سیستم مواصلات:

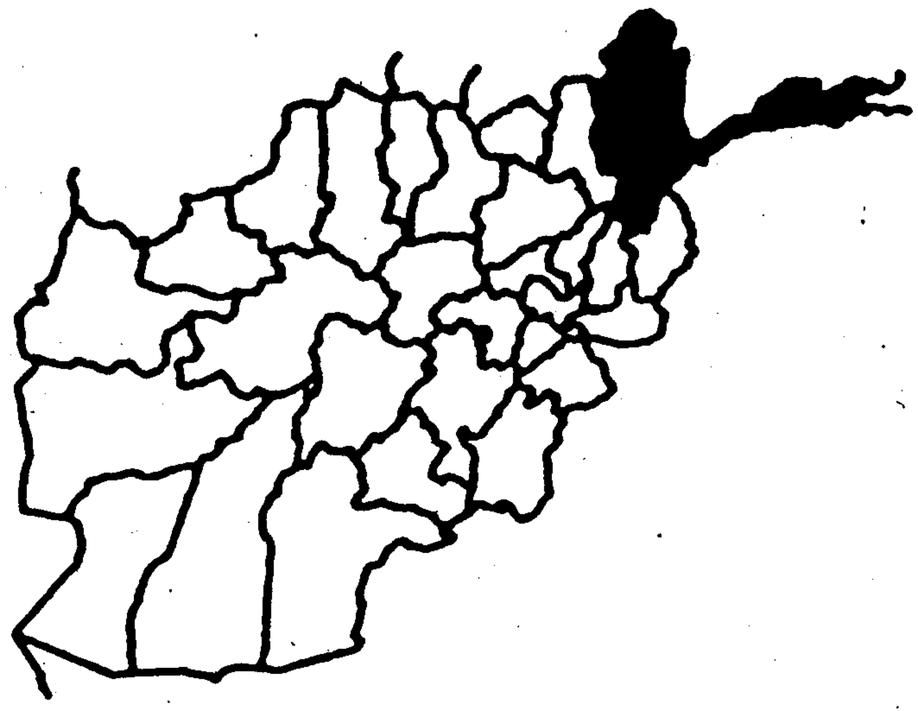
مهترلام توسط پل سرخکان در سال (۱۹٦۷) به راه کابل-جلال آباد وصل شد و ۲۵ کیلومتر راه آنرا به کابل کوتاه تر ساخت، از حصه درونته هم سرك خامه به لغمان تمدید گردیده است. لیکن در ولسوالیهای دوردست و نورستان راه ها قناعت بخش نبوده در بعض جاها پای پیاده و یا توسط اسپ و قاطر رفت و آمد صورت میگیرد. درین اواخر یك پل کوچك نیز اعمار شده که ساحه دشت سرخکان را به راه کابل وصل میسازد، اما برای موتر استفاده نمیشود.

جنگلات:

در لغمان بیش از ۲۸۸٤۰۰ جریب زمین توسط جنگلات پوشانیده شده و امکان دارد که ساحه آن وسیع هم شده باشد. جنگلات ارچه، بلوط، سکسول، شیشم، جلغوزه، نشتر و لمنز در شمال آن وجود دارد، سرو و ناجو درهمواریها هم میروید. باغهای انبوه از نارنج، مالته و لیمو هم انکشاف کرده اشجار مثمر سیب، چارمغز، زردآلو، بهی و آلو نیز به اندازه زیاد است.

خسارات وارده‌ء جنگ:

خسارات وارده جنگ بر منطقه زیاد بوده، قسمتی از شهر و خانه ها تخریب شده بود اما لیسه لغمان دوباره اعمار شد. پلها و پلچك ها تخریب و بعضاً انفجار داده شده بود که در نتیجه راه کابل لغمان در چندین حصه مشکلات ترافیکی داشته پلهای آن فرو ریخته و سرك قیر سابقه شکل خامه را اختیار کرده است.



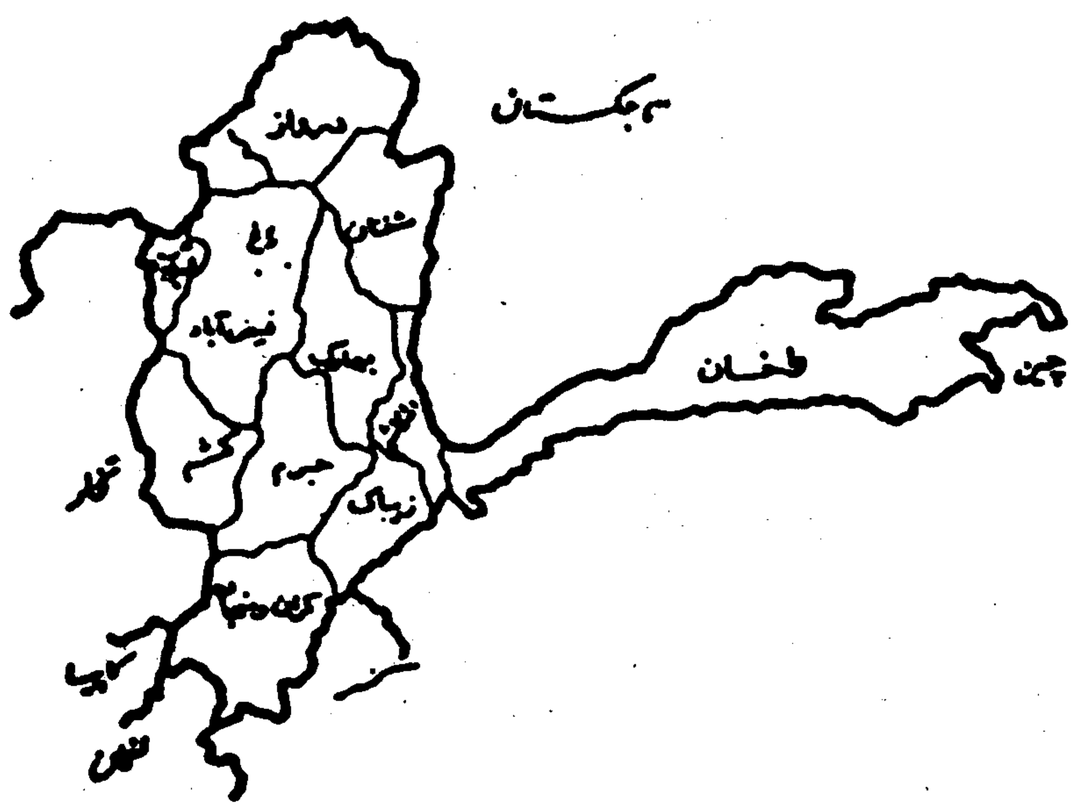
ولایت بدخشان

بدخشان در انتهای گوشه شمال شرق افغانستان واقع گردیده با ممالك مجاور و کلتورهای مختلف آسیای میانه در تماس میباشد. گوشه انتهای آن با سنکیانگ چین، در شمال با جمهوریت تاجکستان و یك حصه جنوب شرق آن با پاکستان همسرحد میباشد. این ولایت از لحاظ ارتفاع بلندتر از همه ولایات کشور بوده، قله تراجمیر بلندترین قله هندوکش شرقی درمجاورت آن از سطح بحر ۷۷۵۰ متر ارتفاع دارد. کوتل بروغیل زمانی معبر بزرگ تجار راه ابریشم را تشکیل میداد که از سنکیانگ چین می آمدند و ازین کوتل بدخشان گذشته به هندوستان، لاهور و دهلی میرفتند. مارکوپولو در قرن سیزده از بدخشان مشاهدات و خاطراتی داشته به آب و هوای آن شیفته شد، مریضی یی که عاید حالش بود، درین ولایت شفا یافت و در یادداشت های خود از شفاف بودن هوا و ناك و میوه بدخشان خیلی به دلچسپی یاد آوری کرده است. از گوسفندهای آن تذکر داده شده که نوع خاص و دارای شاخ بوده بعداً به گوسفند مارکوپولو شهرت یافت. اگر چه مارکوپولو وسایل ارزیابی ارتفاع کوههای پامیر را نداشت، اما او به هفت هزارمتر ارتفاع آنجاها را تخمین کرده بود. اظهار داشت که در بین کوه ها دره سرسبزی پوشیده با جنگلات وجود دارد و نهرها و دریاچه های بزرگ درحین فرودآمدن از کوه هاآبشارهای زیبای حریر نما را تمثیل میکند، درین دریاچه ها ماهی های وجود دارد که گوشت شیرین و لذیذ دارند. در بدخشان آب کریستل معدنی هم موجود است، در مورد جهیل شیوا و شفافیت آب آن سخن های زیادی گفته شده و داستان بدرالجمال را به این جهیل ارتباط میدهند. بنابر امتزاج و آمیزش کلتورهای مختلف زبان اشکاشمی، منجاني، شغنی، واخی، زیباکی و دری درین ولایت مشخصه مهم آنرا تشکیل میدهد. مردمان یفتل هم درین سرزمین اکثریت داشته بازماندگان خاندان یفتلی های قدیم افغانستان را که در شمال حکمروائی

داشتند ثابت می سازد. مارکوپولو از اسپ های قوی هیکل و اعلی آن یادآوری میکند که همان وقت در بزکشی های محلی برجستگی خاصی داشتند. دریادداشت های مارکوپولو این مطلب هم درج شده است که اسم بدخشان از لعل آن درخشان اقتباس شده که بعداً به نام بدخشان عمومیت پیدا کرده است. بدخشان سرزمین قلل برافراشتهء یخچالی است و در پنجه های آن لاجورد و اسپ های زیبا جا داده شده است. طبیعت به این ولایت بلند و مرتفع هدایای قیمت بهای طبیعی را ارزانی داشته است که شامل طلا، لعل، لاجورد، آب کریستل، گوسفندهای جالب، اسپ های قوی و مردمان شجاع و با صحت میباشد و نمایندگی از نژاد اصیل آریائی های قدیم مینماید. خرابه های شهر بزرگ وجود مدنیت قدیمه آریائی ها را درین ساحه نیز آشکار میسازد. مارکوپولو میگوید که تالقان و بدخشان بسیار پرنفوس وسرسبز بود، اما در کندز و خان آباد جنگلات و نیزارها وجود داشت که حیوانات درنده مثل شیر و پلنگ زیاد است و مسافرین را در مخاطره قرار میدهد. مارکوپولو از خان آباد الی فیض آباد پانزده روز راه پیمائی کرده است که از خرابی راه آنوقت دلالت میکند.

تشکیلات اداری:

درسرزمین کوهستانی و وسیع بدخشان این واحدهای اداری وجود دارند:



١- شهر فیض آباد مرکز
٢- ولسوالی کشم
٣- ولسوالی جرم
٤- علاقه داری کران منجان
٥- علاقه داری زیباك
٦- ولسوالی واخان
٧- ولسوالی اشکاشم
٨- علاقه داری بهارك

۹- علاقه داری شغنان
۱۰- ولسوالی درواز
۱۱- علاقه داری خواهان
۱۲- ولسوالی راغ
۱۳- علاقه داری شهر بزرگ

اقلیم و آب و هوا:

ولایت بدخشان بنابر ارتفاع زیاد، موجودیت کوه های زیاد و یخچالهای متعدد، اقلیم کاملاً کوهستانی را داراست، یعنی زمستان بسیار سرد و تابستان آن معتدل و گوارا میباشد، مدت چهار ماه در زمستان مردم منطقه بنابر موجودیت برف های ضخیم نمیتوانند که پای پیاده از یك قریه به قریه دیگر بروند از همین سبب در نقاط مرتفع مردم مجبور اند که مصارف ایام زمستان خود را کاملاً تهیه کنند ورنه به فقر غذائی مواجه می شوند. در دره های رو به آفتاب و فیض آباد هوای تابستان نسبتاً گرم و زمستان آن سرد، اما بنا بر موجودیت راه و وسایل ترانسپورتی امکان رفت و آمد به نقاط مجاور میسر میباشد. فیض آباد در امتداد دریای کوکچه واقع شده وتوسط این دریا بدو حصه تقسیم شده است، و (۲۵۰۰) خانه درین شهر وجود دارد.

در ایام زمستان سردی هوا به (۲۰-) درجه سانتی گرید و در تابستان بین (۱۵ و ۲۵) درجه در تحول بوده، اما در مناطق یخچالی واخان (۵+) درجه ریکارد شده است. بارندگی سالانه آن به ۸۰۰ و ۱۰۰۰ میلی متر میرسد و در انتهای واخان بین ۲۰۰ و ۳۰۰ میلی متر پائین می آید. بارندگی اغلباً به شکل برف بوده هوای سرد سایبریا درینجا تأثیرات بخصوص دارد. بادهای سرد و شدید هم در زمستان باعث برف کویه می شود و راه ها را مسدود میسازد.

ساختمان اراضی:

بدخشان در مجموع یك ولایت کوهستانی و زلزله خیز است. کوه های خواجه محمد، کوه هزارچشمه (٤٧٤١متر) و کوه سفید خرس (٥٣٢٦متر) از کوهَ

های معروف آنجاست. دریای کوکچه، دریای واخان، دریای پامیر، دریای جرم، دریای انجمن، دریای وردج، تگاب راست، دریای تنگی شیوا، غوری سنگ، دریای راغ، و دریاچه درواز، دریاهای مهم آنرا تشکیل میدهد و در شمال آن دریای پنج جریان دارد که باین ترتیب از لحاظ ذخایر آب غنی می باشد. جهیل های آنجا نیز معروف است که از نوع یخچالی بوده مثلاً جهیل شیوا، جهیل زرقل و جهیل چقمقتین و یخچالهای بزرگ بطول ۷۵ کیلومتر وعرض ٦۰۰ متر در واخان وجود دارد که مردم قرغز در نزدیکی آن سکونت دارند. کلمه پامیر را به سانسکرت نیز ارتباط داده اند و میگویند (پا) مفهوم کوه را داراست و (میر) به معني آفتاب است و در مجموع معني کوه آفتابی را دارد، که با طلوع آفتاب این کوه روشن شده و با غروب آفتاب تاریك می شود. و در زبان دری پای بزرگ را ارائه می کند. دره های بدخشان تنگ و اکثراً صعب العبورمی باشد. دریای کوکچه نیز در یك تنگنا و در عمق جریان دارد.

نفوس:

بدخشان با داشتن (٤٧٤۰۳) کیلومتر مربع مساحت برای استقرار نفوس جای کمتر دارد زیرا اکثر جاهای آن یخچالی و کوهستانی است. قرار احصائیه رسمی در سال ۱۳۵۹ نفوس آن به تعداد (٥۰۹۰٦۱) نفر درج سرشمادی گردیده بود، اما با افزایش ۲,۳ فیصد در هر سال تعداد نفوس آن درسال ۱۳۷۹ به (۷٤۳۲۹۹) نفر میرسد که اکثراً در دره های خورد، کنار دریاچه ها و ساحات کوچك زراعتی استقرار یافته اند و تراکم نفوس در هر کیلومتر مربع اراضی به ۱۵ نفر بالغ می شود.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

بدخشان دارای لیسه ها، مکاتب ابتدائیه ومتوسطه بوده تعلیمات برای طبقه ذکور واناث مهیا است و روزنامه یی بنام بدخشان در چار صفحه همه روزه به طبع میرسد. مدارس دینی نیز در آن وجود داشته رسم و رواج های محلی روز بازار در جمعه یا پنجشنبه باعث عرضه اموال و مواد ازتزاقی میگردد. بزکشی آن با اسپ های قوی هیکل شهرت ملی داشته، موسیقی محلی آن نیز از دیگر ولایات متفاوت

است،مراسم سال نو همه وقت در اول حمل تجلیل می شود. بنا بر نبودن راه های ترانسپورتی در نقاط دوردست مکاتب و شفاخانه ها به ندرت دیده می شود، و حکومات قبلی در انکشاف آن طوریکه لازم بود توجه نکرده است. متأسفانه بنا بر عدم مصروفیت های مثمر بعض از جوانان به نوشیدن تریاك عادت دارند که این نقیصه باید توسط مسئولین محل رفع گردد.

جاهای تاریخی آن شهر بزرگ بوده اما نقاط جالب دیگر تا حال کشف نشده است، پروفیسر دوپری محقق امریکائی در بدخشان کشف بزرگی را انجام داده است، موصوف در (دره کور) بدخشان فوسیل انسان قدیمه نیاندرتال را بدست آورد و بر اساس محاسبه کاربن چارده این انسان فوسیل شده به (٤٠,٠٠٠) سال قبل تعلق می گیرد که در نزدیکی بابا درویش بدخشان موقعیت دارد و ازین نگاه یکی از مراکز ظهور و انکشاف انسانهاي قبل التاریخ را درین خطه آسیا آشکار می سازد. در بهارك و اشکاشم خرابه های تاریخی هم وجود دارد وتوپ خانه در زیباك محل تاریخی و تورستی است که در تابستان سال توجه سیاحین را بخود جلب می کند.

پیداوار مهم:

در بدخشان پیداوار مهم و حیاتی وجود دارد که ستون بزرگ اقتصادی افغانستان را تشکیل میدهد و آنهم عبارت از لاجورد بدخشان است، که در ساحه کران واقع کوه های خواجه محمد مورد استخراج قرار دارد. در این اواخر معدن سترامبی نیز مورد بهره برداری قرار گرفته است که در غرب کوکچه موقعیت دارد. طلا به پیمانه زیاد درحصه زرشویان از دریای کوکچه بدست می آید. گندم، ماش و ماهی خیلی زیاد تولید می شود، حیات مالداری، تربیه گوسفند، اسپ و گاو هم زیاد است، نمد، قاقمه و تکه های نخی در خانه ها تهیه و بافته میشود. زمین آبی معادل (٣٩٠٠٠٠) اکر و للمی آن (٦٠١٠٠٠) اکر می باشد.

منابع آبی:

در بدخشان آب وافر غرض زراعت وجود دارد. واحدهای زراعتی به شکل تراس در دامان کوه ها تهیه شده و دریای کوکچه با معاونین آن باین منظور مورد استفاده قرار دارد. در اشکاشم، جرم، خواهان، راغ، فیض آباد، کران و منجان و شغنان تماماً از آب های دریائی و کانالهای مصنوعی استفاده میکنند و بند سنگ مهری شهرت زیاد دارد.

سیستم مواصلاتی:

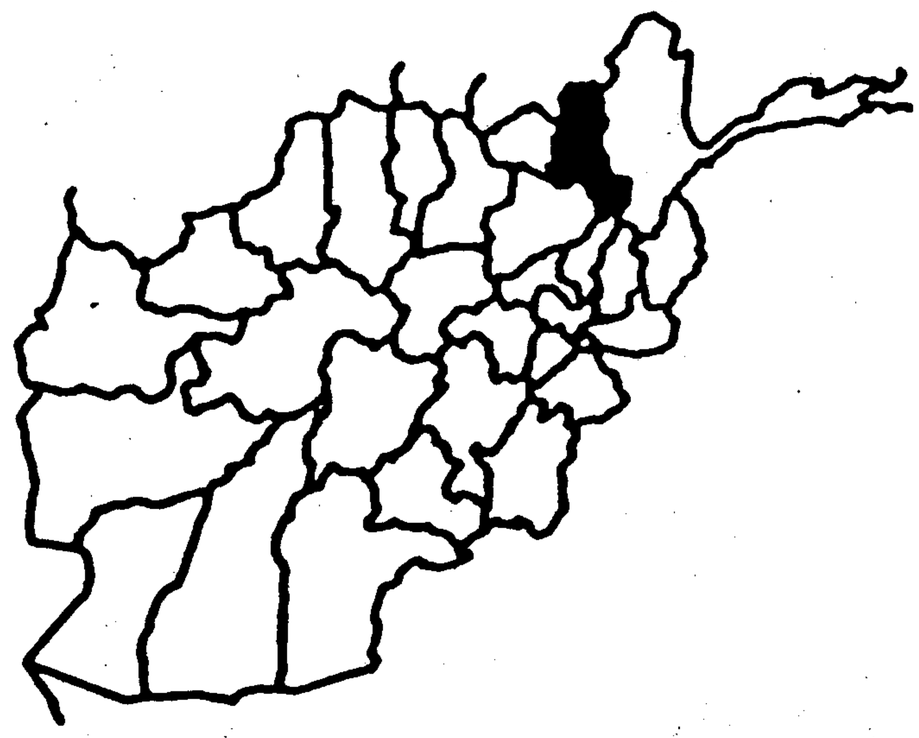
شهر فیض آباد با تالقان و خان آباد و کندز توسط سرك پخته وصل گردیده و مورد استفاده قرار دارد. اما در دیگر ولسوالیها و محلات راه های دور دست آنقدر انکشاف داده نشده و توجه بعمل نیامده است.در شغنان، درواز، پامیر و واخان اکثراً توسط اسپ و غژگاوها انتقالات صورت می گیرد، این حیوانات از دره های تنگ و یخچالی مواد محموله، خود را به سختی انتقال میدهند و طبیعت هم در زمستان به آنها سخت مي گيرد.

جنگلات:

درنقاط مرتفع ولایت بدخشان جنگلات صنوبری، سوزنی برگ، بلوط، لنز، سرو و ناجو وجود دارد. درنقاط هموار چنار، کج بید، اشجار مثمر چارمغز، بادام، بته های زیره، سنجد و توت خیلی زیاد است. ناك بدخشان خیلی نازك و شیرین است که شبیه آن درهیچ جا وجود ندارد و ساحه جنگلات مجموعاً به ٤٥٠٠٠ جریب زمین میرسد.

خسارات وارده، جنگ:

در جنگهایی که ادامه داشت راه قسماً تخریب و مکاتب ویران شده است، بعض پلهای تخریب شده دوباره اعمار گردیده، وجود ماین ها در مزارع سبب آزار دهاقین و مالداران می شود، و در اثر جنگها مقدار زیاد لاجورد طور قاچاق به قیمت خیلی نازل به ممالك همسایه برده شده که ضایعه بزرگ اقتصادی محسوب می گردد.



ولایت تخار

تخار از جمله بلاد معروف افغانستان بوده آریائی های قدیم، این ساحه را بنام تخارستان یاد میکردند که شاهان قدیمه آن مدت زیادی در آنجا حکومت کردند. بعدها تحت نام تالقان شهرت خود را کسب کرد و از جمله ولایات قطغن و بدخشان محسوب می شد. در تشکیلات اداری اخیر بنام باستانی اش به حیث یك ولایت علیحده شناخته شد. مارکوپولو در قرن سیزده میلادی تالقان را از نزدیك مشاهده کرد. او تذکر داده بود که از بلخ الی تالقان در دوازده روز سفر کرده است، حیوانات درنده و نیزارهای انبوه مانع سفر او می شد. وقتی در تالقان رسید از سرسبزی و باغهای میوه، پسته، انگور و پیداوار آن به نیکوئی یاد کرده است. معدن بزرگ نمك تالقان را در چال ملاحظه کرده اظهار داشت که تمام کوه های آن نمك دارد و تمام دنیا را می تواند کفایت کند. شیشه نمك نیمه شفاف هم در تالقان زیاد است، نمك تالقان خیلی سخت بوده بدون تیشه و کلند استخراج شده نمیتواند. از همین لحاظ ساکنان محل آنرا توسط تیشه به شکل کنده سنگ های مکعب مانند می سازند تا بخوبی انتقال داده شود. در تاقچه خانه باغستانهای زیادی از بادام و پسته و درخت چارمغز وجود داشت، همین اکنون هم تخار سرزمین آباد، حاصلخیز و معمور است. در سالهای ۱۳٤۳ باستان شناسان فرانسوی در کنار دریای کوکچه نزدیك به دریای آمو ساحه وسیع را مورد حفریات قرار دادند که بنام شهر آی خانم شهرت داشت. این شهر با پلان خیلی منظم آباد شده بود و مرکز شاهان مقدونی را نشان میداد که بعد از سکندر کبیر بنا نهاده شده بود. ظروف سفالی، مجسمه های خورد و بزرگ با شیوه گریکُو-بودیك از آن بدست آمده که مسکوکات آن به سالهای ۲۰۰ قبل از میلاد و ظروف کاشی و مجسمه های آن به صده های بعد از میلاد تعلق میگیرد و سرزمین کهن و باستانی را معرفی میکند.

تشکیلات اداری:

واحدهای اداری ولایت تخار ازینقرار است:

۱- شهر تالقان مرکز ولایت و شاروالی
۲- علاقه داری بنگی
۳- ولسوالی اشکمش
٤- علاقه داری چال
٥-علاقه داری ورسج
٦- ولسوالی فرخار
۷- علاقه داری کلفگان
۸- ولسوالی رستاق
۹- ولسوالی چاه آب
۱۰- ولسوالی ینگی قلعه
۱۱- علاقه داری درقد
۱۲- ولسوالی خواجه غار



اقلیم و آب و هوا:

تخار در حصه جنوب کوهستانی بوده و در شمال دارای اراضی هموار و در حصه درقد به نیزارها و تپه های ساحلی دریای آمو می انجامد. کوه های آن برفگیر و اراضی مجاور دریای آمو دارای رطوبت و بارندگی بوده که در موسم بهار اتفاق میافتد. حرارت تابستان آن در حصه تالقان به (۲٥) درجه، در حصه درقد به (۳۰) درجه و در نواحی کوهستانی به (۱۰) درجه سانتی گرید میرسد. در زمستان سردترین درجه حرارت در تالقان به (٥-) و (۱۰-) پائین میآید و در ساحه درقد به صفر رسیده و در نقاط کوهستانی به (۲۰-) درجه تنزیل مینماید. مقدار بارندگی سالانه آن در کوه ها ۸۰۰ - ۱۰۰۰ میلی متر بوده در تالقان به ۳۰۰ و ٤۰۰ میلی متر در تحول میباشد به این اساس تخار دارای اقلیم معتدله کوهستانی و در هواریها نوع اقلیم سوانا را معرفی می کند که زمستان سرد و تابستان نسبتاً گرم دارد. از همین لحاظ میوه های آن لذیذ، نازك و شیرین می باشد.

ساختمان اراضی:

در جنوب ولایت تخارکوه های خشکك، در شرق آن شاخه های سلسله کـوه خواجه محمد و کوه های کلفگان وجود دارد. کوتل خاواك در جنوب تالقان واقع شده است. عنبر کوه، تاقچه خانه و کوه های چال هم از جمله کوه های معروف آن میباشد. دریاهای بزرگ آنرا دریای آمو، کوکچه، دریای تالقان، دریای فرخار و دریاچه چال تشکیل میدهد. و در حصه رستاق نیز دریاچه خورد وجود دارد، اما این سرزمین در مجموع زلزله خیز است که در سال ۱۹۹۸م در ولسوالی رستاق باعث خرابی تعداد زیاد قریه ها و هلاکت هزاران نفر شد. در صفحات شمال تخار اراضی هموار گردیده ازارتفاع (٤٩٦٩ متر) کوهستانی به ٨٠٤ متر در تالقان میرسد. جزیره درقد مربوط تخار از چار طرف توسط آب دریای آمو محاط می باشد.

نفوس:

نفوس تخار در سال ۱۳۵۹ به (٥٣١٦٥٠) نفر احصائیه گیری شده و با افزایش ۲,۳ فیصد تعداد مجموعی آن در سال ۱۳۷۹ به (٧٧٦٢٠٩) نفر میرسد که در (١٢٣٧٦) کیلومتر مربع مساحه عمومی ولایت در هر کیلومتر مربع (٦٢) نفر زندگی دارد. مردم تخار در قریه ها و دهکده های دوردست زندگی دارند و نفوس شهری ۱۵ فیصد را تشکیل میدهد. اکثریت مردم به زراعت، مالداری و باغداری مصروفیت دارند.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

مردم تخار فرهنگ باستانی آریائی قدیم را حفظ کرده اند، بزکشی، تجلیل روز اول سال نو، سپورت، نیزه زنی، اسپ سواری از فعالیت های تفریحی شان می باشد روزهای پنجشنبه یا جمعه را روز بازار میگیرند و از تمام دهکده ها به مرکز ولسوالی ها مواد ارتزاقی و مواشی راغرض فروش می آورند و بهمین ترتیب در بازار تالقان از تمام ولسوالیها مواد عرضه میشود. زنان در بین خانه ها قالین و قاقمه می بافند و در سوزن دوزی نیز مهارت زیاد دارند، کلاه، گوپیچه های اعلی برای مردان، تهیه می کنند. از لحاظ علمی و نشراتی این ولایت غنی بوده لیسه های اناث و ذکور وجود

دارد و درین اواخر پوهنتون تخار هم زمینه تحصیل را برای دختران و پسران مهیا ساخته است، روزنامه نشراتی تخارهم در تالقان به طبع میرسد، تعداد زیادی از استادان و معلمین و شاگردان در مؤسسات تعلیمی آن مصروف تعلیم میباشند.

جاهای تاریخی:

شهر آی خانم در حد اتصال دریا ي کوکچه و دریای آمو واقع شده است که به ۲۰۰ سال قبل از میلاد تعلق میگیرد. متأسفانه این شهر در حملات چنگیز کاملا خراب شد، و تمام شهر در زیر گل و آوار قرار گرفت، بالاخره باستان شناسان فرانسوی از روی این راز پرده برداشت و آثار زیاد تاریخی و مسکوکات گریکو باختری و گریکو بودیزم را از آنجا بدست آوردند.

پیداوار مهم تالقان را نمك طعام به مقدار زیاد، قالین، چار مغز، پسته ، بادام، خربوزه، گندم، جواری وجو تشکیل میدهد که به منظور صادرات هم از آن استفاده میشود و نمك تمام ولایات افغانستان از همین جا تهیه میگردد.

منابع آبی:

دریای تالقان، فرخار، دریای کوکچه، دریای آمو، دریای چال و رستاق منابع مهم آبی آنرا تشکیل میدهد که در اراضی زراعتی از آنها استفاده میکنند. در تخار تقریباً ((۳۰۹۰۰۰ اکر) زمین آبی ازین دریاها سیراب میشود و تقریباً (۴۹۰۰۰۰ اکر) زمین طور للمی میباشد که در دامان کوه ها و تپه ها موقعیت دارد.

سیستم مواصلات:

تالقان توسط سرك فیض آباد و کندز وصل شده، راه کندز-تالقان در مسیر دریای خان آباد موازی به آن اعمار شده است. راه تالقان و فیض آباد از کوه های کلفگان گذشته به کشم میرسد و از کشم موازی به دریای کوکچه الی فیض آباد پخته کاری شده است. یك راه درجه سوم به سمت ینگی قلعه اعمار شده بعداً به چاه آب و رستاق میرسد. به این ترتیب درنقاط دوردست تخار به آسانی رفت وآمد شده نمیتواند و از همین سبب در زلزله فاجعه بار رستاق که درسال ۱۹۹۸م صورت

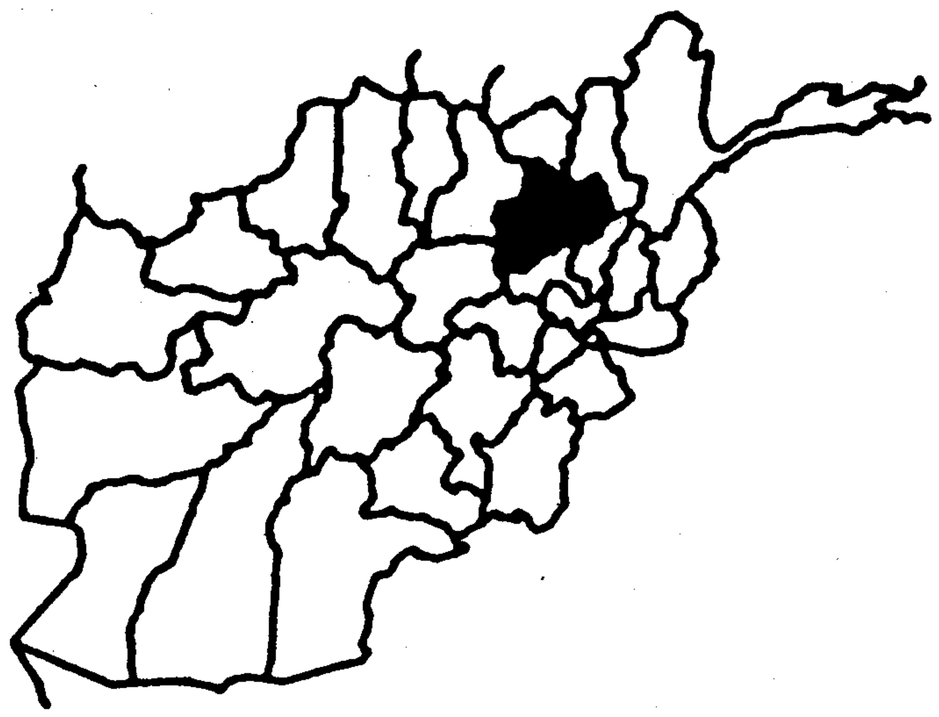
گرفت،کاروانهای امداد به مشکل آنجا رسیدند و باعث تلفات اطفال وپیره زنان وجوانان شد.

جنگلات:

در تخار جنگلات سوزنی برگ هم وجود دارد که در ارتفاعات کوهستانی میروید و درخت پسته و بادام هم زیاد است. چارمغز، درخت بید، چنار و پنجه چنار در همواریهای آن فراوان میروید و در ساحه درقد نیزارهای وسیع بملاحظه میرسد. ساحه جنگلات را به طور مجموعی (۲۴۸۵۰۰) جریب در همواریها تشکیل میدهد.

خسارات واردهٔ جنگ:

راه ها تا حدودی خراب شده، پلها انفجار داده شده و اکثراً مکاتب ویران گردیده و در اثر بمباردمان شهر هم قسماً صدمه دیده است که در اعمار مجدد آن فعالیت جدی ادامه دارد.



ولایت بغلان

ولایت بغلان از جمله ولایات شمال کشور بوده قبلاً در ردیف قطغن و بدخشان شامل بود. این ولایت مثل سایر ولایات تاریخ کهن و مراکز باستاني قابل ملاحظه دارد و با مزایای تاریخی بلخ و تخار انکشاف مشابه و موازی داشته است. سرخ کوتل از مراکز بزرگ تاریخی این ولایت است که در ۱۲ کیلومتری پلخمری موقعیت دارد. در سرخ کوتل معبد زردشتی کشف شده است که باستان شناسان فرانسوی در سال ۱۹۵۱ آنرا مورد حفریات قرار دادند. از شواهد تاریخی آن بر می آید که این مرکز توسط کنشکا امپراطور کوشانی ها در قرن اول میلادی ساخته شده بود. علاوه بر مراکز تاریخی مراکز تفریحی و تورستی زیاد در بغلان وجود دارد که از جمله دره خنجان و اندراب محلات دلچسپ و دیدنی دارد.

تشکیلات اداری:

بغلان دارای واحدهای اداری ذیل است:

۱- شهر بغلان به حیث مرکز ولایت و شاروالی

۲- ولسوالی پلخمری

۳- علاقه داری دهنه غوری

٤- ولسوالی دوشی

٥- علاقه داری تاله و برفك

٦- علاقه داری خنجان

۷- ولسوالی اندراب

۸- ولسوالی خوست و فرنگ

۹- ولسوالی نهرین

۱۰- علاقه داری بورکه



اقلیم و آب و هوا:

بغلان نظر به موقعیت جغرافیایی در شمال سلسله هندوکش واقع شده از تأثیرات هوای ترکستان روسی و رطوبت دریای آمو و بارندگی های کتله های هوائی سایبریا متأثر میگردد. بارندگی های سالانه آن بین ۲۰۰ و ۳۰۰ میلی متر در هواریها و بین (۴۰۰ و ۶۰۰) میلی متر در نزدیکی خنجان و نقاط کوهستانی میرسد که نظر به ولایت تالقان هوای آن گرم و خشك است. هوای گرم تابستان آن بین (۳۰ و ۴۰) درجه بوده و سردی ماه های زمستان آن به (صفر و ۵-) درجه سانتی گرید پائین می آید بنابر آن دارای اقلیم نیمه صحرائی بوده و موجودیت ریگستان کوچك در امتداد سرك قسمت جنوب بغلان گواه این حقیقت است. باقی نقاط بغلان بشمول خنجان و اندراب دارای اقلیم معتدله کوهستانی میباشد.

ساختمان اراضی:

کوه های متعدد و دریاهای منطقوی اراضی آنرا از یك نواختی می کشد. در جنوب بغلان سلسله خوردی از قبیل کوه مغلان، کوه مختار و کوه چنغور وجود دارد، میل اراضی باستقامت شمال تنزیل می یابد و از ارتفاع ۴۴۰۰ متر به ۵۱۰ متر در بغلان میرسد. دریای اندراب، دریای خنجان، و دریای بامیان که از معاونین دریای پلخمری است در حصه دوشی یکجا شده به استقامت شمال جریان می یابد و دریای نهرین از جر خشك گذشته به دریای پلخمری وصل می شود. اصلاً ساحه بغلان خشك و داراي جرها و سیل برهای زیاد است، اما نقاط کوهستانی آن در جنوب ولایت شاداب و سرسبز است.

نفوس:

ولایت بغلان قرار احصائیه رسمی سال ۱۳۵۹ دارای (۵۰۵۲۷۰)نفر نفوس بود اما با افزایش ۲,۳ فیصد در سال ۱۳۷۹ نفوس آن معادل به (۷۳۷۶۹۴) نفر می شود. مساحت این ولایت (۱۷۱۰۹) کیلومتر مربع بوده و تراکم نفوس در هر

کیلومتر مربع به (٤٣) نفر میرسد، نفوس آن بطور عموم در دره ها و سواحل دریاها و جاهای شاداب سکونت دارند.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

این ولایت برای مدت زمان زیادی بنا بر هوای نامساعد از امراض ملاریا رنج می برد، اما با ورود ناقلین و توجه دولت فارمهای زراعتی، سیستم آبیاری، بند و انهار، فابریکه ها و دستگاه های صناعتی بوجود آمد و باشندگان آنجا بوجه احسن به زندگی خود مثل سایر مردم قطغن ادامه میدهند. روز بازار، بزکشی، میله سال نو، اسپ سواری و پهلوانی از عنعنه باستانی آنها میباشد که از صفحات شمال کشور بمیراث مانده است. بغلان لیسه ذکور و اناث، و یك لیسه حرفوی زراعت و چندین مکتب ابتدائی دارد، روزنامه اتحاد به پشتو و دری به نشر میرسد. یك پارك وسیع و اعلی که از طرف فابریکه نساجی پلخمری اعمار گردیده تفریحگاه و جای میله و گشت و گذار مردم را تشکیل میدهد.

جاهای تاریخی ولایت بغلان را سرخ کوتل تشکیل میدهد که از بقایای قرن اول میلادی شاهان کوشانی می باشد.

منابع آبی:

در بغلان منابع آبی را دریای پلخمری تشکیل میدهد، دریای اندراب، خنجان و حتی دریای سرخ آب و بامیان و دریای نهرین باعث شادابی منطقه میگردد. نواحی جنوب این ولایت بسیار سرسبز و شاداب است، اما در حصه کیله گی و شهر صناعتی بغلان هوای آن گرم و خشك میباشد پلخمری هم شاداب و حاصلخیز است، زیرا کانال بزرگی از دریای پلخمری باستقامت دهنه غوری و فابریکه سمنت غرض شادابی منطقه حفر گردیده است.

پیداوار مهم:

از جمله پیداوار زراعتی تربوز کیله گی خیلی شهرت دارد. خربوزه، گندم. پنبه، لبلبو نیز زرع میگردد. زغال سنگ کرکر در نزدیك پلخمری اضافه تر مورد استعمال قرار دارد. و موجودیت گاز طبیعی هم در آنجا تثبیت شده است. فابریکه شکر بغلان در سال ۱۹۳۳ افتتاح شد و فارم زراعتی به مساحت (۳۰۰۰۰ اکر) در بغلان تنظیم گردید تا در آن لبلبو زرع گردد و از آن در صنعت تولید شکر استفاده بعمل آید. زرع پنبه از پنجاه سال باینطرف در بغلان رایج گردید، اما گندم و برنج بطور عنعنوی در آنجا زرع میگردد. در سی و هفت کیلومتری جنوب پلخمری دو بند آبگردان بالای دریای غوری اعمار گردیده در تولید برق پلخمری بکار میرود. فابریکه سمنت غوری روزانه ظرفیت تولید ٤٠٠ تن سمنت و فابریکه نساجی پلخمری روزانه ٧٤٠٠٠ متر تکه را دارد. درین ولایت زمین آبی تحت زرع معادل به (٤٠١٠٠٠ اکر) و زمین للمی در حدود (٧٤٨٠٠٠ اکر) میباشد.

سیستم مواصلات:

پلخمری و بغلان در مسیر شاهراه کابل-مزار شریف قرار دارد. و با تکمیل پروژهٔ سالنگ بتاریخ ۱۲ نومبر (۱۹٦٦) بغلان با شیرخان بندر در کنار دریای آمو وصل شد و امکان انتقال مال التجاره شمال را به مرکز و از مرکز را به شمال مهیا ساخت و تمام اموال صناعتی و مواد اولیه ازین طریق به تمام ولایات کشور بحسن صورت حمل میگردد. اما ولایت بغلان با دیگر ولسوالیهای خود توسط راه های درجه دوم و سوم وصل شده است.

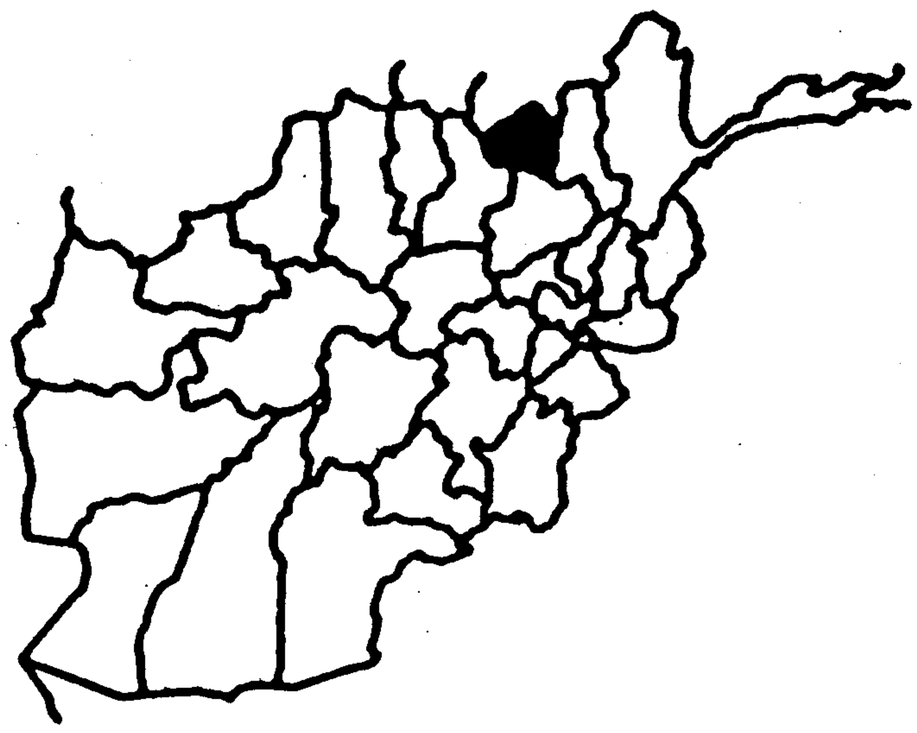
جنگلات:

در ولایت بغلان خاصتاً در نقاط کوهستانی آن نباتات مختلف نوع الپاین، بلوط و پنجه چنار به ملاحظه میرسد، در دره خنجان و اندراب درخت توت و چنار، حتی چارمغز خیلی زیاد است، و در مجموع ساحه جنگلات مختلف و برگ ریز را در

ولایت بغلان (٤٣٧٧٠٠ جریب) زمین احتوا می کند، در همواریها درخت عکاسی، ناجو، بید، چنار و نی در کنار دریاها موجود است.

خسارات واردهء جنگ:

خسارات وارده جنگ بر منطقه زیاد است، زیرا شرکت سپین زر و سمنت پلخمری و فابریکه قند بغلان تقریباً ظرفیت تولید اولی خود را از دست داده و اقتصاد مملکت را تضعیف کرده است، فابریکه نساجی پلخمری برای مدتی فلج بود. کارگران ماهر قسماً فرار کردند و قسماً به قتل رسیدند، زمین دارها فرار کردند و قدرت تولید از بین رفت. راه های ترانسپورتی قسماً خراب و قسماً برای مدتی مسدود و عاطل بود، خلاصه چرخ اقتصادی این ولایت بطی و گاهی هم به رکود مواجه بود.



ولایت کندز

این ولایت در شمال افغانستان موقعیت دارد و سرحد شمالی آنرا دریای آمو تشکیل میدهد، تا هفتاد سال قبل ولایت کندز آنقدر پر نفوس نبود، و باشندگان آن خیلی کم بوده و فعالیت زراعتی به ندرت انجام مي یافت. شهر کندز درین اواخر انکشاف کرد و اصلاً شهر خان آباد مرکز آن ساحه را تشکیل میداد، قلعه ذال، امام صاحب قدمت تاریخی دارد، و شهر آی خانم در دهانه دریای کوکچه نزدیك به دشت ارچی مدنیت گریکو-باختری را درین سرزمین گسترش داده بود. هیوان تسنگ شهر کندز را (هُوه) یاد کرده و آنرا مرکز بودیزم میدانست. بقول جغرافیه نویسان اسلام در نزدیکی رود آمو (جیحون) رباط بسیار مستحکم با دیوارهای بلند وجود داشت که رباط میله نامیده می شد. کهندژ یا دژ قدیم یا حصار قدیم به همین قلعه اطلاق میگردد، این قلعه را مغلها ویران کردند و به جنگلزار مبدل ساختند. اما در زمان امان الله خان مجدداً احیا شد و در سال ۱۳۰۰هـ.ش. به شکل معاصر تهداب گذاری گردید. آق مسجد در شمال امام صاحب نیز جنبه مذهبی داشته که قبل از ورود چنگیز وجود داشت و در امتداد دریای آمو ساحه معمور و پر نفوس را تشکیل میداد. بنا بر کمی نفوس محمد گل خان مهمند و شیر خان کوشیدند که ناقلین زیاد از سمت مشرقی و جنوبی و کابل به کندز مهاجرت کنند و در مقابل پول کم زمین زیاد به آنها داده می شد مثلاً در بدل یك افغانی یك جریب زمین به ناقلین سپرده می شد و گاهی هم بدون تادیه پول به آنها زمین تفویض میگردید. به متقاعدین دولت هم در کندز زمین توزیع می گردید تا به آبادی آن ولایت بپردازند، سرمایه داران افغانی تشویق شدند که در کندز سرمایه گذاری کنند. همان بود که کندز دارای نفوس صناعتی شد و صاحبان زمین ملکیت های وسیع را در تصرف داشتند و آهسته آهسته این ولایت معمور و آباد گردید.

تشکیلات اداری:

ولایت کندز با داشتن مساحت (۷۸۲۷) کیلومتر مربع دارای ولسوالی های آتیست:

۱- مرکز ولایت شهر کندز

۲- ولسوالی حضرت امام صاحب

۳- ولسوالی قلعه ذال

٤- ولسوالی چاردره

٥- علاقه داری علی آباد

٦- ولسوالی خان آباد

۷- ولسوالی ارچی



اقلیم و آب و هوا:

موجودیت جبه زارها و باطلاقها باعث نیزارهای وسیعی شده بود، که قسماً اقلیم سوانا را معرفی میکند و در ساحل دریای آمو هم نیزارها و اشجار انبوه وجود داشت. از جانب دیگر در امتداد دریای آمو بخصوص بالاتر از ینغارق الی قلعه ذال ریگستان بزرگ وجود دارد که در دو ساحل دریای خان آباد و کندز توسعه یافته و اقلیم منطقه را گرم و نیمه صحرائی میسازد. تابستان آن بسیار گرم و درجه حرارت آن به (٤۳) درجه سانتی گرید میرسد. در زمستان هوای آن نسبتاً معتدل بوده و حرارت به صفر درجه تنزیل میبابد. بارندگی سالانه آن بین ۳۰۰ الی ٤۰۰ میلی متر بوده و حد وسطی حرارت تابستان به (۳۰) درجه سانتی گرید میرسد. چون از سطح بحر ارتفاع آن کم است (٤۳۳ متر) بنابر آن تابستان و بهار گرم داشته و زمستان آن معتدل میباشد، اما دشت شیر ماهی در شمال کندز و آبدان میر علم در غرب آن اوصاف اقلیم خشك و تحت استوائی را معرفی میکند.

ساختمان اراضی:

در ولایت کندز دریاها، کوه های کم ارتفاع، دشت های هموار و ریگستانی، موجودیت دریای آمو در شمال اوصاف اراضی را از حالت یکنواخت بیرون میسازد. کوه کم ارتفاع در شمال خان آباد وجود دارد که الی جنوب امام صاحب شاخه های آن میرسد و از ۱۹۷۹ متر اضافه تر بلند نیست. ریگستان و دشت شیرماهی در شمال کندز و دشت آبدان میر علم در غرب آن ساحه خشك و تقریباً بایر را تشکیل میدهد. عنبر کوه، کوه قره باتور، و کوه خواجه عبدالقاسم از کوه های مهم آن میباشند. دریاهای خان آباد که چندین معاون داشته درحصه خان آباد بچند حصه تقسیم شده موازی یکدیگر حرکت میکنند معاونین دیگر آن از سمت اشکمش مي آید که بنام چال یاد میشود و دریای فرخار هر دو در شمالغرب خان آباد با هم یکجا میشود. دریای کندز اصلاً از پلخمری مـــی آید و در پلـــخمری بنـــام دریای پلخمری یاد میشود، وقتی باستقامت شمال می آید بنام دریای کندز در حصه اسقلان جنوب قلعه ذال بادریای خان آباد یکجا شده بعداً به دریای آمو میـــریزد که از جمله مهمترین دریاهای سمت شمال افغانستان محسوب میشود، نهر تقی و نهر علی آباد شهر کندز را آبیاری میکنند.

نفوس:

نفوس ولایت کندز را تقریباً ناقلین تشکیل میدهد که در زمان حکومت نادر شاه و اوایل حکومت محمد ظاهر شاه در آنجا انتقال داده شده اند. نفوس آن رو به افزایش بوده و در سال ۱۳۵۹ قرار احصائیه گیری رسمی دولت تعداد آن به (۵۶۸۸۵۵) نفر میرسید، اما با افزایش ۲,۳ فیصد در سال، نفوس سال ۱۳۷۹ این ولایت به (۸۳۰۵۲۸) میرسید. با درنظرداشت مساحت (۷۸۲۷) کیلومتر مربع تراکم نفوس در هر کیلو متر مربع به ۱۰۶ نفر میرسد که نظر به اکثر ولایات پر نفوس می باشد.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

مردم کندز از قدیمترین زمان دارای فرهنگ عالی بوده، ورود ناقلین نیز به فرهنگ آن افزود. حیات شهر نشینی، و روستائی هر دو موازی انکشاف مینماید. کندز دارای لیسه های ذکور و اناث و تعداد زیاد مکاتب ابتدائی و مکاتب حرفوی است. همه معارف دوست اند و در جستجوی کسب تعلیم اند. رسم و رواجهای عنعنوی در آن جا وجود دارد. پهلوانی، بزکشی و نیزه زنی از سپورت های محلی آنجا است. قبلاً که خان آباد مرکز بزرگ اداری بود در بالای دوره (سر دوره) شمال شرق خان آباد در اول سال بزکشی در سطح ملی صورت میگرفت و از همه ولایات شمال در آنجا به این ملحوظ می آمدند. سمنك پزی در اوایل بهار و میله های نوروزی در کندز بسیار جالب بود. روز بازار در روزهای دوشنبه و جمعه عنعنه ملی مردمان آن ساحه است.

اماکن تاریخی:

جاهای تاریخی آنرا کهندژ قدیمه، قلعه ذال و خرابه های کندز تشکیل میدهد. شهر موجوده کندز اصلاً بالای خرابه های تپه قدیمه یعنی (کهن دژ) بالاحصار قدیمه اعمار شده است. از خرابه های کندز و مجاور آن باستان شناسان آثار بودیزم و مسکوکات گریکو-بودیزم و گریکو-باختری را یافته اند که دلالت بر آمیزش فرهنگ قدیمه یونان و باختر و یونان و بودیزم مینماید و این سرزمین محل امتزاج و ترکیب فرهنگ شرق و غرب میباشد که بر تمام ولایات مرکزی، شرقی و غربی افغانستان این موضوع صدق مینماید. در شهر کندز مسجد بزرگ کهنه یی وجود دارد که تاریخ اعمار آن ۳۰۰ سال قدمت دارد.

پیداوار مهم:

در ولایت کندز، پنبه، گل آفتاب پرست، برنج، گندم، کنجد، زغر به پیمانه زیاد تولید میگردد و برای بیست سال تمام کندز در تولیدات پنبه مقام اول را داشت. شرکت سپین زر در سال ۱۳۱٤هـ.ش توسط اتحادیه تجار شمال پایه گذاری شد و بهترین روغن و صابون را برای هموطنان عرضه میکرد. این شرکت روزانه ظرفیت

تولید سی تن روغن را داشت. صنعت ابریشم و بافتن تکه های ابریشمی درینجا رشد کرده که برای تهیه چپن (الچه)، دستمال و لباس بکار میرود. لباس و بوت های نوع ازبکی را در خانه ها تهیه می کنند. اراضی کندز هموار است و به میلها فاصله سرسبزی آن دیده میشود. در کوه های قره باتور درخت های پسته و بادام وجود دارد که مقدار زیاد پسته و بادام از آن بدست می آید. خربوزهء اسقلاتی در اسقلان و حضرت امام صاحب زرع و تولید میشود که شهرت ملی و بین المللی دارد. در قتربلاق چشمه آب معدنی وجود دارد که برای تداوی امراض جلدی بکار میرود و سیاحین بیشتر آنجا آمده در آب آن استحمام می کنند.

منابع آبی:

منابع آبی برای زراعت در کندز خیلی وافر است ، زیرا یك کانال از دریای کوکچه و یك کانال از دریای آمو به اراضی کندز مورد آبیاری قرار دارد، به همین ترتیب نهر تقی و نهرعلی آباد اراضی مجاور شهر کندز را آبیاری مینماید. دریای خان آباد، نهر گاوکش و دریای کندز همه در آبیاری مزارع کمك مینماید. ازین سبب کندز سرسبز و شاداب است. در حدود (۱:٤٨٠٠٠ اکر) زمین آبی و (٤٢٨٠٠٠ اکر) زمین للمی در کندز مورد استفاده زمینداران قرار دارد.

سیستم مواصلاتی :

سیستم مواصلاتی کندز هم تسهیلات زیادی را برای مسافرین، تجار و مال التجارة مردم فراهم میسازد. کندز توسط شاهراه کندز پلخمری به کابل وصل شده و همچنان سرك مستقیم بین خلم و کندز تمدید گردیده است. کندز با خان آباد، امام صاحب، دشت ارچی و خواجه غار وصل گردیده به این ترتیب دوران ترافیکی فعال و منظم را داراست. در حصه قلعه ذال از دریای آمو هم میتواند راه عبور را با قایق داشته باشد.

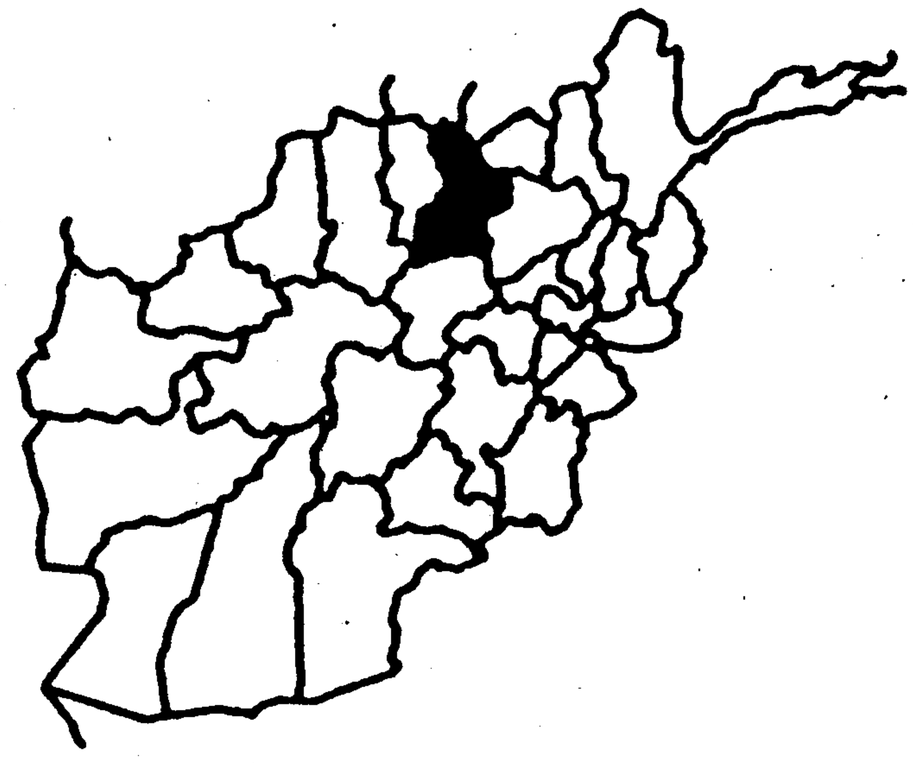
جنگلات:

جنگلات نوع پسته، بادام، سنجد، اشجار برگریز، گل بید، درخت عکاسی، پنجه چنار و توت در کندز زیاد است و تقریباً مساحت (۱۷٤۷۰۰) جریب زمین را در بر میگیرد.

خسارات وارده جنگ :

خسارات وارده جنگ درین منطقه آسیب زیاد وارد کرده، زرع پنبه به حد کافی نمیشود و شرکت سپین زر طوریکه لازم است فعالیت ندارد، سرکها هم تا حدودی خراب شده و قریه ها نیز ماهیت قبلی خود را از دست داده ملاکین و زمینداران بزرگ و کارگران شرکت سپین زر همه ترك محل کرده اند که باعث ضعف عاید ملی میشود.

ولایت سمنگان



ولایت سمنگان بین ولایت بلخ و بغلان واقع شده و از ولایات همسایه خود کاملاً متفاوت است. زیرا درین ولایت تربوز به کیفیت عالی تولید شده و اسپ های بزکشی به اصل فنی تربیه می شود. سمنگان دارای تاریخ درخشان و کهن است. نام سمنگان ریشه تاریخی دلچسپ دارد. چینائی ها این ساحه را (سین - تین-تسمن) ذکر کرده اند در اثر حفریات باستان شناسان مغاره های زیادی درینجا کشف گردید و ثابت میسازد که اسم این ولایت از کلمه اوزبکی اشتقاق یافته یعنی (سومونگ-ایان) که معنی مردم مغاره نشین را ارائه می کند. درین ولایت تخت رستم از سنگ ساخته شده است و ساختمان آثار تاریخی به سبك بودیزم نیز در ایبك دستیاب گردیده است که به قرن پنجم قبل از میلاد تعلق میگیرد. به فاصله هشت کیلومتر جانب شمال شهر خلم خرابه هایی بالای تپه ها وجود دارد که از آنجا مجسمه های کشف شده از گل سخت سرخرنگ ساخته شده است. این آثار، سابقه تاریخی سمنگان را بصراحت آشکار می سازد. حضرت سلطان هم جنبه تاریخی و هم جنبه مذهبی دارد که افراد زیاد از آنجا دیدن میکنند و بزیارت میروند.

تشکیلات اداری:

سمنگان تشکیلات اداری خورد دارد و آنهم به ترتیب ذیل:

۱- ایبك مرکز ولایت

۲- علاقه داری حضرت سلطان

۳- ولسوالی خلم

٤-ولسوالی دره صوف

٥- ولسوالی روی دو آب



اقلیم و آب و هوا:

آب و هوای سمنگان گرم و خشك است حرارت اعظمی تابستان آن (۲٥ الی ۳۰) درجه و سردی زمستان آن به (٥- و ۱۰-) درجه سانتی گرید تنزیل می یابد. مقدار بارندگی سالانه آن به ۳۰۰ الی ٤۰۰ میلی متر میرسد. زمستان آن دارای بادهای سرد توأم با برفباری بوده و بهار آن معتدل می باشد. کوه های چنغور در جنوب، و همواریهای ریگستانی دشت آبدان میرعلم متصل به ساحل دریای آمو خصوصیت اقلیم نیمه صحرائی را داراست.

کوه ها و دریاها:

در جنوب سمنگان یك شاخه هندوکش بنام چنغور یاد میشود و در حصه ایبك اراضی زراعتی هموار و نسبتاً خشك و در شمال آن اراضی ریگستان آبدان میر علم ساحه اطراف دریای آمو را می پوشاند. دریای تاشقرغان از ایبك و تنگی تاشقرغان گذشته به دشت های نایب آباد و خلم جذب میشود. تنگی تاشقرغان راه را به دشت

های هموار بلخ باز میسازد. گاه گاه لغزش سنگ راه را مسدود میسازد، دیوارهای تنگی بسیار تند و پر نشیب بوده از سنگهای آهکی و چونه آب نارسیده متشکل است و در اثر باران های متواتر باعث لغزش سنگهای آن میگردد. دریای تاشقرغان بنام دریای سمنگان نیز یاد میشود.

نفوس:

قرار احصائیه سال ۱۳۵۹ نفوس ولایت سمنگان (۲۶۷۷۰۸) نفر ثبت شده بود، با افزایش ۲,۳ فیصد در سال ۱۳۷۹ تعداد نفوس آن به (۳۹۰۸۵۳) نفر میرسد، با درنظرداشت مساحت عمومی (۱۵۴۶۵) کیلومتر مربع تراکم نفوس آن به ۲۵ نفر درهر کیلومتر مربع رسیده که در تربیه اسپ، قره قل، مالداری و زراعت مصروف اند.

وضع فرهنگی،علمی و اجتماعی:

مردم سمنگان رسم و رواجهای صفحات شمال را تعقیب می کنند، به بزکشی و شکار آهو علاقه زیاد دارند. اسپ های تاتار درینجا تربیت میشود و در کوه های سمت جنوب آن اشجار پسته به وفرت میروید که محل گشت و گذار رمه های آهو را مهیا ساخته و مردم محل به شکار آن می پردازند. در سمنگان باغ های آلو، زردآلو، بادام و پسته زیاد است، مردم در بین باغها خانه های خود را می سازند ساحه خلم مثل یك ساحه باغستان سرسبز را تمثیل میکند و به گمان غالب باغ جهان نما هم درینجا واقع بوده که مربوط شاه دخت های مغول می باشد.

سمنگان دارای لیسه ذکور و اناث بوده مکاتب ابتدائی و دهاتی در هر قریه آن موجود است. و نشرات موقوته محلی و دانشمندان و شاعران برگزیده دارد. روز بازار دو شنبه و پنجشنبه به گرمی بازار آن می افزاید. صنعت کاشی کاری اعلی در آنجا رواج وانکشاف کرده گلدانها وظروف طرف ضرورت خود را با نفاست اعلی میسازند. در صنعت قالین بافی و سوزن دوزی خانمها و دختران آنجا مهارت زیاد دارند.

جاهای تاریخی:

حضرت سلطان، تپه های خلم، مغاره های سبك بودیزم، مجسمه های گلی سرخرنگ و تخت رستم جاهای مهم تاریخی این ولایت را معرف میکند.

پیداوار مهم:

مردم سمنگان تربوز اعلی زرع می کنند که در شمال نظیر آن نیست، آلو بخارا، آلو، پسته، چارمغز، زردآلو و زیره از پیداوار مهم آنست. گندم، برنج، جو و جواری و ترکاری باب هم به کثرت زرع میشود. ذغال سنگ اعلی نوع کوك که انرژی فوق العاده زیاد داشته به (۷٦۰۰۰) و (۸۳۰۰۰) کالوری میرسد. این ذغال در دهنه، تور، شاباشك، و سرآسیا کشف شده که حجم مجموعی آن به ۷۳ میلیون تن میرسد. و روزانه ۲۵ تن از دهنه تور استخراج آن ادامه دارد. این نوع ذغال برای ذوب آهن بکار میرود علاوه بر آن آهن و بوکسایت نیز درینجا وجود دارد.

منابع آبی:

در سمنگان یگانه دریا همان دریای تاشقرغان (سمنگان) است که از ایبك میگذرد و ساحه خلم را شاداب می سازد، در سایر اراضی ولایت از آبهای کاریز و نهرهای کوچك که از نشیبی کوه ها سرازیر میشود استفاده میکنند، چاه های محلی و چاه های عمیق نیز در تهیه آب آنجا کمك قابل ملاحظه میکند. اراضی که آبیاری میشود در حدود (۲۲۲۰۰۰ اکر) و زرع للمی آن به (۷۳۰۰۰۰ اکر) میرسد.

سیستم مواصلات:

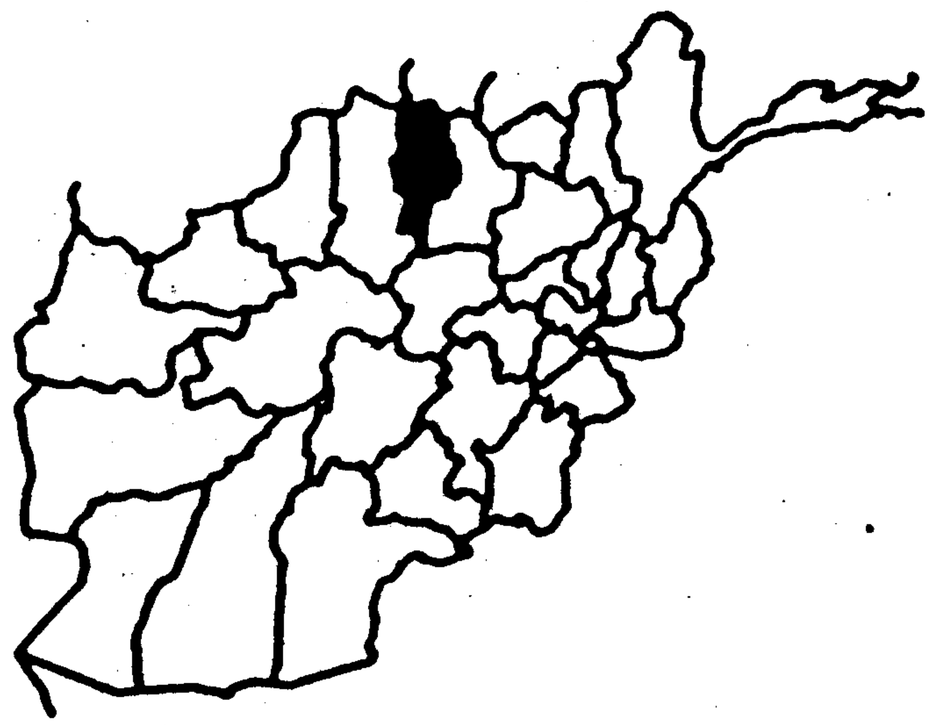
شاهراه کابل-مزار از ایبك میگذرد، پلخمری را به ایبك، خلم و مزار شریف وصل می کند و از تنگی تاشقرغان عبور می کند. در باقی محلات آن راه های درجه دوم و سوم وجود دارد اما در نقاط دوردست آن پرابلم ترافیکی به ملاحظه میرسد.

جنگلات:

در سمنگان جنگلات پسته و ناجو وجود دارد و درهمواریهای آن چنار، پنجه چنار، توت، درخت زردآلو، آلو، آلو بخارا و شفتالو به پیمانه زیاد میروید و حاصلات قناعت بخش دارد. ساحه عمومی جنگلات سمنگان به (٦٨٨٥٠٠جریب) زمین میرسد.

خسارات وارده جنگ بر منطقه:

سمنگان از جنگهای داخلی اخیر متأثر شده، راه هاي عمومی قسماً خراب شده، و اراضی زراعتی بنابر عدم مـــراقبت قسماً از بین رفته، مکتب ها تا حدی ویران گردیده و بعض قریه ها قسماً تخریب شده است، فرش ماین باعث اذیت دهاقین و مالدارها می شود.



ولایت بلخ

ولایت بلخ در شمال مملکت متصل با دریای آمو موقعیت دارد و از جمله بلاد معروف، سرسبز، حاصلخیز و معمور افغانستان میباشد. بلخ یا بلهیکا از مراکز اولی مدنیت آریایی ها بوده دارای بیرقهای بلند، و به حیث ام البلاد آسیای مرکزی به حساب می آمد. در سانسکرت بنام بخدی یاد شده و هخامنشیها آنرا باکتریا نامیده اند، لیکن ساسانی ها کلمه بلخ را بکار بردند که تا حال به همین نام یاد میشود. سکندر کبیر در سال ۳۲۸ قبل از میلاد به بلخ آمد؛ محققین مثل سترابو میگویند که چهل سکه مختلف از شاهان مختلف یونان و باختر درین ولایت دستیاب شده و بلخ اضافه تر از پنجهزار سال به صفت مادر شهرها شناخته می شد. بلخ دارای تمدن عالی و شهرت جهانی و سرزمین مردخیز بود. رستم ازین شهر برخاست که در شاهنامه فردوسی قهرمان این خطه آسیا میباشد. پیشدادیان، خاندان اسپه و شاهان بزرگ این منطقه در قلب آسیا بحکومت پرداخته اند. اما چنگیز در سال ٦١٨هـ.ش برین شهر حمله خون آشام کرد تمام آبادی و عمرانات شهر را به خاك و خاکستر مبدل ساخت. چندی بعد در تل خیران یا تل علی شهر خوردی بنا یافت، در آن تپه خورد گنبد کوچك با دروازه فولادین و قفلی از نقره بدست آمد و در مصحف پوست آهو نوشته شده بود «هذا ولی الله علی اسد الله». میگویند که ابو مسلم خراسانی با همکاری عیاران خود تابوت حضرت علی کرم الله وجه را از نجف به مزار امروزه آورده بود. یك شمشیر و یك لوحه سنگ خشت مانند هم در تابوت گذاشته شده بود که به خط کوفی در آن نوشته بودند که بر واقعیت این موضوع دلالت میکند. سلطان سنجر گنبد را دوباره اعمار کرد و سلطان حسین بایقراء به کمك استاد کمال الدین بهزاد مقبره عظیم با گنبد موزائیك و میناتوری پر جلال و شکوه را بنام روضه حضرت علی(کرم الله وجه) بنانهاد که ازشاهکاریهای عصر تیموریهای هرات بحساب

میآید. روضهء مبارکه باعث انکشاف شهر مزار شریف گردید، اما از شهر ام البلاد بلخ به جز ویرانه و خرابه قلعه چیزی دیگری به نظر نمیآید. هجده نهرمزار شریف از جمله سیستم قدیمه آریایی های قدیم بود که در امور آبیاری آن ولایت بکار میرفت، اما چنگیز تمام تسهیلات و امکانات را که در کانالهای آن وجود داشت از بین برد و این ولایت برای مدت مدیدی شهر ارواح و خرابه های فراموش شده گردیده بود. تا آنکه تیموریهای هرات دوباره عظمت و حیثیت تاریخی این ولایت را احیا کردند.

تشکیلات اداری:

ولایت بلخ با داشتن مساحت ۱۲۵۹۳ کیلومتر مربع دارای واحدهای اداری ذیل است:

۱- شهر مزار شریف به حیث مرکز ولایت
۲- ولسوالی نهر شاهی
۳- ولسوالی کلدار
٤- ولسوالی شور تیپه
٥-ولسوالی دولت آباد
٦- ولسوالی بلخ
۷- ولسوالی چاربولك
۸- ولسوالی چمتال
۹- ولسوالی شولگره
۱۰- علاقه داری کشنده
۱۱- علاقه داری چارکنت
۱۲- علاقه داری ده دادی



اقلیم و آب و هوا:

ولایت بلخ در شمال با دریای آمو همسرحد بوده، از دریای آمو الی بلخ ساحه وسیع را ریگستان احتوا میکند، کوه البرز و کوه های مارمل و شادیان در جنوب تفاوت آب و هوا را بوجود می آورد. تابستان گرم و زمستان سرد دارد که گاه گاه

بابرفباري توأم میباشد. حرارت اعظمی در تابستان تا (٤٦+) درجه سانتی گراد میرسد و اوسط حرارت سالانه (١٧,٥+) درجه و مقدار بارندگی سالانه بین (١٦٠-٢٥٠) میلی متر در حال تحول میباشد. بادهای سرد سایبریا زمستان آنرا سرد می سازد، و تابستان آن بنابر موجودیت صحرایی آسیای میانه و موجودیت ریگستان هوای گرم را دارا میباشد.

ساختمان اراضی:

اراضی بلخ را دشت های هموار ریگستانی، اراضی زراعتی، تپه ها و کوه های مختلف تشکیل میدهد. کوه البرز در جنوب غرب مزار شریف، کوه مارمل و شادیان و دیگر شاخه های هندوکش در جنوب آن موقعیت دارد که بلندترین قله آن در جنوب مزار شریف ٢٧٦٤ متر ارتفاع دارد، اما دشت شورتیپه با تپه های خورد ریگی آن از ٢٥٩ متر بلندتر نمیباشد. دریای بلخاب از نشیبی های شمالی هندوکش منبع میگیرد باستقامت شمال بجریان می افتد. یك معاون آن بنام یوسف از سمت دره صوف و معاون دیگر آن از بند امیر باستقامت مزار جریان کرده در جنوب شولگره با هم یکجا میشوند. درياچه کشنده هم از معاونین خورد بلخ آب محسوب میشود.

نفوس:

نفوس ولایت بلخ در سال ١٣٥٩ مطابق احصائیه رسمی دولت به تعداد ٥٩٤٦٨٠ نفر بود که شامل مردمان شهری، دهاتی، مامورین، کارگران و طبقه اناث میباشد. اما با افزایش سالانه ٢,٣ فیصد در سال ١٣٧٩ نفوس آن به ٨٦٨٢٣٢ نفر میرسد که باین حساب درهرکیلومتر مربع ٦٨ نفر زندگی دارند. اما مردم مقیم در قریه های سرسبز و کنار دریاها و اراضی زراعتی امرار حیات دارند.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

ولایت بلخ از لحاظ فرهنگ و مسایل اجتماعی غنی میباشد، فرهنگ قدیمه آنرا تمدن باستانی بلخ تشکیل میدهد. رابعه بلخی، مولانا جلال الدین بلخی،

سلطان العلماء بهاوالدین پدر مولانا، و ابوعلی سینای بلخی پایه های اساسی فرهنگ این سرزمین را تشکیل میدهند، علما و شعرای زیادی درین سرزمین تربیت یافتند، قبل از ورود چنگیز ۵۰۰۰ مدرسه، خانقاه ها و مساجد زیادی درین ولایت وجود داشت و از تمام آسیای میانه طالب العلمها در این جا تربیت می دیدند. امروز بلخ دارای یك پوهنتون، تخنیکم، چندین لیسه و تعداد زیاد مکاتب ابتدائی میباشد و روزنامه بیدار از نشرات مهم آن است. خانه هاي مزار و بلخ قبلاً به شکل گنبدی بود تا از حرارت آفتاب محفوظ بمانند. حالا خانه ها شکل عصری را اختیارکرده است، در دهات کپه ها باشگاه مردم را تشکیل میدهد.میله گل سرخ دراوایل بهار ویلند کردن جنده سخی یك عنعنه باستانی ومذهبی است که همه ساله تجلیل میشود: بزکشی از سپورتهای بسیارمهم محلی بلخ بشمارمیرود که به ولایات مجاورهم رواج یافته است.

جاهای تاریخی:

خرابه شهر بلخ در مجموع یك پدیده بزرگ تاریخی است. روضهء سخی صاحب برای زایرین و سیاحین خیلی جالب است. گنبد نوبهار بلخ هنوز هم در خور توجه است که ارنولد تاین بی از آن توصیف کرده است.(۱)

پیداوار مهم:

تربیه گوسفند قره قل و پوست قره قل، تربیه کرم پیله و لباس ابریشمی و قناویز در بلخ ارزش بخصوص دارد. کلاه دوزی، چپن دوزی، صنایع فلزی، مسگری، زرگری رواجداشته، گندم، برنج، کنجد، خربوزه، انگوز، پنبه، به پیمانهء زیاد تولید میشود. در جمله صنایع فابریکه استخراج روغن، نساجی، کشمش پاکی، کود و برق، تولید صابون، صنایع دستی قالین بافی و سوزن دوزی خیلی با کیفیت عالی صورت میگیرد. در ولایت بلخ (۱۱۲۳۰۰۰) اکر زمین آبی و (۴۴۳۰۰۰) اکر زمین للمی

(۱) کوه البرز و مغاره سیمرغ هنوز از زال زرحکایه میکند. سکندر کبیر موقعیکه در بلخ با رخشانه ازدواج کرد خواست تا صنعت ابریشم را به یونان انتقال دهد ودرآق کپرك بقایای خرابه های تاریخی کشف شده که به ماقبل التاریخ تعلق دارد.

میباشد که اکنون ساحه زیادتری را در برمیگیرد. متخصصین ریاست پطرول نیز در مزار شریف جا دارد تا در استخراج پطرول کمك نمایند.

منابع آبی:

طوریکه تذکر داده شده منبع آب را برای مزار شریف دریای بلخ آب تشکیل میدهد که در مسیر کانالهای قدیمه هجده نهر رهنمائی میشود و آب آن تماماً بغرض آبیاری بکار میرود از چاه های عمیق و ارهت نیز غرض آبیاری استفاده میشود.

سیستم مواصلاتی:

ولایت بلخ از لحاظ سیستم مواصلاتی و ترانسپورتی بحد کافی غنی است، زیرا اراضی آن هموار بوده شهر مزار شریف در شاهراه کابل-ایبك و شبرغان واقع گردیده تمام عراده جات تجارتی به بندر حیرتان و تاشگذر و دیگر ولایات شمالی از همین ولایت میگذرد. مزار شریف با شهر بلخ و حیرتان توسط شاهراه بزرگ وصل شده و با تاشگذر نیز راه دارد. حیرتان، شور تیپه با کلفت، و آق کپرك با شولگره در جنوب مزار با سرك پخته مساعدت ترانسپورتی را بار آورده و میدان هوایی مزار شریف نیز باعث تسهیلات میگردد.

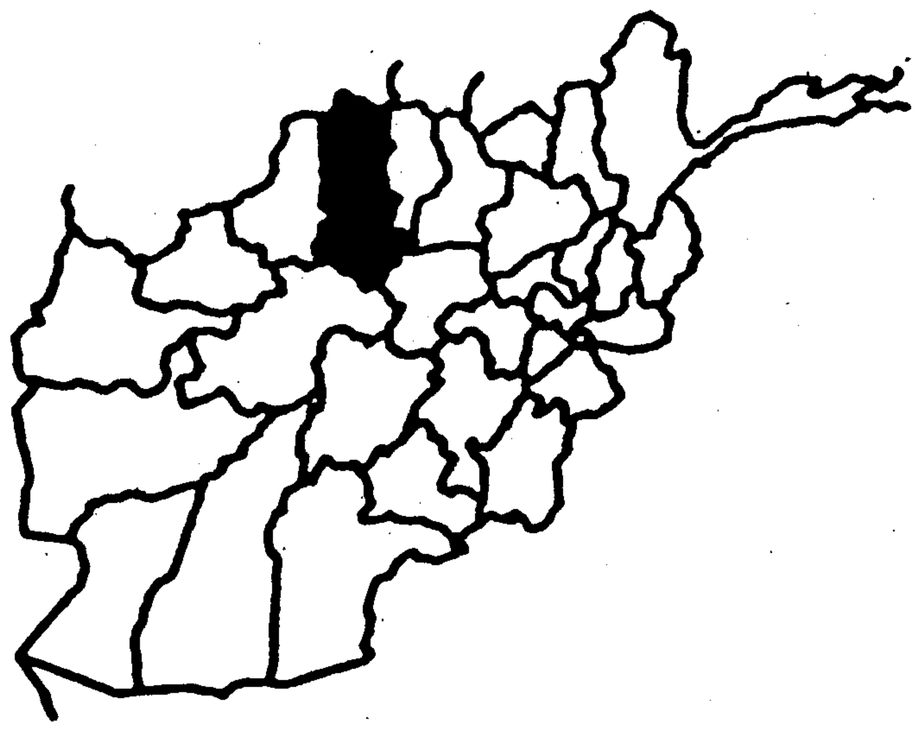
جنگلات :

در ولایت بلخ و آنهم در نشیبی های شمالی هندوکش تا حدودی وجود داشته قسماً جنگلات پسته و بعضاً درخت های برگریز بملاحظه رسیده که مساحه مجموعی آن به ۳۵٤۵۰۰ جریب زمین میرسد، و در کرانه دریای آمو نیزارهای وسیع و انبوه نیز وجود دارد.

خسارات وارده‌ء جنگ :

خسارات جنگ برمنطقه متأسفانه زیاد بوده زیرا شهر مزار شریف، بلخ و ولسوالی های مختلف آن چندین بار مورد حملات شدید واقع گردید، شهر قسماً ویران و قریه ها تخریب شد، و ساکنین شهر وده بصورت دسته جمعی بهلاکت رسیدند. راه ها صدمه دیده و فابریکه های صناعتی فلج شده ظرفیت تولید خود را از دست داده اند.

ولایت جوزجان



جوزجان بین ولایات مزار شریف و میمنه واقع بوده تاریخ باستانی آنرا جغرافیه نویس عرب بنام یاقوت اینطور توضیح میکند: شبرغان شهر معمور، آباد و سرسبز است که در قرن سیزده در منطقه از شهرت خوبی برخوردار بود. در آنوقت علمای جید و توانا در دامان این سرزمین پرورش یافتند. منهاج السراج یکی ازین دانشمندان برجسته بود. در موقع حملات مغلها این شخصیت علمی یك شخص اداری هم بود. موصوف بحیث یك مقنن و عالم در دربار سلـطنت دهـلی صرف مساعی کرد و تاریخ معروف را به رشته تحریر در آورد که بنام منـهاج الـسراج همین اکنون هم ارزش شایانی دارد و مآخذ خیلی عالی برای مؤرخین ما محسوب میشود. منهاج السراج راجع به دوره غزنویان، غوریها و پادشاهان اسلام در هند این تألیف را به پایه تکمیل رسانید. باساس یادداشت های یاقوت شبرغان اولاً بنام شیورگان، شبرغان و شفروگان برای دوره هاي طولانی در نسخ تاریخی درج بود که بالاخره شهر شبرغان بحیث مرکز ولایت جـوزجان مجدداً در اسـناد رسمی جا داده شـد. کلمه جوزجان و گوزگان در زبان آریائی هـا بطور مترادف بکـار میـرفت، که حـرف گـاف به ج مبدل شده است.

تشکیلات اداری:

ولایت جوزجان دارای این واحدهای اداری است:

۱- شبرغان مرکز ولایت

۲- ولسوالی سرپل

۳- ولسوالی کوهستانات

٤- علاقه داری بلغ آب

٥- ولسوالی سنگ چارك

٦- علاقه داری فیض آباد

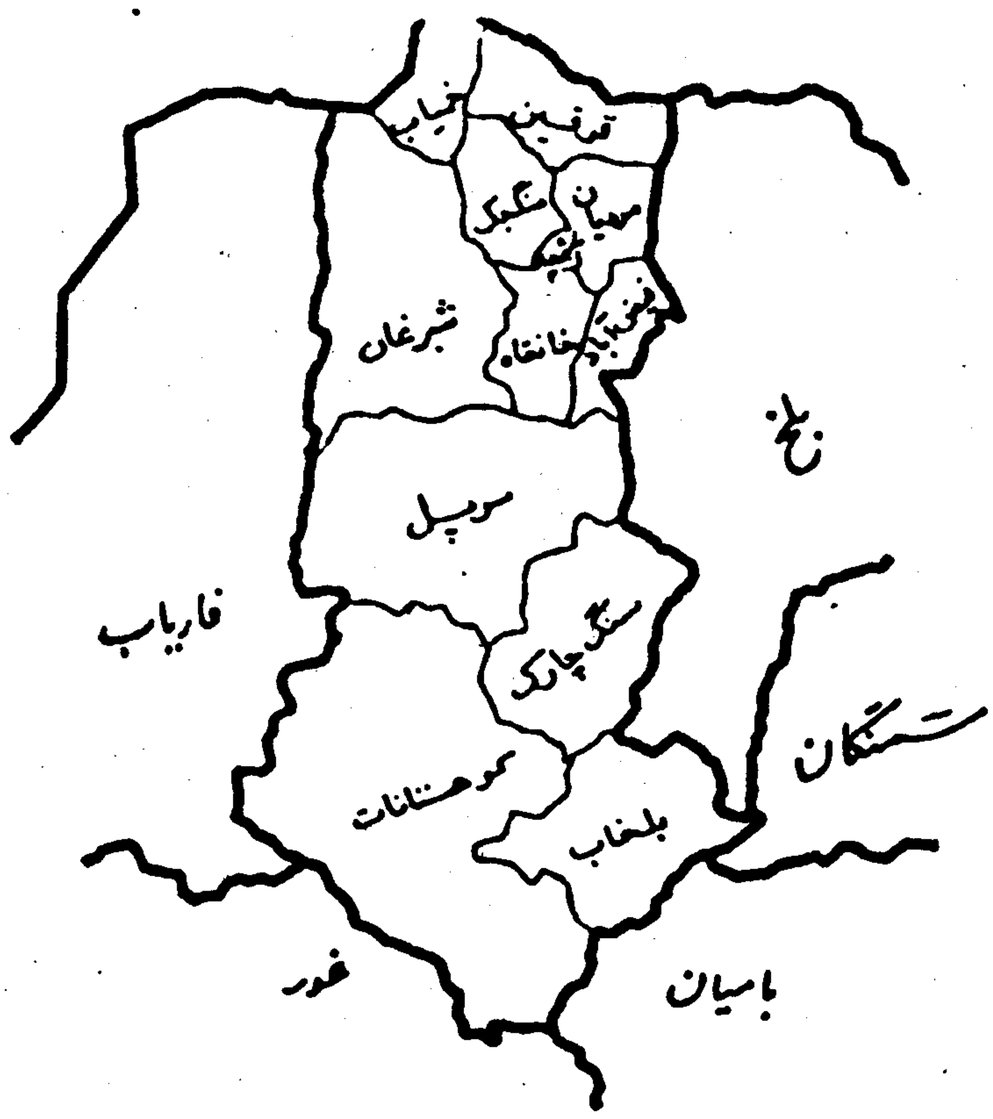
۷- ولسوالی آقچه

۸- علاقه داری مردیان

۹- ولسوالی منگجك

۱۰- ولسوالی قرقین

۱۱- علاقه داری خماب



اقلیم وآب وهوا:

جوزجان دارای اقلیم نیمه صحرائی بوده.دشت های ستپ و علفزارهایی که ساحه زرع گندم را تشکیل میدهد در صفحات مرکزی و شمال آن بملاحظه میرسد. نواحی جنوبی جوزجان کوهستانی بوده شاخه های شرقی سلسله تیربند ترکستان در آن گسترش یافته ارتفاع آن به ۳۱۰۰ متر میرسد. و خماب در شمال آن ۲۵۹ متر ارتفاع دارد که با این تفاوت ارتفاع از اقلیم کوهستانی معتدله به اقلیم ستپ نیمه صحرائی در شبرغان و اقلیم صحرائی در حصه خماب می انجامد. درجه حرارت تابستان از (۱۰+) درجه ساحات کوهستانی، به (٤٥) درجه در حصه خماب میرسد و هوای سرد زمستان از (۱٥-) درجه در مناطق کوهستانی به (٥+) درجه سانتی گرید در حاشیه شمالی آن تنزیل می یابد. در نقاط کوهستانی برفباری صورت گرفته و در بهار بارندگی های آنجا باعث سرسبزی و شادابی اراضی میگردد، گل لاله و سبزه زارها به بسیار زیبائی اش مناظر دلچسپ را عرضه میدارد. مقدار بارندگی

سالانه در نقاط کوهستانی بین ۸۰۰ و ۱۰۰۰ میلی متر و در حاشیه آمو ساحه خماب که امتداد ریگستانهای دشت شور تیپه است بارندگی آن بین ۱۰۰ و ۲۰۰ میلی متر کاهش می یابد.

ساختمان اراضی:

طوریکه در بالا تذکر دادیم کوه های تیرند ترکستان در جنوب جوزجان وسعت یافته ارتفاع اعظمی آن درین ولایت به ۳۱۰۰ متر میرسد، شاخه های کوه جوسنگ هم در جنوب آن بملاحظه میرسد که ٤١٦٤ متر ارتفاع دارد، و کوتل (قم) راه را جانب بامیان باز میکند. متباقی اراضی وسیع جوزجان هموار و قابل زرع میباشد. دریای سرپل و معاون آن بنام (سیاه) از جنوب به استقامت شمال جریان داشته در شمال شبرغان اراضی زراعتی را سیراب میسازد و از آن کانالهای متعددی برای آبیاری کشیده شده است.

نفوس:

بر اساس احصائیه رسمی سال ۱۳۵۹ نفوس جوزجان به تعداد (۶۰۲۰۸۹)نفر ثبت شده بود اما با افزایش ۲.۳ فیصد نفوس آن در سال ۱۳۷۹ به (۸۷۹۰٤۹) نفر میرسد و نظر به مساحت ولایت (۲۵۵۵۳) کیلو متر مربع تراکم نفوس به (۳٤) نفر در هر کیلومتر مربع میرسد که اکثراً در امور زراعتی و مالداری مصروف اند.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

جوزجان سرزمین علما و دانشمندان بوده منهاج السراج نمونه بارز آن بحساب می آید. لیسه ذکور و اناث درین ولایت وجود داشت، و اخبار یومیه آن بنام دیوه (چراغ) به زبان دری و پشتو به طبع میرسد، دارای کتابخانه بزرگ، شهر منظم و مراکز صناعتی استخراج روغن، بلاك های سمنتی میباشد. در قرقین آقچه قالین های مرغوب برای صادرات تهیه میکنند، بزکشی جزء فرهنگ مردم جوزجان بوده، نیزه زنی و سپورت های محلی، اسپ سواری آنها شهرت زیاد دارد. صنعت چرم سازی

برای تهیه لجام اسپ ها و ضروریات بزکش ها در آنجا رونق خوبی دارد. موزه های اعلی سوارکاری، زین اسپ، قمچین و غیره می سازند. صنعت قالین بافی، قاقمه و گلیم درین ولایت بسیار رشد کرده است. اگر چه سرپل ساحه نفت خیز و گاز است با آنهم مالداری و تربیه قره قل به مقیاس وسیع درین ولایت رواج دارد. چیزیکه قابل تذکر است خانه ها درینجا تماماً شکل گنبدی دارد. و قسماً از نی بشکل یورت (کپه) هم خانه می سازند.

جاهای تاریخی:

طلا تپه از برجسته ترین اماکن تاریخی و باستانی ولایت جوزجان است که قبل از تاریخ مرکز زردشتی و بعداً ساحه انتشار بودیزم و سپس شواهد امتزاج مدنیت گریکو-بودیك و گریکو-باختری در آن بملاحظه میرسد. طلاتپه به فاصله نزدیك درغرب شهر شبرغان موقعیت دارد و خرابه های تاریخی در روی تپه آن مشهود است. اغلباً در اثنای بارندگی سکه های طلا از آن بدست آمده، شبانها و مالدارها ازین سکه ها بهره مند شده اند و نام طلاتپه را به آن داده اند.

پیداوار مهم:

در شبرغان ساحه وسیع نفت و گاز وجود دارد که بر غنای اقتصادی جوزجان می افزاید. ساحه نفت شبرغان، نفت انگوت، نفت بازان کامی - ساحه گاز طبیعی یتیم تاق، جمعه، خواجه گوگردك، خواجه برهان، جرق و دق، آق دریا واسك بسیار درخور اهمیت است که ذخیره بسیار غنی و فراوان دارد. شبرغان ساحه وسیع برای زراعت دارد، اشجار بید، چنار در آنجا خیلی زیاد است و پسته هم به وفرت میروید. قالین، قره قل از جمله تولیدات مهم آن بحساب می آید. زمین زراعتی آبی اضافه تر از (۹۲۳۰۰۰ اکر) و زمین للمی درحدود (٤۹۹۰۰۰ اکر) میرسد که برای زارعین و مردم دهقان و مالدار ثروت سرشاری محسوب میگردد.

منابع آبی:

دریای سرپل از جنوب و دریای بلخ آب از سمت شمال شرق باعث شادابی اراضی جوزجان میگردد. هر دو دریا در دشت های شمالی جوزجان باعث آبیاری اراضی گردیده و در همانجا جذب میشود. از نشیبی های دامان کوه نیز تعداد زیاد کاریزها و نهرها به استقامت شمال جانب شبرغان به جریان می افتد و در آبیاری زمین های زراعتی کمك مینماید.

سیستم مواصلاتی:

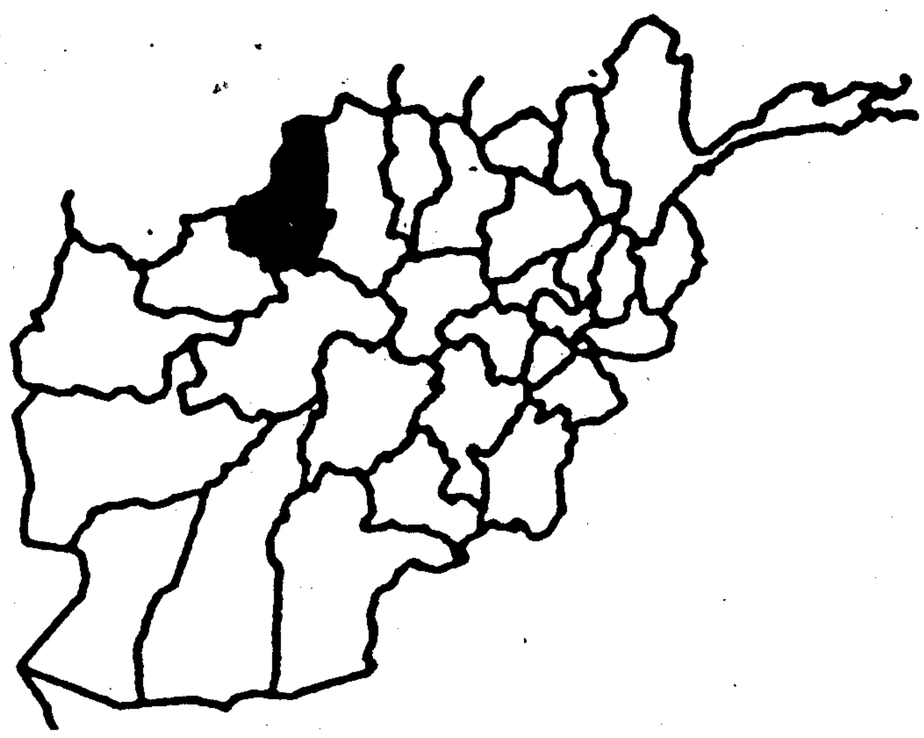
شهر شبرغان در شاهراه شمال موقعیت داشته در شرق به آقچه و در غرب به دولت آباد و سپس به میمنه وصل میشود. راه های شمال آن بطرف خماب، قرقین و کلفت درجه دوم و سوم بوده، اما در سمت جنوب آن راه های ترانسپورتی بخوبی انکشاف نکرده بلکه مردمان دوردست آن ازین ناحیه به تکلیف اند.

جنگلات:

جنگلات مناطق گرم برگ ریز بوده، چنار، پنجه چنار، بید، درخت پسته، درخت چارمغز، بادام، سیب، ناك، بهی و انگور در جوزجان بملاحظه میرسد. و مجموعاً جنگلات این ولایت به (۱۴۳۵۰۰ جریب) میرسد.

خسارات وارده‌ء جنگ:

خسارات جنگ بر منطقه قابل ملاحظه است، زیرا استخراج نفت و گاز درین ولایت فلج گردیده، اکثراً راه ها خراب شده، مکاتب و پلها قسماً ویران و مردم زمیندار و دهاقین اکثراً خانه ها و ملکیت های خود را ترك کردند و صدمه بزرگی بر پیکر اقتصادی وطن وارد آمد.



ولایت فاریاب

کلمه فاریاب نام باستانی این سرزمین را افاده میکند که در زمان آریائی های قدیم به آن گذاشته شده بود. گرزیوان از محلات تاریخی این ولایت است که در جنوب میمنه موقعیت داشته آثار آن به ماقبل التاریخ میرسد. دره‌ء زنگ مرکز پادشاهی زنگبار پادشاه اسطوره ئی این محل میباشد. درموزیم میمنه بعض ظروف و آثار تاریخی آن به نمایش گذاشته شده بود. گرزیوان در جنگهای دوم افغان و انگلیس نقش بسیار ارزنده داشت. چاپ اندازهای فاریاب شهرت تاریخی دارند و از زمان آریائی های قدیم به اینطرف این سپورت محلی را تقویت کرده و ادامه میدهند. این ولایت قبلاً در ردیف ولایت ترکستان افغانی شامل بود بعداً بنام ولایت میمنه مسمی گردید و در سال ۱۳۴۳هـ. ش به حیث ولایت فاریاب در چوکات اداری کشور شناخته شد.

تشکیلات اداری:

فاریاب دارای واحدهای اداری ذیل است:

۱- میمنه مرکزولایت و شاروالی

۲- ولسوالی پشتون کوت

۳- علاقه داری المار

٤- ولسوالی قیصار

۵- علاقه داری کوهستان یالولاش

٦- ولسوالی بلچراغ

۷- ولسوالی درزآب

۸- ولسوالی شیرین تگاب

۹- ولسوالی دولت آباد

۱۰- علاقه داری قرم قول

۱۱- علاقه داری خان چارباغ

۱۲- ولسوالی اندخوی



اقلیم و آب و هوا:

اقلیم ولایت فاریاب مختلف است زیرا اقلیم نوع کوهستانی معتدله به ستپ در اراضی هموار و به اقلیم نیمه صحرائی در حصه دشت لیلی می انجامد. هوای دشت های ترکستان روسی قره قورم بالای آب و هوای فاریاب تأثیر مستقیم دارد. کوه های تیربند ترکستان در جنوب آن برفگیر بوده، بارندگی های کوهستانی را بار آورده باعث تشکیل آبهای جاری میشود. دشت لیلی در شمال نیمه صحرایی و گرم، ساحه، میمنه نیمه صحرائی و معتدله و قسمت های جنوبی آن دارای اقلیم معتدله میباشد. بارندگی سالانه آن از ۸۰۰ و ۱۰۰۰ میلی متر در تیربند ترکستان، به ۱۰۰ و ۲۰۰ میلی متر در حصه دشت لیلی کاهش می یابد. حد اعظمی درجه حرارت در دشت لیلی بین ۳۰ و ٤۰ درجه سانتی گرید، در میمنه بین ۲۵ و ۳۵ درجه در نشیبی های تیربند ترکستان به ۵+ و ۱۰+ درجه سانتی گرید میرسد. حد اصغری حرارت در دشت لیلی ۵+ و در ساحه جنوبی فاریاب به ۱۵- درجه سانتی گرید پائین مي آید. از بادهای گرم ترکستان روسی متأثر میگردد و در زمستان هوای سرد سایبریا آنرا سرد میسازد.

ساختمان اراضی:

کوه ها و دریاهای محدود و کم درین ولایت بملاحظه میرسد. در سمت جنوب شاخه های سلسله تیربند ترکستان وجود دارد که ارتفاع آن به (۳۲۰۰ متر) میرسد اما حصه زیاد ولایت فاریاب را اراضی هموار زراعتی و باغستان ها تشکیل میدهد. در حصه شمال با دشت های گرم ترکمنستان همسرحد است و دشت لیلی ساحه نسبتاً وسیع را در حصه اندخوي احتوا میکند. دریای معروف آن قیصار و شیرین تگاب است که از نشیبی های شمال تیربند ترکستان منبع می گیرد و به ریگستانهای دشت لیلی و اندخوی می انجامد و باعث شادابی منطقه میگردد. لیکن باز رهی آب آن کم بوده برای آبیاری کفایت نمیکند.

نفوس:

ولایت فاریاب قرار احصائیه سال ۱۳۵۹ به تعداد (۵۹۶۰۴۷) نفوس داشت و با افزایش سالانه ۲,۳ فیصد نفوس آن در سال ۱۳۷۹ به (۸۷۰۲۲۸) افزونی یافت و باداشتن (۲۲۲۷۹) کیلومتر مربع مساحت تراکم نفوس آن به (۶۲) نفر در هر کیلومتر مربع میرسد.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

ولایت فاریاب فرهنگ غنی و پارینه دارد. بزکشی و سپورت نیزه زنی آن بسیار معروف است. چاپ اندازهای بسیار ماهر و لایق دارد. اسپ های بزکشی را از خزان سال الی بهار به صورت خاص تربیه میدهند و در تابستان در علفچرهای وسیع رها می کنند. زنها به قالین بافی علاقه زیاد دارند، قالین های دولت آباد و اندخوی بسیار شهرت دارد. خانه های گنبدی میسازند تا از تأثیرات اشعهء آفتاب محفوظ باشند و قسماً خانه ها را از نی بطور کپه (یورت) میسازند. دشت های وسیع و هموار آن جولانگاه اسپ دوانی و تفریحات آنها بحساب می آید. تقریباً تمام ساحات هموار و تپه های آن ساحه زرع گندم للمی را میسر میسازد. اکثریت مردم در تابستان به گرزیوان در تفریحگاه بزرگ میروند. دره گرزیوان متشکل از چار دره سرسبز است: (گرزیوان، دره شاخ، درهء جوز و درهء زنگ). شعاع آفتاب دره زنگ با موجودیت آبشارها کمان رستم های زیبا را بوجود می آرد. آب گرم معدنی درین دره وجود دارد ویك چشمهء آب گرم به حیث چشمهء مراد یاد میشود، هر آرزو و خواهشی داشته باشند، درین چشمه غسل کرده و اگر مراد او حاصل شد نذر آنرا در همان جا میدهند. ضمن میله های متعدد دختران جوان، بچه ها و زنها به این اندیشه زیاد در چشمه مراد گرزیوان می آیند. در دره جوز هزاران درخت چارمغز وجود دارد و مناظر زیبای آن تفریحگاه تابستانی را تشکیل میدهد و دره شاخ در زمستان و تابستان تفریحگاه مردم است. تمام دشت و دامان کوه ها سرسبز و زیبا است. دره زنگ را مرکز زنگبار، پادشاه قدیمه میدانند. درین دره چشمه آب گرم هم موجود است که باسم حمام چشمه یاد میشود و بنابر عقیده مذهبی به آن احترام میگذارند. آب آن

از بین سنگهای آهکی بیرون می آید که معدنی و گرم است. اکـثریت مردم به زراعت و سوارکاری علاقه دارند، تربیه گوسفند قره قل زیاد صورت میگیرد، سنگ مرمر ازین ساحه استخراج میشود، کوپراتیف های قره قل و روده درین ولایت فعالیت داشت، اما معضلهء آب هنوز هم مردم را تهدید میکند. لیسه های ذکور و اناث درین ولایت وجود داشت و مکاتب ابتدائیه در شهر و تمام ولسوالی های آن فعال بود.

جاهای تاریخی:

گرزیوان یك محل مهم تاریخی است، اما جاهای تورستی آن چشمه های آب گرم و چشمه شفا میباشد که مردم به آنجاها ارادت عقیده وی دارند.

پیداوار مهم:

قالین، قاقمه و گلیم این منطقه شهرت زیاد داشته، پسته و چارمغز به مقدار زیاد تولید میشود. گندم للمی، تربوز، خـربوزه و گنـدم آبی به و فرت مـیروید. قره قل و اسپ های اعلی از پیداوار محل است. ذخایر پطرول در حصه غورماچ غرب میـمنه و آهن هم در جنوب آن وجود دارد.

منابع آبی:

منابع آبی برای زراعت محدود است تنها دریای قیصار و شیرین تگاب درین ولایت وجود دارد. هرگاه ذخیره خشت پل اعمار میگردید در حدود (۱۵۰۰۰۰ اکر) زمین تحت آب می شد، همچنان بند تخته پل در اندخوی میتوانست (۱۵۰۰۰۰ اکر) زمین را آبیاری کند و هم (٤۰۰۰) کیلـوات برق از آن استـحصال مـی شد. اما با جنگهای منـطقوی این پـروژه تکمیل نشد. زمـین آبی معـادل به (٦۰۸۰۰۰ اکر) و زمین للمی به (۹٦٤۰۰۰ اکر) میرسد.

سیستم مواصلات:

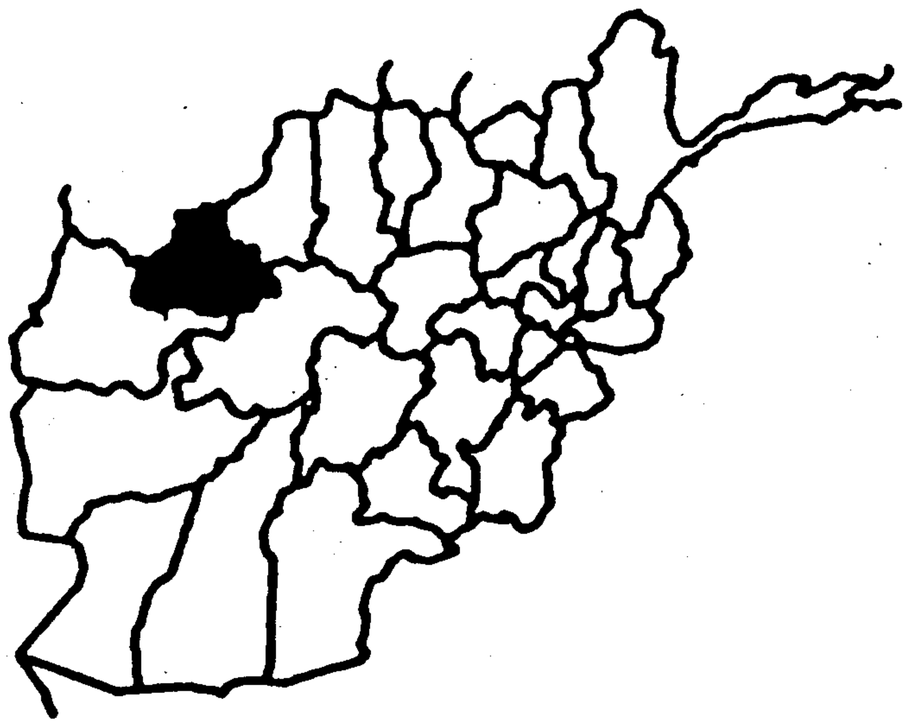
شهر میمنه با اندخوی، قلعه نو و شبرغان توسط شاهراه شمال وصل گردیده و سایر ولسوالی های آن با سرك های درجه دوم و سوم یك با دیگر مرتبط و به مرکز ولایت ارتباط دارد. اما در دره های دوردست و ریگستانهای شمال گاه گاه معضله ترانسپورتي پدید می آید.

جنگلات:

جنگلات چارمغز در درزآب و در دامان تیربند ترکستان پسته و بادام به وفرت وجود دارد. چنار، پنجه چنار، بید، توت، آلو در دامان کوه ها و اراضی هموار بملاحظه میرسد و انگور هم میروید. ساحه جنگلات را درین ولایت ۳۸۳٤۰۰ جریب زمین احتوا میکند.

خسارات وارده جنگ:

خسارات وارده جنگ بر منطقه خیلی زیاد میباشد. زیرا تعداد زیاد اسپ های محلی ازینجا به ممالك همسایه انتقال داده شده، گوسفند قره قل رو به اختتام است، اشجار پسته هم قسماً از بین برده شده، مکاتب و راه ها تخریب گردیده، در مزارع ماین گذاری بعمل آمده و ملاکین بزرگ ترك محل کرده اند، صنعت قالین بافی کاهش یافته و مردم اکثراً به محلات دیگر سفر کرده کارهای محلی و تولیدات اقتصادی خود را از دست داده اند.



ولایت بادغیس

بادغیس اصلاً از نواحی مهم اطراف هرات بود و تاریخ آن با هرات یکجا شروع و انکشاف کرده است. قلعه نو، هرات، مرو و نجن زمانی در یك قلمرو اداری شاهان قدیمه افغانستان قرار داشت، اما در زمان تزارهاي روس پنجده و مرو از آن مجزا گردید. فیروز کوهیان از حکمروایان قدیمهء این سرزمین بودند که برای مدتی درینجا نفوذ قابل ملاحظه داشتند. نواحی بادغیس و قلعه نو الی سال ۱۳٤۲هـ ش با ولایت هرات یکجا بود. اما در سال ۱۳٤۳هـ ش به حیث یك ولایت علیحده انکشاف کرد و قلعه نو مرکز آن تعیین گردید. اکنون بادغیس در بین هرات و فاریاب به صفت یك ولایت علیحده شناخته میشود.

تشکیلات اداری:

ولایت بادغیس دارای تشکیلات اداری ذیل است:

۱- قلعه نو مرکز ولایت

۲-علاقه داری کشك کهنه

۳- ولسوالی قادس

٤- ولسوالی جوند

٥- ولسوالی مرغاب



اقلیم و آب و هوا:

ولایت بادغیس در نشیبی کوه های سفید کوه (فیروز کوه) و تیرپند ترکستان واقع شده و در شمال آن ریگستانهای ترکمنستان به گرمی آن می افزاید. حوزه مرغاب در مجموع معتدل و سرسبز با خصوصیات نیمه صحرائی بوده اما حصص جنوبی بادغیس دارای اقلیم معتدله کوهستانی است. مقدار بارندگی سالانه آن بین ۳۰۰-۴۰۰ میلی متر بوده و در شمال به ۲۰۰ میلی متر تنزیل می یابد. در دامان فیروزکوه بارندگی به ۶۰۰ میلی متر نیز میرسد. گرمترین حرارت سال (۳۰ و ۴۰) درجه در شمال آن ولایت و در حصه قلعه نو (۲۵ الی ۳۰) درجه سانتی گرید ثبت شده است. در سردترین ماه های سال از (۱۵-) درجه در دامان فیروزکوه به صفر درجه در حصه شمال آن میرسد. بادهای تند تابستان در آنجا نیز وجود دارد اما مشابه بادهای ۱۲۰ روز هرات نمیباشد.

ساختمان اراضی:

کوه ها و دریاها و اراضی هموار بادغیس را حوزه مرغاب و کاشان و گلچین تشکیل میدهد. تیرپند ترکستان در شرق بادغیس و فیروزکوه در جنوب آن حوزه آبگیر این ولایت را تشکیل میدهد. دریاهای مرغاب و معاون آن گلچین و دریای کاشان باعث شادابی این منطقه میگردد. ارتفاع فیروزکوه در حصه کوتل سبزک ۲۱۰۶ متر و در جنوب مرغاب به ۳۴۶۰ متر می رسد.

نفوس:

باغیس در سال ۱۳۵۹ دارای (۲۳۸۹۱۷) نفوس بود و با افزایش سالانه ۲,۳ فیصد در سال ۱۳۷۹ نفوس آن به (۳۴۸۸۱۸) نفر میرسد. مساحت باغیس (۲۱۸۵۸) کیلومتر مربع بوده و در هر کیلومتر مربع (۱۵ نفر) زندگی دارد.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

مردم بادغیس عنعنه تولید قالین را حفظ کرده و آنرا انکشاف داده اند، قبلاً یك تخته قالین را در روی یك دستگاه می بافتند. حالا دستگاه های عمودی و ایستاده را رواج داده اند که عوض یك قالین سه تخته قالین را تحت کار میگیرند و عوض دو سه نفر، ده دوازده نفر بکار می افتند. آنها در بافتن قالین ماوری مهارت زیاد دارند و برای تربیه قره قل کوپراتیف های متعددی بوجود آورده اند. تولید پسته و حاصلات آن برای مردم یك عنعنه محلی است که با دیگر حاصلات خویش چیدن پسته را جشن میگیرند و مرد و زن در چیدن آن سهم دارند. خانه های شان اکثراً گنبدی ساخته میشود. بزکشی هم در بادغیس تیم های برازنده دارد. در مورد انکشاف معارف توجه زیاد میکنند. مکاتب ابتدائی در هر ولسوالی و شهر وجود دارد و لیسه هم در قلعه نوموجود بوده، و نشرات محلی بادغیس فعالیت های ولایت را انعکاس میداد.

جاهای تاریخی:

بادغیس بطور مشخص تا هنوز مورد بحث قرار نگرفته زیرا ریگستانهای شمال اکثرا بنیهء تاریخی را پوشانیده است، اما افتخارات تاریخی هرات و بادغیس مشترك میباشد. در جنوب قلعه نو مسجد چوبی از مدنیت اسلام نمایندگی میکند که در زمانه های قدیم و اوایل اسلام ساخته شده بود.

منابع آبی:

دریای مرغاب، کاشان و گلچین از دریاهای مهم این ولایت به شمار میرود، اما آب آن به ترکمنستان زیادتر مورد استفاده قرار میگیرد. بنابر آن در بادغیس از چاه ها و آبهای زیرزمینی نیز استفاده میشود، زمین آبی زرع حبوبات به (۱٦۷۰۰۰ اکر) و زمین للمی به (٦۰٤۰۰۰ اکر) میرسد.

پیداوار مهم:

پسته از جمله پیداوار کم نظیر این ولایت است. و پسته خندان آن بسیار شهرت دارد، تربیه قره قل و پوست قره قل آن جابسیار معروف است. گندم و پنبه به کثرت زرع میشود و برای نساجی هرات پنبه از همین جا تهیه میگردد. قالین ماوری از لحاظ کیفیت و نوع ساختمان خیلی برازنده است و براي انکشاف قره قل کوپراتیف زراعتی بوجود آمد. آنها نهال شانی و انکشاف پسته را نیز رویدست گرفتند. ساحه نفت و پطرول نیز در آنجا وجود دارد. چاه های علی گل در شمال این ناحیه واقع است. علاوتاً معدن آهن هم در جنوب ولایت موجود میباشد.

سیستم مواصلات:

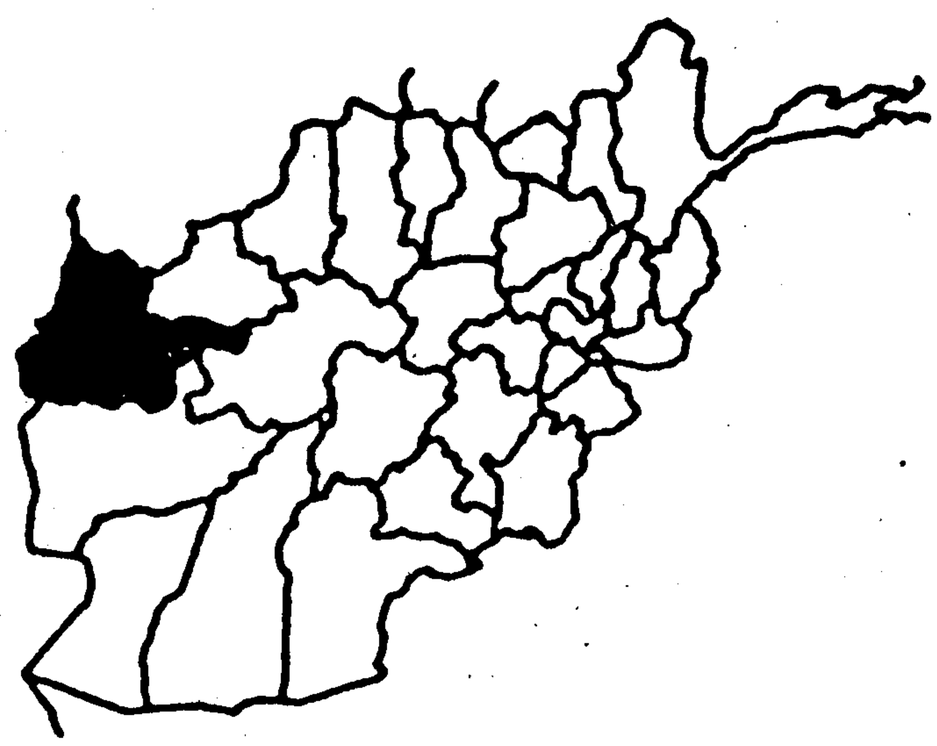
قلعه نو مرکز بادغیس توسط شاهراه شمال به فاریاب وصل شده و هم از کوتل سبزك سرك عمومی گذشته آنرا به هرات وصل می سازد. بنابر آن دوران ترافیك تجارتی آن فعال است و مال التجارة آن به آسانی به ولایات کشور انتقال داده شده می تواند. در ولسوالیهای آن راه های درجه دوم و سوم گسترش داده شده، اما نقاط دوردست آن در دره های جنوبی هنوز هم مشکلات ترانسپورتی دارد.

جنگلات:

جنگلات مهم بادغیس را پسته تشکیل میدهد که ساحه وسیع را احتوا کرده است. درخت چارمغز نیز به تعداد زیاد موجود بوده، پنجه چنار، چنار، بید و بته های خاردار و جنگلات برگریز در نشیبی های فیروزکوه به وفرت وجود دارد. بطور عموم جنگلات در بادغیس ساحه (۷٤۷۸۰۰ جریب) زمین را در برمیگیرد و با غرس مجدد پسته این ساحه وسعت بیشتر را اختیار کرده است.

خسارات وارده جنگ:

مثل سایر ولایات دیگر در طول جنگهای بیست ساله راه ها تخریب شده، و مکاتب ویران گردیده است، گوسفندان قره قل ازین ولایت به خارج انتقال داده شده، حتی اشجار پسته و ریشه آن عمداً از بین برده شده و حصه زیاد جنگلات پسته کیفیت تولیدی خود را از دست داده است. اسپ های این منطقه مثل سایر ولایات شمال بشکل قافله قافله ازین ولایت به خارج انتقال داده شده است. و ملاکین بزرگ هم از بین رفته اند. بنابر آن تولیدات اقتصادی از لحاظ کمیت و کیفیت پائین آمده است.



ولایت هرات

هرات از جمله ولایات شمال غرب افغانستان بوده، دریای هریرود (یا هریوا) بر سرسبزی و شادابی این منطقه می افزاید. شهر هرات به حیث یك حصار تاریخی توسط سکندر کبیر بنا نهاده شد و الی قرن بیست بحیث مرکز بزرگ تجارتی و ستراتیژیکی در غرب افغانستان محسوب می شد. اسکندر کبیر شهر هرات را بنام ارتاکان یا ارتاکایا یاد کرده است. یونانی های قدیم، کوشانی ها، یفتلی ها و ساسانی ها درین سرزمین حکومت کرده اند. عساکر اسلام موقعیکه یزدگرد را شکست دادند داخل هرات شدند و از آن به بعد این ولایت از جمله ولایات خراسان بحساب آمد. ابن حوقل در کتاب صورت الارض ازین ولایت و از شهر هرات به نیکوئی یاد کرده است. او میگوید هرات شهر مستحکم و استوار دارد و دارای کهندژ و بالاحصار است. مسجد جامع بزرگ دارد و مساحت شهر نیم فرسخ است. چار دروازه دارد که شمال آن به سمت بلخ و غرب آن به سمت نیشاپور باز می شود. دروازه فیروز آباد در جنوب جانب سیستان باز شده و در شرق آن دروازه خشك به سمت غور راه دارد. در زمان ملوك غور هرات دارای عظمت تاریخی برجسته یی بود. دوازده هزار دکان و کاروانسرایهای زیاد و ۳۵۹ مدرسه و خانقاه داشت. دارای ٤٤٤ هزار خانه بود که در وادی سرسبز هریرود اعمار گردیده بود. در مجموع هرات حیثیت یك باغستان بزرگ را داشت. این شهر معمور و آباد در سال ۱۲۱٤ میلادی مورد تاخت و تاز چنگیز قرار گرفت و به خاك و خون کشانیده شد. کرت ها هرات را دوباره آباد و اعمار کردند، اگرچه تیمور (۷۸۳هـ)آنرا دوباره ویران کرد، اما شاه رخ پسر تیمور هرات را مرکز اداری خود قرار داد و سلطان حسین بایقرا در آبادی و اعمارمجدد آن سعی زیاد کرد. دانشمندان زیادی مثل امیر علی شیرنوائی را در

دربار نگهداشت و صدر اعظم او بود که در رشد فرهنگی آن ولایت مجاهدت زیادی بعمل آورد. بعداً شیبانی ها در هرات حکمرانی کردند. سپس هرات بدست صفویان افتاد. در سال ۱۷٤۹ میلادی احمدشاه درانی هرات را داخل قلمرو امپراطوری خود ساخت و تا حال به حیث یك ولایت بزرگ و مهم افغانستان شناخته می شود.

تشکیلات اداری:

ولایت هرات از جمله ولایات بزرگ شمال غربی افغانستان بوده مساحت آن ٦۱۳۱۵ کیلومتر مربع و نفوس آن در سال ۱۳۵۹ به ۷۸۸٤۱٤ نفر میرسید. با افزایش ۳ , ۲فیصد نفوس آن در سال ۱۳۷۹ به ۱۱۵۱۸۸٤ نفر میرسد. ولایت هرات دارای واحدهای اداری ذیل است:

۱- مرکز ولایت (شهر هرات)

۲- ولسوالی انجیل

۳- ولسوالی گذره

٤- ولسوالی پشتون زرغون

۵- ولسوالی کرخ

٦- ولسوالی کشك

۷- ولسوالی گلران

۸- ولسوالی کهسان

۹- ولسوالی غوریان

۱۰- ولسوالی زنده جان

۱۱- ولسوالی ادرسکن

۱۲- ولسوالی شنیدند

۱۳- ولسوالی اویه

۱٤- علاقه داری فرسی

۱۵- علاقه داری چشت شریف



اقلیم و آب و هوا:

آب و هوای هرات معتدل، زمستان سرد و تابستان گرم دارد. تأثیرات اقلیم منطقه نیمه صحرائی بوده ترکستان روسی بالای آن مستقیماً اثر می افگند، و از غرب بارندگی های بحیره کسپین در اوایل بهار باعث سرسبزی و شادابی منطقه میگردد. در زمستان از برفباری های جبهه سرد سایبریا مستفید می شود. کوه پاراپامیزوس، سفید کوه و سیاه کوه غربی برف گیر بوده باعث شادابی دریای هریرود میگردد. ساحه تورغندی، کشك و کشك کهنه و اسلام قلعه، و زنده جان نیمه صحرائی بوده، نمکسار هرات کاملاً اقلیم صحرائی را معرفی میکند. اما درهء هریرود دارای اقلیم معتدله بوده، حرارت اعظمی آن در تابستان (٤٤ C°) و در زمستان به (٢٦ C°-) تنزیل می یابد و حد وسطی آن به (٢٦,٦ C°+) میرسد. مقدار بارندگی آن در یك سال در حدود (٢٨٠) میلی متر بوده و بادهای یکصد و بیست روز هرات بسیار شهرت دارد که در تابستان سال می وزد و حتی آسیاب های بادی را بحرکت میاندازد. این بادها ریگ و ذرات و گرد و خاك را به شدت حرکت داده سبب چشم دردی مردم هرات می شود.

ساختمان طبیعی:

ولایت هرات ساختمان متفاوت دارد . در مرکز ولایت کوه های پاراپامیزوس، سیاه کوه، و سفید کوه غربی موقعیت دارد و درهء هریرود در بین این سلسله ها بملاحظه میرسد. بلندترین قله پارا پامیزوس ٢٦٣٠ متر از سطح بحر ارتفاع داشته و ارتفاع قله سیاه کوه به (٣٥٧٠ متر) میرسد. نواحی شمالی و غرب آن هموار بوده مقدار تبخیر خیلی زیاد است که ازین لحاظ نمك در سطح زمین دستیاب می شود. دشت آتشان در جنوب غرب آن موقعیت دارد. کوتل سبزك در شرق آن (٢١٦٠ متر) ارتفاع دارد و شاهراه هرات-مزار از آن می گذرد. در اوبه آب معدنی هم وجود دارد که غرض تداوی جلدی از آن استفاده میشود. دریای هریرود از اسلام قلعه الی دره ذوالفقار سرحد افغانستان و ایران را تشکیل میدهد. درياچه کشك، گلران و کاشان بطرف شمال جریان دارد. پل مالان از جمله پلهای بسیار قدیمه و تاریخی است که بالای دریای هریرود برای اولین بار ساخته شده بود.

نفوس:

نفوس ولایت هرات اعم از روستائی و شهری، مرد و زن در سال ۱۳۵۹ معادل به (۷۸۸٤۱٤) نفر بود و با افزایش ۲,۳ فیصد فعلاً تعداد آن به (۱۱٥۱۸۸٤) نفر میرسد که با درنظرداشت مساحت مجموعی ولایت تراکم نفوس در هر کیلومتر مربع به (۱۸) نفر بالغ میگردد و اکثراً در کنار دریای هریرود، دریای کشك و کاشان و دره های شاداب زندگی دارند.

وضع فرهنگی، عرفانی و اجتماعی:

هرات از تیموریهای هرات به بعد در حال انکشاف بوده در هنر خطاطی، نقاشی، رسامی، شاعری، کاشی سازی و میناتوری مهارت زیادی دارند. اتفاق اسلام روزنامه معروف هرات است که به نشر میرسد. مصلی های هرات از فرهنگ عالی قدیمه آن حکایت میکند، و سنگ هفت قلم هرات در جهان نظیری ندارد. گازرگاه شریف از محلات متبرك است، لیسه جامی هرات، مکتب تخنیکی، دارالمعلمین و پوهنتون هرات با مکاتب ابتدایی در هر ولسوالی سطح علمی این ولایت را ارتقا بخشیده است. مولانا جامی و بهزاد زاده فرهنگ هرات اند. قلعه اختیار الدین از بقایای تاریخی این ولایت است. مسجد جامع بزرگ هرات با دیگ مسی بزرگ و خطاطی از آیات قرآن عظیم الشان، هنر موزایك از سنگ های کاشی با کلمات و آیات قرآن مجید بر عظمت این مسجد می افزاید و مقبره خواجه عبد الله انصاری و پیر او ابوالحسن خرقانی نیز در گازر گاه شریف از اماکن مقدس آن بحساب می آید.

پیداوار مهم :

ولایت هرات را منسوجات ابریشمی قناویز، کُرك، قالین ماوری، میوه های مختلف، انگور، خربوزه و آلو بخارا تشکیل میدهد و در ساختن نبات مهارت خاص دارند. پنبه، گندم و برنج نیز زرع میشود. بند سلما، بند انجیل و کوگان باعث آبیاری بیشتر زمین های زراعتی میگردد. از پنبه دانه روغن استحصال می کنند، فابریکه نساجی، نخ تابی و سمنت در هرات بر ارزش اقتصادی آن می افزاید. در هرات

اضافه تر از (۸۱۸۰۰۰) اکر زمین آبی و (۱۶۸۵۰۰۰) اکر زمین للمی وجود دارد که باعث ازدیاد حاصلات آن میشود. منابع آبی آنرا دریای هریرود، گلران، کشك، کاشان و دریاچه کرخ و آبهای تحت الارضی تشکیل میدهد.

وضع مواصلات:

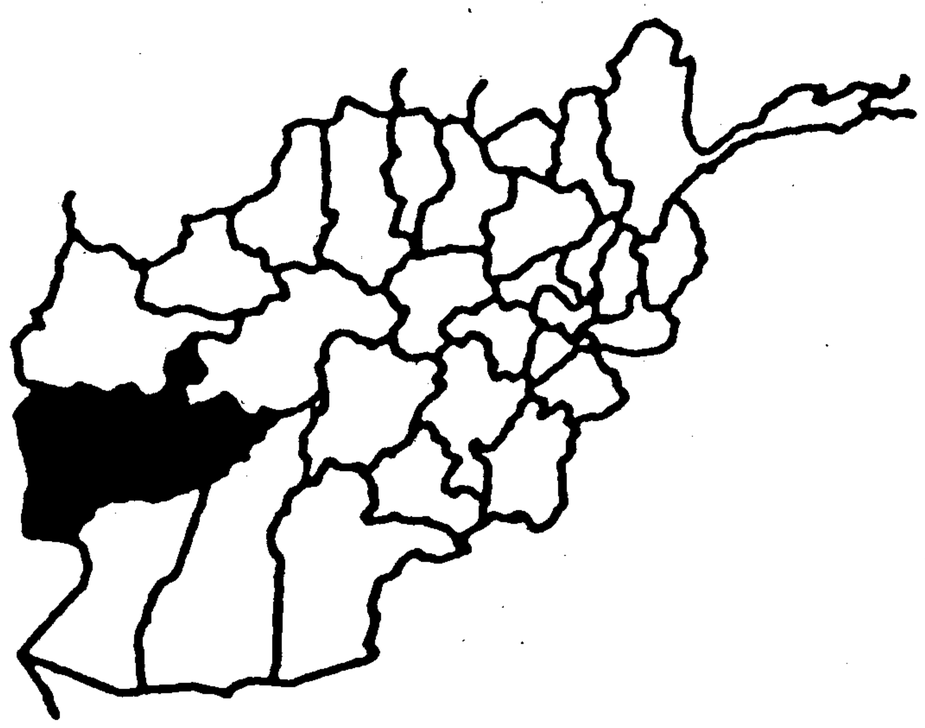
در ولایت هرات فوق العاده خوب بوده شهر هرات با تورغندی توسط شاهراه اسفلت شده ۱۲۱ کیلومتر فاصله دارد و اسلام قلعه بفاصله ۱۲۰ کیلومتر شاهراه قیر شده است که باایران وصل می شود، و شاهراه کابل هرات به طول ۱۱۶۲ کیلومتر تسهیلات ترانسبورتی را مساعد ساخته است. پل مالان قدیمترین پل بالای دریای هریرود و پل پشتون بالای راه معاصر آن ساخته شده است. میدان هوائی شنیدند و میدان هوایی شهرهرات سیستم مواصلاتی را در هرات نیز سرعت می بخشد.

جنگلات:

جنگلات در کوه های فیروزکوه و سیاه کوه و نشیبی های دره هریرود در حدود ۲۰۸۲۰۰ جریب زمین را احتوا می کند، قسماً جنگلات پسته. قسماً درخت های برگ ریز میباشد که در تعمیرات از آن استفاده به عمل می آید.

خسارات وارده جنگ:

مع الاسف جنگهای متداوم بیست ساله قسماً شهر هرات را تخریب کرده، بندهای آبگردان، مینارہ های تاریخی یعنی مصلی های هرات، جنگلات انبوه جنوب شهر هرات، اکثر پلها و راه ها از ضربات راکت و ماین خسارات زیاد دیده است و در گازرگاه شریف لوحه سنگ های تاریخی از بین رفته است.



ولایت فراه

ولایت فراه در غرب افغانستان موقعیت دارد، در شمال آن ولایت هرات ودر جنوب آن ولایت نیمروز ودرغرب با ایران همسرحد می باشد. فراه برای سالهای متمادی نیمروز راهم در تشـــکیل اداری خود داشت وبنام ولایت فراه یاد میشد که از زمان شیرعلی خان الی حبیب الله خان این وضع ادامه داشت. در زمان حکومت امان الله خان بحیث حکومت اعلی فراه نامیده شد.در سال ۱۳٤۱ هـ دوباره بحیث ولایت فراه شناخته شد که نیمروز جزء آن بود.در سال ۱۳٤۳هـ ش نیمروز ولایت علیحده وفراه بحیث ولایت جداگانه در تشکیل اداری جا داده شد و شهر فراه بحیث مرکز ولایت انتخاب گردید، وگاه گاه به فراه رودهم کارهای اداری ولایت متمرکز میگردد.

تشکیلات اداری:

ولایـــت فـــراه دارای تشکیلات اداری ذیل است:

۱- شهر فراه مرکز ولایت
۲- ولسوالی بکواه
۳- ولسوالی گلستان
٤-ولسوالی پرچمن
٥-ولسوالی بالابلوك
٦- علاقه داری خاك سفید
۷- ولسوالی انار دره
۸- ولسوالی قلعه کاه
۹- ولسوالی لاش وجوین



اقلیم وآب و هوا:

آب و هوای فراه گرم و از اقلیم صحرائی به نیمه صحرایی تغییر می یابد. اما در نواحی کوهستانی کوههای مالمند، سیاه کوه وکوه های خاك سفید. آب و هوای نسبتاً معتدل و کوهستانی دارد. هامون صابری، جهیل نمکی تغ نمدی (داغ تندی)، دشت بابوس، و دشت بکوا کاملاً دارای هوای نیمه صحرائی است. مقدار بارندگی درفراه و نواحی غربی آن به ۱۰۰ میلی متر میرسد ودر نقاط کوهستانی آن بین (۱۰۰ - ۲۰۰ میلی متر) در تغییر است. فراه که از سطح بحر کمتر ارتفاع دارد حرارت آن در تابستان بین ۳۰ و ٤٥ درجه سانتی گرید و در حاشیه کوهستانی به ۲۵ الی ۳۰ درجه ثبت شده است.در موسم زمستان حرارت فراه به (۵+) درجه و در دامان و حاشیه کوههای شرقی به (صفر و ۵-)درجه سانتی گرید پائین می آید. بادهای یکصدو بیست روز هرات در فراه و اطراف آن تاثیر مستقیم دارد و گاه گاه درساحات ریگستانی بکوا مسیر راه های کاروان رو وسرك ها را تغییر میدهد.

ساختمان اراضی:

در ولایت فراه سلسله های کوهستانی آن درشرق ولایت قرار داشته،کوه خاك سفید درشمال،کوه مالمند وسیاه کوه در شرق (٤۱۸۲ متر)، کوتل خور مالق (۱۲۲۱) متردر جنوب شرق فراه واقع شده است. دشت های ریگستانی وگرم (تگ)درشمال، دشت بابوس و دشت بکوا به حرارت وگرمی این منطقه می افزاید. دریاهای فراه رود، خسپاس، انار دره و هاروت رودابن منطقه را شاداب می سازد و از صحرائی بودن کامل آنرا خارج می سازد. هامون صابری که جزئی از هامون سیستان است در جنوب این ولایت واقع شده است، دغ نمدی در حاشیه غربی آن جهیل نمکی و ساحه گرم را تمثیل میکند.

نفوس:

ولایت فراه با داشتن مساحت (٤٧٧٨٨) کیلو متر مربع دارای نفوس ۲۳۹۹۸۷ نفر بوده که درسال ۱۳۵۹ بطور رسمی احصائیه آن گرفته شد. اما با افزایش ۲.۳ فیصد سالانه درسال ۱۳۷۹ تعداد نفوس آن به (۳۵۰۳۸۱) نفر میرسد که درهر کیلو متر مربع آن (۷) نفر سکونت دارند. اما اکثریت این ساحه ریگستانی وغیر قابل سکونت بوده درواحه ها وسواحل دریاها نفوس آن امرار حیات میکنند.

وضع فرهنگی، علمی واجتماعی:

مردم ولایت فراه اکثراً به باغداری،زرع پنبه، بافتن گلیم و نمد سر و کاردارند. درین منطقه خشك وکم آب مالدار ها به علفچرهای دامان کوه مواشی خود رابه چراگاه میبرند، واز پشم آن درصنعت محلی گلیم بافی استفاده می کنند. قالی های اعلی هم از پشم گوسفند تهیه میکنند. اهالی دهکده های شیندند (سبزوار)خاك سفید، قلعه کاه و اناردره در بافتن قالین و گلیم شهرت دارند. مردم اکثراً به شکار مرغابی و لگ لگ خود را مصروف میسازند که در هامون صابری و کنار دریاها در رفت و آمد می باشند. موسم شکار آنها بهار و یا خزان است که وقت پروازهای موسمی این طیور را تشکیل میدهد. در دره های کوهستانی آن یك نوع گوسفند بنام خیك سفید و آهوهای صحرائی در ناحیه بکوا زمینه شکار را برای مردم مهیا میسازد. خیك سفید در اناردره، گلستان و شیندند به کثرت در گشت و گذار می باشند زیرا اینجاها سرسبز بوده چراگاه خوبی را برای این حیوانات مهیا میسازد. در فراه لیسه های ذکور و اناث، دارالمعلمین و لیسه حرفوی زراعت هم وجود دارد و در هر ولسوالی مکاتب ابتدائی وجود دارند که به تعلیم و تربیه جوانان و پسران رسیدگی مینمایند. متباقی مردم مالدار یا زراعت پیشه بوده به زرع گندم، پنبه و جو می پردازند.

جاهای تاریخی فراه عبارت از شیندند بوده که در زمان تیموریهای هرات سرزمین سرسبز و شاداب را تشکیل میداد و مورد توجه شاهان وقت قرار داشت. قلعه کاه، خاك سفید و گلستان هم مراکز تاریخی مدنیت حوزه سیستان را تشکیل میدهد که تا حال باستان شناسان موفق به حفریات و کاوشهای علمی و تاریخی آن نشده اند.

پیداوار مهم:

قالین، نمد، گلیم و پارچه های سوزن دوزی شده از مهارت های خانگي و زنان است که برای تقویه اقتصاد فامیل خویش انجام میدهند. گندم، پنبه،جو، حتی در بعض جاها پسته هم میروید. در اناردره و گلستان انار بسیار اعلی وجود دارد. شترهای بادی هم درین ولایت خیلی زیاد بود، اما با تنظیم امور ترانسپورتی تعداد آن کاهش یافت. زمین آبی در فراه (٦٢٩٠٠٠) اکر و زمین للمی به (١١٣٠٠٠) اکر میرسد که زارعین از آن استفاده میکنند.

منابع آبی:

دریای فراه رود و خسپاس و هاروت از جمله منابع آبی مهم آن بحساب می آید. در حصه شرق آن دره های سرسبز وجود دارد که از آب چشمه سارها و نهرهای کوهستانی سیرآب میشود. مثلاً اناردره، پرچمن و گلستان که بسیار حاصلخیز و سرسبز اند. متباقی اراضی در غرب و جنوب غرب فراه صحرائی بوده آب کافی ندارد، تنها در موسم بهار علفچرهای خوبی را برای مالداران تشکیل میدهد.

سیستم مواصلات:

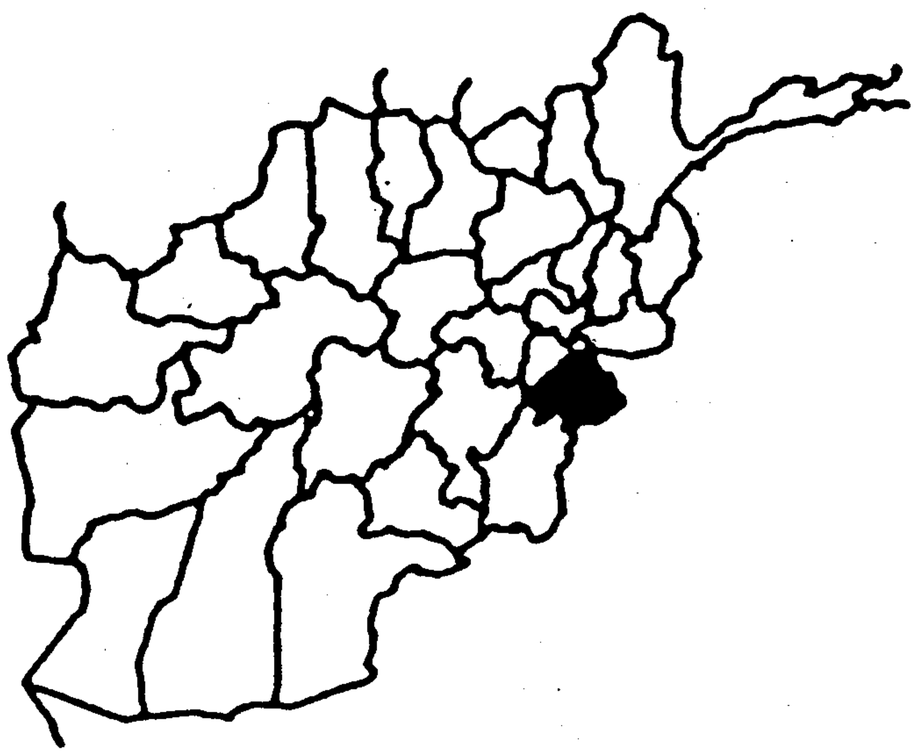
ولایت فراه در شاهراه کابل هرات واقع شده، هر نوع مال التجاره ازین راه به ولایات دیگر انتقال داده شده می تواند. فراه از کابل ۹۰۰ کیلومتر فاصله دارد و از هرات ۲۷۰ کیلومتر بعید افتاده است. بنابر آن به بندرگاه اسلام قلعه و تورغندی خیلی نزدیك است. فراه از فراه رود قدری بعید بوده، و شاهراه کابل - هرات از بالای پل فراه رود میگذرد. یك هوتل عصری هم در فراه رود اعمار شده که برای مسافرین تسهیلات زیادی فراهم مینماید. سایر ولسوالی های فراه با راه های درجه دوم و سوم وصل شده و در نقاط صحرائی ترانسپورت به مشکلات زیاد هم مواجه می شود زیرا شدت بادها مسیر راه ها را تغییر میدهد.

جنگلات:

در فراه جنگلات برگریز بید و چنار ریوکلتپس، جنگلات پسته و بته های انار زیاد است و درمجموع ساحه جنگلات آن به (۱۰۰۳۰۰) جریب زمین میرسد.

خسارات وارده‌ء جنگ:

خسارات وارده جنگ بر منطقه هم قابل ملاحظه است. زیرا شاهراه کابل هرات درین حصه صدمه دیده، مکاتب تخریب گردیده، پلها قسماً خراب شده و هوتل فراه رود نیز صدمه زیاد را متحمل گردیده است و از موجودیت ماین ها زارعین، باغدارها و مالدارها هنوز هم در هراس اند.



ولایت پکتیا

کلمه پکتیا و پکتیس نامهایی است که در اوستا ذکر شده و پلنی آنرا اوپوکین یاد کرده که در جنوب شرق غزنی موقعیت دارد. پلنی اظهار میدارد که اینها از آریائی های قدیم بوده در اثر مهاجرت در کوه های سلیمان اقامت گزیدند و بعداً به دره های پکتیای امروزه و پکتیکا مسکن گزیدند. پکتیا در ابتدا مربوط ولایت کابل بود، در زمان امان الله خان بحیث حکومت اعلی سمت جنوبی به صفت یك واحد اداری شناخته شد، در سال ۱۳٤۱ به حیث ولایت پکتیا تبارز کرد اما بعداً با واحدهای اداری بیشتر بوجود آمد و پکتیکا از آن مجزا گردید.

تشکیلات اداری:

پکتیا دارای واحدهای اداری ذیل است:

۱- گردیز مرکز ولایت

۲- ولسوالی زرمت

۳- علاقه داری شیواك

٤- ولسوالی وزه جدران

٥- علاقه داری شمل

٦- ولسوالی سپیره

۷- ولسوالی تنی

۸-علاقه داری نادرشاه- کوت

۹- علاقه داری سدوزائی

۱۰- علاقه داری گربز



۱۱- لوی ولسوالی خوست
۱۲-علاقه داری تیری زایی
۱۳- علاقه داری باك
۱٤- ولسوالی جاجی میدان
۱۵-علاقه داری صبری (یعقوبی)
۱٦- ولسوالی جانی خیل
۱۷- ولسوالی دند و پتان
۱۸- ولسوالی چمکنی
۱۹- ولسوالی لجه منگل
۲۰- ولسوالی موسی خیل
۲۱- علاقه داری قلندر
۲۲- ولسوالی سید کرم
۲۳- ولسوالی جاجی

اقلیم و آب و هوا:

پکتیا دارای اقلیم مونسون بوده بارندگی های تابستان در آنجا زیاد صورت میگیرد. در بهار و زمستان بارندگی به شکل باران بوده و از رطوبت بارانهای بحیره عرب مستفید میگردد. مقدار بارندگی سالانهء آن به ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ میلی متر میرسد، درجه حرارت اعظمی آن ۲۵ الی ۳۵ درجه و در بعض سالها ٤۰ درجه نیز ثبت شده است. در زمستان سردی هوا بین (صفر و ۵+) در تحول میباشد. بارندگی های موسمی در تابستان و زمستان صورت گرفته، صرف خزان سال قدری خشك میباشد.

بارندگی های موسمی باعث رشد و نموی جنگلات در نقاط کوهستانی شده و سراسر این ولایت با جنگلات سرسبز میباشد.

ساختمان اراضی:

کوه های جهان پهلوان و غومبور خوار و کوه وچ خاش از جمله کوه های معروف آن میباشد. کوتل تیره (۲۹۹٦ متر) در کوه وچ خاش و کوتل سته کنداو (۲۹۷۸ متر) بین کوه جهان پهلوان و وچ خاش راه عمومی ترافیك را جانب خوست و کابل باز می کند. در پکتیا دریاهای مهم وجود ندارد تنها شمل رود از جنوب خوست میگذرد. دریاچه کرم به سمت شرق جریان دارد و از سید کرم و گردیز منبع گرفته جانب سرده به جریان می افتد.

نفوس:

پکیتا در سال ۱۳۵۹ به تعداد (۴۹۵۰۱۸) نفر نفوس داشت و با اضافه ۲,۳ فیصد در سال ۱۳۷۹ تعداد نفوس به (۷۲۲۷۲۶) نفر رسید، مساحت پکیتا معادل (۹۵۸۱) کیلومتر مربع و تراکم نفوس (۷۵) نفر در هر کیلومتر مربع میباشد که باین اساس یك ولایت نسبتاً پر نفوس بشمار میرود.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

پکتیا دارای دو لیسه و تعداد زیاد مکاتب ابتدائی میباشد. نشریه یی هم در پکتیا به طبع میرسد. مردم مهماندوست و اجتماعی اند، در زمین داری و تجارت مصروفیت بیشتر دارند. از چوب جنگلات وسایل چوبی و ضروری تهیه میکنند. چارتراش ارچه درینجا بوجه مطلوب تهیه میشود و در ساختن ذغال بلوط مهارت زیاد دارند. اتن ملی یك ابتکار بزرگ این سرزمین است که در جشنها، عروسی ها و اعیاد بانواختن دهل انجام میدهند و چندین نوع اتن با حرکات مختلف و دلچسپ اجرا میکنند، که در دیگر ولایات از همین جا سرایت کرده و افتخار بزرگ فرهنگی برای مردم پکتیا محسوب میشود.

جاهای تاریخی:

میرزکه از جمله بزرگترین مرکز تاریخی پکتیا بحساب می آید که از آنجا در سال ۱۹۹۷ آثار گـرانبهای تاریخی، مجسمه ها، زیورات و مسکوکات طلائی بدست آمد. علاوه بر آن در متون خرابه های تاریخی وجود دارد که به قبل از ورود اسلام تعلق میگیرد.

پیداوار مهم:

جنگلات سوزنی برگ از قبیل ارچه، بلوط، جلغوزه، نشتر، پاین و سپروس و لمنز در کوه های آن خیلی زیاد است که ثروت ملی افغانستان را تشکیل میدهد. چارتراش، چوب بلوط و ذغال آن به تمام ولایات صادر میشود و چوب چارتراش آن در صادرات بین المللی هم مقام خوبی را دارد. پروژه انکشاف جنگلات و صنایع چوبی آن که قبلاً فعال بود، سعی زیاد به خاطر عاید ملی کشور انجام داده است. تقریباً (۹۳۰۰۰۰ اکر) ساحه جنگلات را احتوا میکند که از آن جمله (۴۸۲۰۰۰ اکر) جنگلات سوزنی برگ قدیمه میباشد که از ۴۰۰ سال قبل در نقاط کوهستانی وجود داشت و تقریباً دو میلیون نهال مجدداً غرس شده است. زیتون و چای هم حاصل خوب میدهد. گندم، جو و جواری هم زرع میشود. معدن از بستوس، زنیك ، سرب و کرومیم نیز در نواحی شدل و سپیره وجود دارد.

منابع آبی:

منابع آبی در پکتیا محدود و کم است. گردیز یك ساحه نیمه صحرائی و خشك را تشکیل میدهد. اما از سته کنداو باستقامت خوست دریاچه های خورد کُرم، شمل و گردیز قسماً غرض آبیاری بکار میرود. اراضی آبی به اندازه (۲۸۲۰۰۰ اکر) و زمین للمی به (۱۵۷۰۰۰ اکر) میرسد.

سیستم مواصلات:

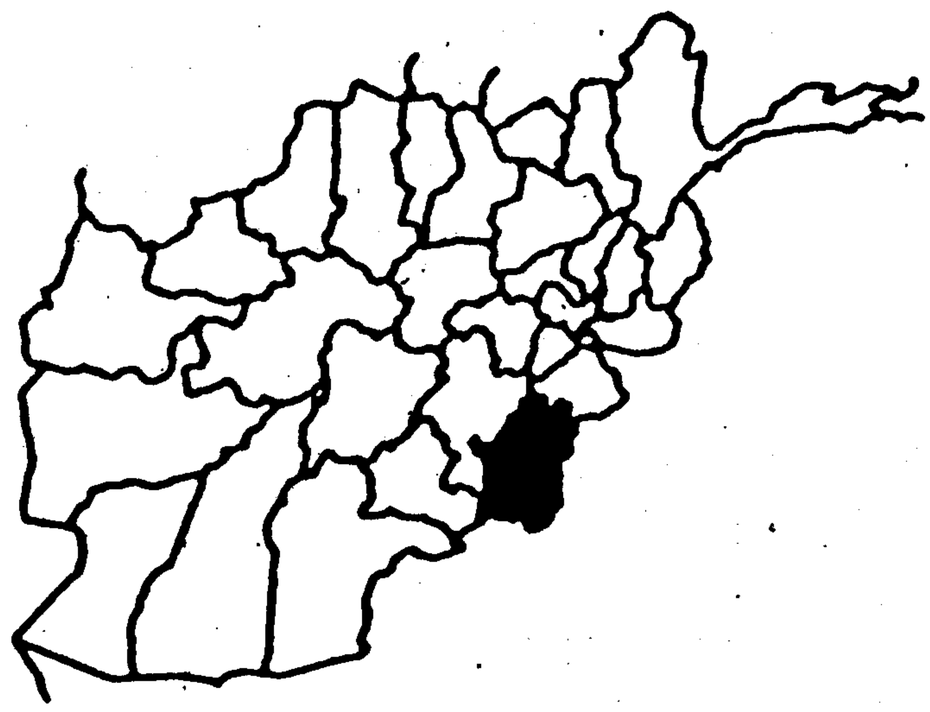
راه کابل خوست یك شاهراه مهم تجارتی بوده مسافرین و مال التجاره ازین راه به تمام ولایات انتقال می یابد، اما در ولسوالیهای آن، راه هاي درجه دوم و سوم وجود دارد و در نقاط دوردست، هنوز هم مشکلات ترانسپورتی بملاحظه میرسد.

جنگلات:

در پکتیا جنگلات سوزنی برگ که همیشه سرسبز است کوه ها را پوشانیده و انواع مختلف دارد، از قبیل ارچه، لمنز، نشتر، جلغوزه، بلوط، ناجو، سرو و غیره که ساحه بیش از (۹۳۰۰۰۰ اکر) زمین را احتوا می کند و قسماً شامل ولایت پکتیکا نیز میباشد. جنگلات پکتیا مجموعاً (۲۶۸۶۳۰۰) جریب زمین را پوشانیده است.

خسارات وارده‌ء جنگ:

خسارات وارده جنگ بر منطقه قدری محسوس است. زیرا یك اندازه‌ء زیاد جنگلات طور قاچاق به خارج صادر شده و تعداد زیاد آن قطع گردیده است. راه های عمومی خراب شده دوران ترافیکی را قدری بطی ساخته است و یك تعداد ملاکین و اشخاص صاحب رسوخ خانه و ملکیت خود را هم ترك داده اند.



ولایت پکتیکا

پکتیکا در ابتدا جزء ولایت پکتیا بود و هر دوی آن زمانی به ولایت کابل ارتباط داشت. قسماً ولسوالی های آن به ولایت غزنی هم تعلق میگرفت. اما بعداً بمنظور تسهیلات مردم به شکل ولایت علیحده شامل تشکیلات اداری افغانستان شد.

تشکیلات اداری:

پکتیکا دارای این واحدهای اداری است:

۱- شرن مرکز ولایت

۲- ولسوالی کتواز (زرغون شهر)

۳- علاقه داری دیله

٤- ولسوالی وازه خوا

٥- علاقه داری ورمی

٦- ولسوالی گومل

۷- علاقه داری اومنه

۸- علاقه داری سروبی

۹- علاقه داری برمل

۱۰- علاقه داری گیان

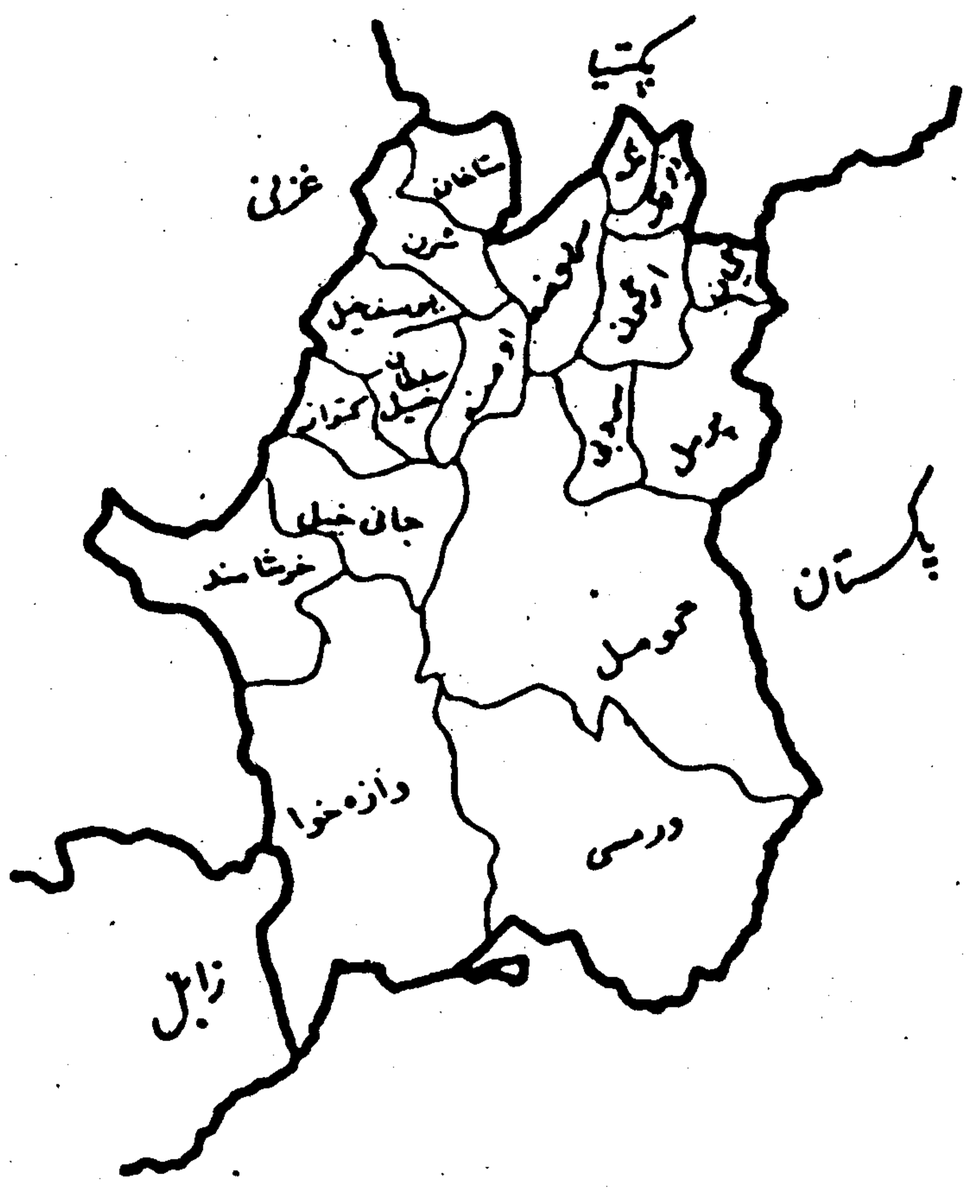
۱۱- ولسوالی ارگون

۱۲- علاقه داری زیروک

۱۳- علاقه داری نیکه

۱٤-علاقه داری سر روضه

۱٥- علاقه داری متاخان



اقلیم و آب و هوا:

سرحدات شرقی آن که شامل سر روضه، ارگون و گومل میشود بنابر بارندگیهای موسمی مثل پکتیا داراي اقلیم موسمی است، بارندگی های بهار، تابستان و خزان ساحه را کاملاً سرسبز ساخته و از جنگلات پوشیده میباشد. متباقی واحدهای اداری آن در قسمت های غربی پکتیکا نیمه صحرائی بوده مقدار کم بارندگی دارد. در نواحی شرقی بین ۶۰۰-۹۰۰ میلی متر بارندگی وجود داشته اما در صفحات غربی آن بین ۲۰۰ و ۳۰۰ میلی متر و گاهی هم در نزدیکی های آب ایستاده به (۱۰۰ میلی متر) کاهش می یابد. درجه حرارت در ساحات شرقی بین ۲۵ و ۳۵ درجه و در نواحی غربی آن بین ۳۵ و ۴۰ درجه سانتی گرید میباشد. سردترین درجه حرارت در ساحات جنگلات شرقی بین (صفر و ۵+) درجه و در ساحه غربی آن به (۵- و ۱۵-) درجه سانتی گرید پائین می آید.

ساختمان اراضی:

کوه های معروف آن در شمال جرکنه و در جنوب شاخه هاي کوهستانی کوه سلیمان اراضی را تغییر شکل میدهد. دریاچه های خورد گومل و کندر رود، قسمتی از دریاچه گردیز و سرده در آن جریان دارد که از لحاظ منابع آبی آنقدر غنی نمیباشد.

نفوس:

ولایت پکتیکا در سال ۱۳۵۹ دارای (۲۵۰۷۸۶) نفوس بود و با افزودن ۲,۳ فیصد آن در سال ۱۳۷۹ به (۳۶۶۱۴۷) نفر میرسد. مساحت پکتیکا معادل (۱۹۳۳۶) کیلومتر مربع و تراکم نفوس در هر کیلومتر مربع (۱۸) نفر است.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

وضع فرهنگی پکتیکا شبیه پکیتا است، در اتن ملی مهارت داشته، در ساختن چوب چارتراش و تهیه ذغال دسترسی خوب دارند. در شرن یك لیسه و چندین مکاتب ابتدائی در سراسر ولایت موجود است.

جاهای تاریخی:

درپکتیکا تا حال بدرستی کشف نشده تنها درارگون مناظر توریستی وجود دارد.

پیداوار مهم:

گندم، جو، جواري هم بطور آبی و هم للمی تولید میشود. آلو - آلو بخارا در قسمت های غربی میروید اکثریت مردم مالدار و کوچی هم میباشند، گوسفند و شتر در آنجا زیاد بوده از پشم نمد و گلیم میسازند و زیتون نیز درین ولایت حاصلات خوب دارد. در شرق آن جنگلات سرسبز سوزنی برگ از قبیل ارچه، جلغوزه، نشتر، لمنز، بلوط، ناجو، سرو و غیره بکثرت وجود دارد.

منابع آبی:

منابع آبی آن خیلی ضعیف و کم است، دریاچه های خورد گردیز، گومل و کندرآب کافی ندارد. بند سرده در قسمت غرب آن اعمار شده تا غرض آبیاری بکار برده شود.

سیستم مواصلات:

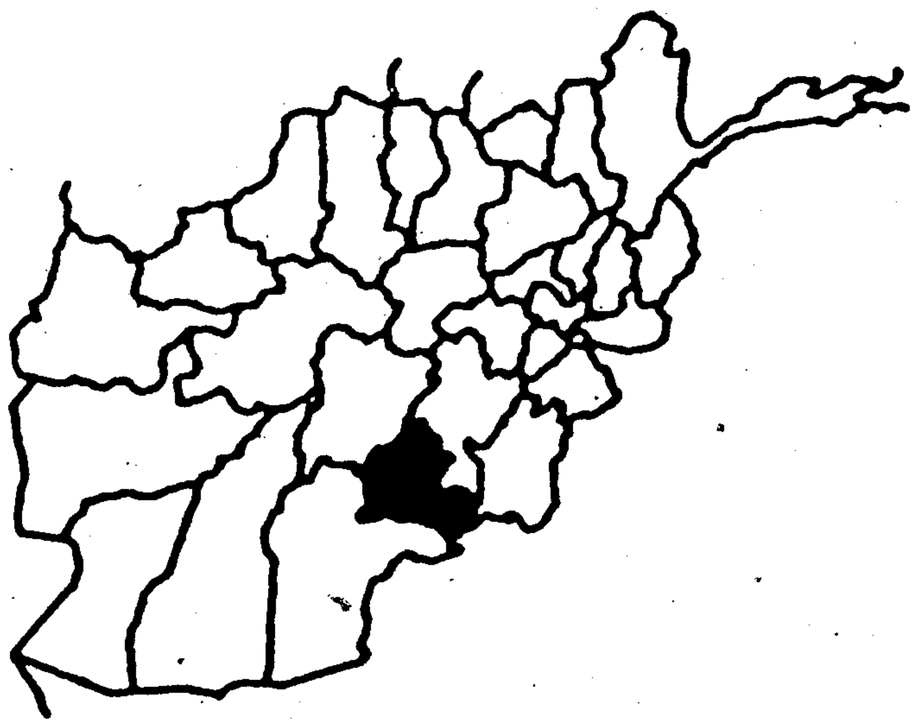
راه ترانسپورتی آن از طریق شرن به گردیز و همچنین به غزنی وصل است. البته پخته کاری بوده و اسفلت نمیباشد. در تمام ولسوالی های آن راه های درجه دوم و سوم تمدید یافته که با آنهم در مورد سرعت دوران ترافیك پرابلم های چشم دید وجود دارد.

جنگلات:

جنگلات پکتیکا فصل مشترك ولایت پکتیا است که انواع مختلف جنگلات سوزنی برگ در آن وجود دارد و تقریباً ۳۰ فیصد ساحه جنگلات پکتیا را تشکیل میدهد. درخت بلوط، نشتر، لمنز، ارچه، ناجو، سرو درینجا بکثرت انکشاف کرده است.

خسارات وارده‌ء جنگ:

خسارات وارده جنگ بر منطقه آنقدر زیاد محسوس نیست اما یك تعداد ملاکین و اشخاص صاحب نفوذ در اوائل جنگ ها و نظام کمونزم ساحه را ترك کردند. درین اواخر جنگلات قطع میشود و چارتراش آن بخارج و داخل ارسال گردیده و باین اساس جنگلات افغانستان سیر نزولی خود را می پیماید.



ولایت زابل

زابل سرزمین بسیار تاریخی افغانستان است که زیر نام زابلستان در شاهنامه فردوسی از آن به نیکوئی یاد شده و کارنامه های رزمی رستم ذال درینجا با موفقیت های شایان او تذکر داده شده است. زابل دیر زمانی در تشکیلات کابل قرار داشت و گاهی هم در سال ۱۳٤۱ جزء غزنی قرار داده شد. در سال ۱۳٤۳هـ ش بنابر ضروریات مردم و سهولت های اداري بحیث یك ولایت جداگانه در ردیف تشکیلات اداری افغانستان قرار گرفت.

تشکیلات اداری:

ولایت زابل متشکل از واحدهای اداری ذیل است:

۱- قلات مرکز ولایت

۲- ولسوالی شاه جوی

۳- ولسوالی ارغنداب

٤- ولسوالی دایچوپان

۵- علاقه داری میران

٦- ولسوالی ترنك و جلدك

۷- ولسوالی شنکی

۸- علاقه داری اتغر

۹- ولسوالی شمولزی



اقلیم و آب و هوا:

زابل دارای اقلیم نیمه صحرائی بوده در امتداد دریای ارغنداب و ترنك واحه و علفچرهای مردمان کوچی را تشکیل میدهد. مقدار بارندگی آن در امتداد دره ترنك بین ۱۰۰ و ۲۰۰ میلی متر و در نقاط مرتفع به ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلی متر میرسد.حرارت ماه های تابستان ۲۵ و ۳۰ درجه سانتی گرید بوده و در قلات به ٤۰ درجه هم میرسد، در زمستان بین (صفر و ۵-) درجه در تحول است. بنابر آن زمستان آن معتدل و تابستان آن گرم و بارندگی های بهار باعث سرسبزی علفچرها میشود.

ساختمان اراضی:

در زابل کوه های معروف آن عبارتند از: کوه کافرجر (۳۷۵۱ متر)، در جنوب باری غر و نخاس غر (۲۷۹۰ متر) که ارتفاع آنها کم است، و اکثراً کوه های برهنه را تشکیل میدهد. دریای ارغنداب، ترنك، لورا و رودماروت دریاهای مهم آنرا تشکیل میدهند که به آب هلمند میریزند، اما قرار مشاهدات مردم ازین دریاها آنقدر استفاده مناسب صورت نمی گیرد، زیرا دره های آن عمیق و زمین های زراعتی بلند واقع شده است.

نفوس:

زابل در سال ۱۳۵۹ به تعداد (۱۸۳٤٤۱) نفوس داشت و با افزودن ۲,۳ فیصد در سال ۱۳۷۹ تعداد آن به (۲٦۷۸۲۳) نفر میرسد. مساحت زابل (۱۷۲۹۳) کیلو متر مربع بوده و تراکم نفوس آن در هر کیلومتر مربع (۱۵) نفر است.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

مردم زابل مالدار و اکثراً به شکل چادرنشین و کوچی میباشند. در تربیه اسپ مهارت و دلچسپی زیاد دارند، به نیزه زدن از بالای اسپ استعداد خوبی داشته و یکنوع نیزه زنی رواج دارد که میخ چوبی را به اندازهء بیست سانتی متر در زمین

کوبیده، و اسپ را با سرعت زیاد بحرکت می آورند و به همان سرعت توسط نیزه همان میخ چوبی را باید از زمین بیرون سازند. درین سپورت مردم زابل لیاقت عالی دارند. زمین های خود را بشکل تراس میسازند تا امکان آبیاری آن میسر شود، زمین های شان اکثراً للمی است و از آب دریا کمتر استفاده میتوانند.

جاهای تاریخی :

در زابل کمتر سراغ میشود و باستانشناسان تا حال کدام آثار برازنده از آنجا بدست نیاورده اند.

پیداوار مهم:

مردم سعی میورزند که جنگلات چنار را در دامان کوه انکشاف دهند، بادام به اندازه زیاد میروید. گندم کاملاً بطور للمی زرع میشود، حتی تربوز را بطور للمی و بدون آبیاری تولید میکنند، جو و جواری هم زرع میکنند، اما مردم اکثراً مالدار بوده پوست، پشم، شیر و روغن زیاد بدست می آورند. در جمله پیداوار فلزی آهن هم درین ولایت موجود است و طلا هم زیاد وجود دارد. درهر تن احـجار ارغنداب به اندازه ۱۰ الی ۲۰ گرام طلا استحصال میکنند.

منابع آبی:

در زابل از دریاهای محل نظر به عمق دره های آن استفاده اعظمی صورت نمیگیرد. با آنهم دریای ارغنداب، ترنك، لورا و رود ماروت هوای منطقه را مرطوب می سازد و در سواحل آن بته ها و علوفه برای حیوانات دستیاب میشود. کاریزهای طبیعی و عنعنوی هم وجود دارد که در بعض جاها از آن در زراعت و نوشیدن استفاده میکنند. درین ولایت (۳۱۳۰۰۰ اکر) زمین آبی و(۹۲۰۰۰ اکر) للمی موجود است.

سیستم مواصلات:

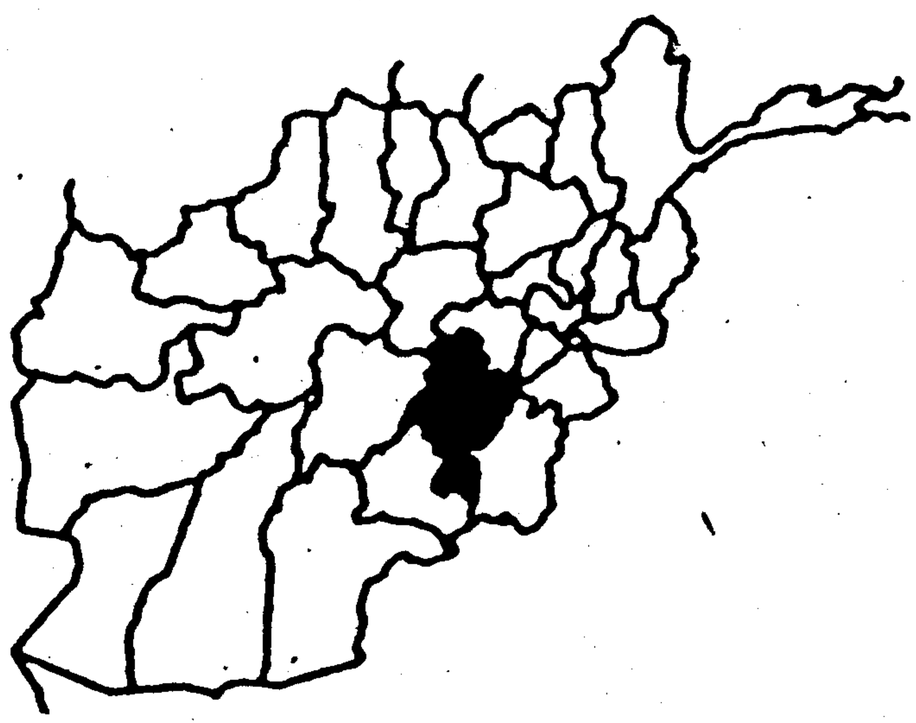
قلات در سر راه شاهراه غزنی-کندهار واقع شده مساعدت های ترانسپورتی را برای مردم فراهم می سازد، در باقی ولسوالی ها راه های موتر رو مشکلات داشته راه های درجه سوم و دوم در آنجاها تمدید یافته و نقاط دوردست آن هنوز هم پرابلم ترافیکی دارد.

جنگلات:

ساحه جنگلات در زابل به (۱۰۰۰) جریب زمین میرسد که چنار و چوب هاي تعمیراتی بوده، اشجار مثمر آن بادام و آلو میباشد. بته هاي تاك و انار در امتداد رود ارغنداب نیز وجود دارد.

خسارات واردهء جنگ:

خسارات وارده بر منطقه آنقدر محسوس نیست، اما شاهراه قلات-کندهار و قلات-غزنی صدمه زیاد دیده سرعت دوران ترافیك را بطی ساخته است. در نتیجه دو ساعته راه موتر به ده ساعت اضافه شده است.



ولایت غزنی

غزنی از جمله ولایات پر عظمت تاریخی افغانستان بوده سرزمین سرسبز، شاداب و معمور را تشکیل میداد که قبل از ورود اسلام هم این شهر دارای اهمیت دفاعی بود و اسکندر کبیر نیز درین ساحه به مشکلات و مقاومت مردم مواجه گردیده بود. غزنین، غزنی یاغزنه در طول تاریخ با ماجراهای مختلف مواجه شده است. غزنی به قیادت سلطان محمود غزنوی به عظمت تاریخی خود نایل آمد و بیش از دو صد سال کامل (۹۶۳-۱۱۸۶) درین سرزمین و حصه یی از ایران و نیم قاره هند امپراطوری غزنویها با نقش فرهنگی عالی حکومت می کردند. فردوسی در دربارغزنه رشد کرد و شاهنامه را برشته تحریر در آورد که از عظمت غزنویها، محمود غزنوی، و کارنامه های رستم در سیستان، زابل، کابل و ایران زمین با اشعار منزه دری توضیحات کامل داده است. علاوه بر آن ابوریحان البیرونی در دربار محمود اکتشافات و اختراعات زیاد در حصه محاسبه ابعاد زمین، معرفت الارض، ریاضی، هندسه، تاریخ و نجوم آثار علمی گرانبها و تالیفات زیادی دارد. ابوریحان موضوع جاذبه را در سومنات کشف کرد و وزن مخصوصه اجسام را ارزیابی نمود. از محاسبه فورمول انحطاط افق آن اکنون در پرواز اقمار مصنوعی استفاده مل می آید. عسجدی، ابونصرفارابی و عنصری از علماً و شاعران برجسته آن زمان بود. اما غزنه مورد حملات غوریها قرار گرفت وعلاؤالدین جهانسوز غزنی را به آتش کشید. بار دیگر چنگیز غزنی را تخریب کرد. غزنی باستانی توسط زابلستان اداره می شد. یك زایر چینائی در قرن هفتم میلادی راجع به غزنی اینطور مینویسد: «در غزنی چندین صد صومعه و ده ستوپه بودایی وجود داشت، یکی ازین ستوپه ها در سال ۱۹۶۲م کشف گردید که از نگاه آیین بودیزم بعد از بامیان خیلی اهمیت داشت. این ستوپه ها ثابت میسازد که شهر غزنی قبل از ورود اعراب وجود داشت و بنابرمقاومت در برابر اعراب در سال ۸۶۸

میلادی کاملاً تخریب شد، اما دوباره احیا گردید و بحیث یك شهر دفاعی از آن استفاده میشد و یك قرن بعد به صفت پایتخت امپراطوری محمود غزنوی قرار گرفت. درسال ۱۹٦٦م یك موزیم بخاطر گذاشتن آثار غزنی در آبده سلطان عبدالرازق ذر نظر گرفته شد. ساختمان تیموریها که به سال ۱۵۰۰ تعلق میگیرد نیز درینجا از جمله آثار تاریخی است که پارچه های مرمر، و آثاری که توسط گل سرخ پوشانیده شده و پخته شده در زمان مسعود سوم ارتباط دارد و از قصر مسعود بدست آمده است. نوشته هایی در روی مرمر بملاحظه میرسد که به قرن دوازده و شانزده تعلق دارد. قصر فیروزه غزنی، باغ بزرگ زمرد و باغهای زیادی غزنی را به یك شهرباغستان مبدل ساخته بود و گاه گاه محمود غزنوی میگفت که بغداد باید عظمت اسلامرا در غزنی مشاهده کند. بالاحصارغزنی هنوزهم از عظمت شهر حکایه میکند، مقبره سبکتگین، بهلول دانا، سنائی، حضرت شمس و صدها روحانی دیگر در غزنی وجود داردکه به غزنی عظمت و افتخار مذهبی نیز می بخشد. الی اخیر حکومت شیرعلیخان غزنی جزء ولایت کابل بود وبعد از سال ۱۳٤۱ بحیث یك ولایت جداگانه عرض وجود کرد.

تشکیلات اداری:

غزنی دارای واحدهای اداری آتیست:

۱- شهر غزنی مرکز ولایت

۲- ولسوالی بهرام شهید

۳- ولسوالی جغتو

٤- ولسوالی ناور

۵- ولسوالی اجرستان

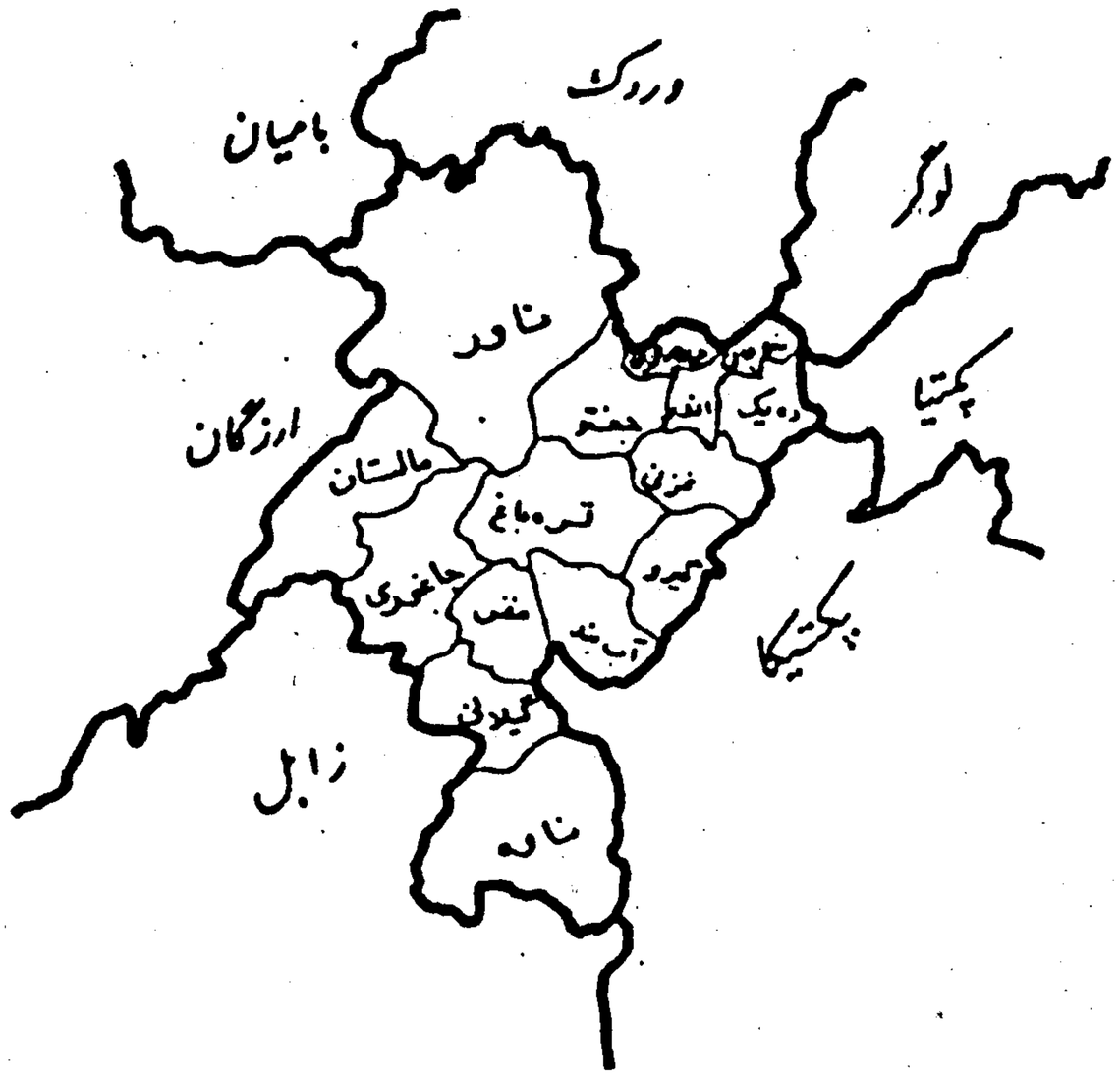
٦- ولسوالی جاغوری

۷- ولسوالی مالستان

۸- ولسوالی مقر

۹- علاقه داری گیلان

۱۰- ولسوالی ناوه



۱۱- علاقه داری آب بند
۱۲- علاقه داری گیرو
۱۳- ولسوالی قره باغ
۱٤- ولسوالی اندر
۱۵- علاقه داری ده یك
۱٦- علاقه داری زنه خان

اقلیم و آب و هوا:

اقلیم غزنی دارای آب و هوای کوهستانی و نیمه صحرائی است. دشت ناور در شمال غرب به ارتفاع ٤٥٥۹ متر و آب ایستاده غزنی در جنوب از لحاظ آب و هوا تفاوت زیاد دارد. در ناور برف هم سطح بامها فرود می آید. زمستان بسیار طولانی داشته باران در آنجا نمی بارد و بامهای آن بدون ناوه است. در ماه سنبله بدون بخاری گذاره نمی شود. در غزنی و آب ایستاده غزنی باران و برف میبارد. زمستان آن سرد و تابستان نیمه صحرائی و گرم دارد. بارندگی سالانه در غزنی به ۳۰۰ الی ٤۰۰ ملی متر میرسد. در درناور تابستان درجه حرارت به ۲۰ و ۲۵ درجه سانتی گرید و در زمستان به۲۰- الی۳۰- درجه سانتی گرید پائین میآید که خیلی سرد وغیر قابل تحمل است، امـا در شـهر غزنی با۲۰- درجـه سـردی هوا برفـهای دوامدار وضخیم میبارد.

کوه ها و دریاها:

کوه های غزنی عبارتند از قاده، باریك در شمال غرب، شنکی غر درجنوب و کوه جرکنه در جنوب شرق و سلسله های هندوکش در شمال دشت ناور، دریاچه سرد در جنوب شهر غزنی و دریای غزنی که از شهر غزنی میگذرد از دریاهای مهم غزنی میباشد. دشت ناورهم دارای آب بوده و آب ایستاده غزنی هم آبریزه دریای غزنی را تشکیل میدهد. بند سلطان و بند سرده در آبیاری غزنی رول مهم دارد.

نفوس:

نفوس غزنی در سال ۱۳۵۹ به (٦٦١٣٥١) نفر میرسید و در سال ۱۳۷۹ با افزایش ۲,۳ به (٩٦٥٥٧٢) نفر ارتقاء کرد. مساحت آن (۲۳۳۷۸) کیلومتر مربع و تراکم نفوس در هر کیلومتر مربع معادل (٤١) نفر است.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

غزنی دارای یك نشریه بنام سنائی، دارای لیسه ذکور و اناث و تعداد زیاد مکاتب ابتدائی میباشد. غزنی شهر علم دوست و سرزمین فرهنگ قدیمه میباشد. صنعت پوستین دوزی، پوستینچه با خامك دوزی، صنعت برنج (برونز) سازی آفتابه، لگن و پطنوسهای اعلی در غزنی رواج دارد و به بافتن گلیم نیز ماهر اند. در دشت ناور شکار باز و گرگ صورت میگیرد، اما در آب ایستاده غزنی اضافه تر از هفتاد و دو نوع برنده مقبول وجود دارد که گاه گاه مورد شکار هم قرار میگیرند. دشت ناور و آب ایستاده غزنی توقفگاه مهم پرندگان مهاجر است که حتی از سایبریا می آیند و به جنوب میروند اما جنگها آنها را نیز به خطر مواجه ساخته است. مردم آلوبخارا را خشك میکنند و به بازار عرضه میدارند. مالداری، زرع گندم، جو، جواری پیشه زارعین است. درقره باغ غزنی نیزه بازی و اسپ سواری از ورزشهای دلچسپ میباشد.

جاهای تاریخی:

قصر مسعود در حصه تپه سردار، بالاحصار غزنی، ستوپه بودیزم، دو مینار نیمه تخریب شده در نزدیکی قصر مسعود از وسعت بازار جواهر فروشی غزنویها نمایندگی میکند. مقبره سنائی، مقبره بهلول، مقبره سبکتگین، مقبره سلطان محمود غزنوی و بند سلطان در شمال غزنی که توسط سلطان محمود آباد شده از جمله جاهای مهم تاریخی این ولایت است.

پیداوار مهم:

در غزنی گندم، جو، جواری، آلوبخارا، انگور به وفرت پیدا میشود. تربیه اسپ در قره باغ غزنی و تربیه اشجار چنار، مالداری در دشت ناور و چراگاه های آب ایستاده غزنی ارزش خاصی دارد. از پوست گوسفند بهترین پوستین و پوستینچه میسازند، افزارخانه از فلز برنجی(برونز) مثلاً آفتابه، لگن، پطنوس و غیره خیلی به زیبائی در غزنی دستیاب میشود. نمد و سردوز از پشم تهیه میشود. پنیر و قیماق اعلی در غزنی وجود دارد. انواع مختلف طیور دردشت ناور و آب ایستاده غزنی به ملاحظه میرسد. معدنی درمجاورت مقبره محمود غزنوی درکنار تپه وجوددارد. دباغت پوست هم درغزنی صورت میگیرد. علاوه بر آن معادن نوع مرمر، آهن، و طلا درغزنی موجود است وآب های معـــدنی به پیـــمانه زیاد در ولایـــت غزنی سراغ شده میتواند.

منابع آبی:

دریای سرده و غزنی، آب ایستاده، بند سرده، بند پالتو، بند سلطان، بند یوسف خیل و بند زنه خان منابع مهم آبی را تشکیل میدهد.بند سرده به تنهائی ۳۱۵۰۰ اکر زمین را آبیاری می تواند. در وازه خواه و کتواز منابع آبی وجود دارد، چاه های عمیق حفر شده و اضافه تر از ۱۲۰ واتر پمپ از چاه های عمیق آب استخراج مینمایند که غرض آبیاری بکار میرود. در غزنی مجموعاً (۵۸۷۰۰۰)اکر زمین آبی و (۲۵۹۰۰۰)اکر زمین للمی وجود دارد.

سیستم مواصلات:

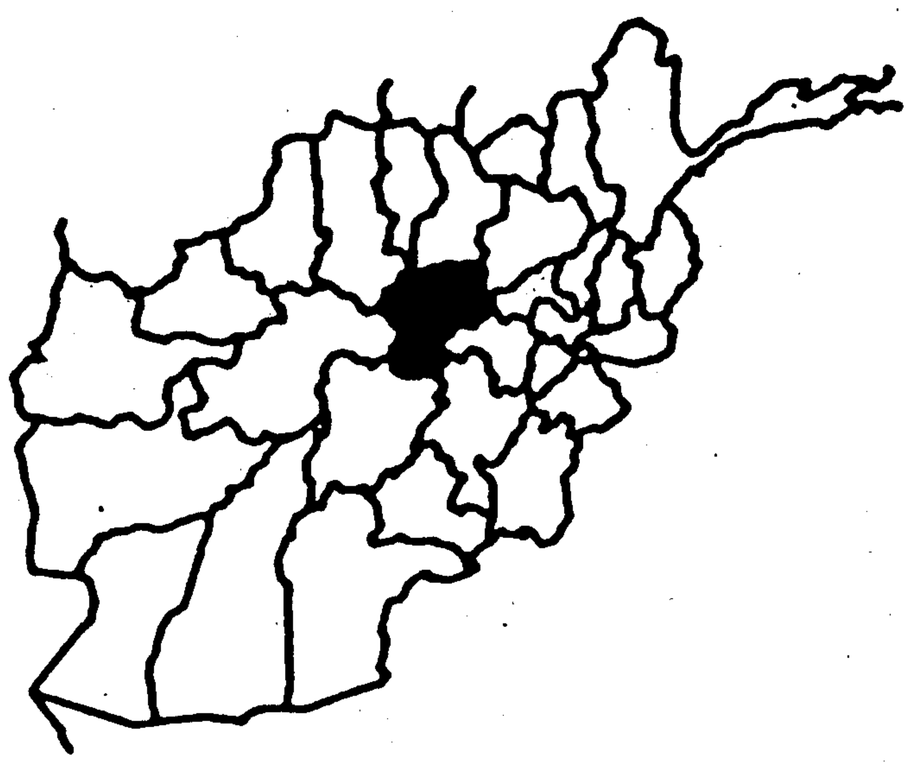
سرك مهم شاهراه کابل-کندهار از غزنی میگذرد اما در دیگر ولسوالیها سرك درجه دوم و سوم وجود دارد که موتر به مشکل میتواند حرکت نماید. تنها سرك کابل-کندهار درغزنی قیر شده است، اما دیگر سرك ها خامه و سنگ فرش است.

جنگلات:

بید، چنار، پنجه چنار، درخت های انبوه آلوبالو، آلوبخارا و بته های تاك در غزنی زیاد است و در مجموع (۱٤٥۰۰۰). زمین توسط این نوع جنگلات پوشیده شده است.

خسارات وارده‌ء جنگ:

خسارات وارده جنگ بر منطقه تا حدی چشم گیر است، بعض از مکاتب و قریه ها تخریب شده و شاهراه عمومي در مجاورت شهر تا حدودی صدمه دیده است، اما مثل دیگر ولایات صدمه جنگ آنقدر محسوس نیست.



ولایت بامیان

بامیان از جمله ولایات مرکزی افغانستان و غنی ترین ساحه تاریخی میباشد. یك تن از زایرین چینائی موسوم به فاهسین در (٤٠٠) میلادی بامیان را مشاهده کرده و اینطور مینویسد: «برف در تابستان و زمستان در قله های برافراشته آن دیده می شود. در بین کوه ها اژدهای زهرداری است، هرگاه بحرکت افتد برفباری های بسیار شدید را بار می آورد و طوفانهای ریگ و سنگ با آن یکجا میباشد. هیچکس توان مقاومت را در برابر این بلای مهلك نداشته محل را ترك میکنند.» دو قرن بعد سیاح و زایر دیگر چینی بنام هیوان تسنگ مشاهدات خود را اینطور ثبت کرده است: «درینجا گندم بهاری زرع میشود و برای حیوانات علفچر وجود دارد. اسپ های اعلی در اختیار مردم است و مردم آن متدین میباشند. در شمال شرق شهر بامیان مجسمه بودا به ارتفاع ۱۵۰ فوت ساخته شده است. چهره طلائی او بهر طرف درخشان بوده و تزئینات او چشم هر بیننده را خیره میساخت.» او اضافه میکند که شاهان کوشانی در قرن دوم و چارم میلادی این دو مجسمه را در صخره های دامن کوه حکاکی و تراش کردند. بودای خورد در لباس آبی تزئین شده بود و ۱۲۰ فوت ارتفاع دارد. بودای کلان در لباس زیبای سرخ ملبس بود و ۱۷۵ فوت بلندی قد آن میرسید. چهره های زیبا و پر درخشش هر دو بودا اضافه از ۷۰۰ سال بفاصله ۱۷ میل و اضافه تر از آن دره بامیان را تنویر کرده بود و زیبایی خاص به آنجا بخشیده بود. لباس بسیار زیبا داشته و دست های مزین با طلا و چهره جذاب این مجسمه ها در طلوع و غروب دست به دعا می شد و زایرین از نقاط دور دست هند بزیارت می آمدند و حینیکه در نزدیك شهر ضحاك میرسیدند زایرین در حالت خمیده و چشم های نیمه بسته به تعظیم، جانب مجسمه ها حرکت می کردند. وقتیکه در نزدیکی مجسمه ها میرسیدند آن

وقت جمعاً چشمها را باز میکردند و بودا را زیارت می نمودند. اگر یك زایر قبل از موقع چشم خود را به طرف بودا باز میکرد زیارت او مقبول واقع نمی شد. این مجسمه های زیبا در حمله چنگیز آسیب دید و دختر خوارزم شاه در برابر پدر دسیسه کرد و چنگیز را به قلعه شاهی راهنمائی نمود. چون نواسهء چنگیز خان به نام موتوجن پسر چفتای در بامیان کشته شده بود، امر داد تا هیچ موجودی، حتی نبات و حیوان را در بامیان زنده نگذارند. شهر بامیان بسیار وسیع و پرنفوس بود. همه را کشتند، تاراج کردند، بستند و بردند. قصر شاهی ویران شد و به خاکستر مبدل گردید که امروز بنام شهر غلغله یاد می شود. اطفال را از گاز در نوك سر نیزه می برداشتند و حتی موش و پشك بامیان را کشتند. مدخل محافظ شهر بامیان را شهر ضحاك تشکیل میداد که از احجار و سنگهای سرخ رنگ به بسیار محکمی ساخته شده است. دختر سلطان محمد خوارزمشاه را هم به قتل رسانید. او از خیانت و توطئه خود بهره گرفته نتوانست. روی مجسمه ها را در آن وقت خراب کردند، بعداً در زمان عبدالرحمن و سپس در سالهای اخیر این مجسمه ها کیفیت تاریخی خود را از دست داد. در اطراف بودا بیش از چارهزار صومعه و باشگاه زایرین بشکل مغاره های کوچك هم وجود دارد. شهر بامیان برای قرنها فراموش شد و به خرابه مبدل گردید. بالاخره امان الله خان در جستجوی اعمار آن برآمد و احیای مجدد ساختمانی مجسمه های بودا توسط باستان شناسان هندی آغاز گردید. هوتل بامیان بالای تپه مقابل ساخته شد تا تورست ها بخوبی علاقه بگیرند، علاوه بر آن یورت یا کپه های بود و باش گنبدی از چوب و نی اعمار گردید که جلب توجه تورست هاي خارجی را میکرد. در بامیان دره اژدر، بند امیر و کوه فولادی بسیار دلچسپ و قابل دیدن است. بندهای هفت گانه بند امیر به رنگ لاجوردی توجه هر بیننده را جلب میکند. بامیان الی ۱۳۴۳ به صفت ولایت علیحده شناخته نمی شد، بعداً در سال ۱۳۴۳ بنابر مزیت های تاریخی اش بحیث یك ولایت در چوکات اداری افغانستان تبارز کرد.

تشکیلات اداری:

بامیان دارای واحدهای اداری آتی میباشد:



۱- شهر بامیان مرکز ولایت
۲- علاقه داری شبر
۳- ولسوالی کهمرد
٤-ولسوالی یکاولنگ
٥- ولسوالی پنجاب
٦- ولسوالی ورس

اقلیم و آب و هوا:

بامیان دارای اقلیم کوهستانی است، منطقه برفگیر و سرد بوده، تابستان کوتاه و زمستان طولانی دارد. درهء بامیان سرد و نیمه صحرائی است، شهر بامیان از سطح بحر ۲۵۵۰ متر ارتفاع دارد و در قلب سلسله هندوکش واقع شده است. اطراف آنرا کوه های مرتفع و برفگیر احاطه کرده است. مقدار بارندگی در شهر بامیان در یك سال به ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلی متر اما در نقاط مرتفع آن به ٦۰۰ الی ۸۰۰ میلی متر افزایش می یابد. گرمترین ماه های تابستان دارای حرارت ۲۵ الی ۳۰ درجه سانتی گرید بوده در اطراف کوه های مرتفع آن به ٥+ درجه سانتی گرید میرسد. در زمستان هوای آن به (۱٥- و ۲۰-) درجه سانتی گرید پائین می افتد. به این اساس اقلیم نیمه صحرائی سرد کوهستانی را معرفی میکند.

نفوس:

قرار احصائیه رسمی دولت، بامیان در سال ۱۳٥۹ (۲۷٤٦۱۸) نفوس داشت و با افزایش ۲,۳ فیصد در سال ۱۳۷۹ نفوس آن معادل (٤۰۰۹٤۲) نفر می باشد. مساحت بامیان (۱۷٤۱٤) کیلومتر مربع بوده تراکم نفوس درهر کیلومتر مربع به (۲۳) نفر میرسد که اکثراً در کنار مزارع، و دریاها سکونت دارند.

کوه ها و دریاها:

در جنوب بامیان کوه بابا موقعیت دارد که قله بلند آن بنام شاه فولادی ۵۱۳۵ متر ارتفاع دارد. کوه یك رویه در شمال بند امیر و در اطراف بامیان سلسله های هندوکش غربی انرا به یك سطح مرتفع مبدل ساخته که با کوه های مرتفع محاط می باشد و کوتل های مهم آنرا با سایر ولایات وصل میسازد. مثلاً کوتل نیل در غرب، کوتل آبگردان و کوتل ملا یعقوب در جنوب، کوتل شهیدان و کوتل کرمو در غرب، کوتل حاجی گك، کوتل اونی و کوتل شبر در شرق ولایت. دریای بامیان از شهر بامیان میگذرد که داراي یك بند آبگردان هم می باشد و از آن در زراعت استفاده میکنند. بند امیر با هفت بند مختلف آن (بند غلامان، بند ذوالفقار، بند امیر، بند هیبت، بند پودینه، بند پنیر و بند جداسل) در غرب بامیان واقع شده، دره‌ء اژدر، دره فولادی، کرغنه تو، شهیدان، دره آجر، شبرتو، ضحاك و سرخ دره از ساختمان های مهم کوهستاني و دره های دلچسپ بامیان به حساب می آید.

وضع فرهنگی:

مردم بامیان به مالداری مهارت دارند، در تهیه قروت و پنیر، ساختن گلیم. نمد و نخ تابی توانائی خوبی دارند، اسپ را تربیه میکنند، خانه های قشلاقی و ایلاقی دارند، اکثراً خانه ها در بین دیوارهای کوه و تپه ها حفر شده است و اغلباً گنبدی میباشد. یك لیسه دارد و چندین مکتب ابتدائی. اما رفتن به مکتب برای اطفال بسیار پر مشقت است، زیرا اراضی نامساعد و ترانسپورت محدود میباشد. فارمهای باغ چنار زیاد دارند. و اراضی را مرتبه-مرتبه بشکل تراس می سازند تا بخوبی آبیاری شود. زمین زراعتی کم است، با آنهم گندم بهاری زرع میکنند. جواری نیز زرع میشود و کچالوی بامیان در افغانستان نظیر ندارد. پیاز کوه فولادی بسیار قوی و برای طول عمر اکثراً بکار می برند. روز بازار دارند، در روز بازار گلیم، نمد، حیوانات و مواد اولیه غذائی عرضه میشود، مردم مجبور اند احتیاجات زمستان خود را کاملاً تهیه کنند ورنه برفهای ضخیم مجال گشت و گذار را به آنها نمی دهد.

اماکن تاریخی:

شهر ضحاك، شهر غلغله، مجسمه های بودا، صومعه ها و مغاره های متعدد بودیزم در مجاورت بودا از آثار و ارزشهای برجسته تاریخی آن محل است که سیاحین و مؤرخین جهان بدیدن آن علاقمند هستند.

پیداوار مهم:

گندم به اندازه محدود، چوب چنار به پیمانهء زیاد، کچالو با کیفیت اعلی درینجا دستیاب میشود. فوسیلهای دوره های مختلف درین جا بطور شفاف هم بدست آمده است. معـــدن آهن حاجی گك شهرت زیاد دارد و بیـــرایت هم درینـــجا استحصال شده می تواند.

منابع آبی برای زراعت:

دریای بامیان و بند بامیان منبع خوب برای آبیاری است. در شبر، آب معدنی و چشمه سارهای زیاد است. آب معدنی در دره اژدر و چشمه های آب صاف در نشیبی هاي کوه بابا وافر است. از آب بند امیر هم استفاده زراعتی می شود و آب دره شکاري هم بغرض زراعت به کار میرود. علاوه بر آن درهر یك از دره ها و دامان کوه ها چشمه های طبیعی وجود دارد که مـــحل رهایـــش و سکـــونت مردم را در قشلاقها تشکـــیل میدهد. زمـــین آبی به (۱۱٦۰۰۰ اکر) و زمین للمی به (۳٤۰۰۰ اکر) میرسد.

سیستم مواصلات:

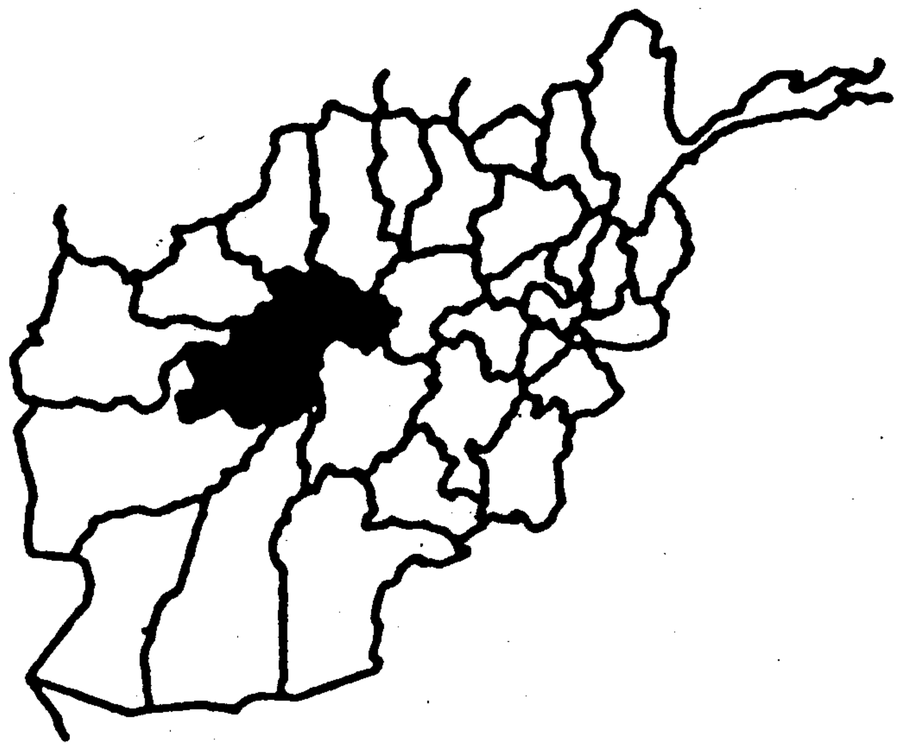
بامیان از طریق غوربند با شاهراه کابل مزارشریف وصل شده و هم از طریق حاجی گك و راه بند امیر به صفحات شمال ارتباط دارد و از طریق لعل به اروزگان، غور و هرات پیوست میگردد. لیکن در مجموع راههای آن قناعت بخش نیست و در نقاط دور دست ولایت مشکلات ترانسپورتی زیاد می باشد.

جنگلات:

در بامیان جنگلات چنار و پنجه چنار خیلی زیاد است و در کوه های مرتفع قسماً پاین و ناجو بملاحظه میرسد، اما جنگلات چنار عاید سرشار اقتصادی برای مردم محل دارد و در مجموع (۱۶۰۰۰ اکر) زمین را جنگلات احتوا می کند.

خسارات وارده‌ء جنگ:

خسارات وارده جنگ بر منطقه خیلی زیاد است، زیرا یکبار در زمان حکومت کمونست ها به بامیان حمله غیر انسانی صورت گرفت که خساره سر و مال آنها خیلی زیاد و جبران ناپذیر بود. در سالهای اخیر بنا بر جنگهای منطقوی، بامیان بار دیگر ویران شد. تعمیرات به آتش کشیده شد، و تعداد زیاد جوانان تلف گردیدند. قسماً وطن را ترك کردند و قسماً زیر خاك پناه گزین شدند و زنان، اطفال و پیرمردان حیات خود را از دست دادند.



ولایت غور

غور از جمله ولایات مرکزی افغانستان بوده، دارای تاریخ درخشان است. در قرن ۱۲ و ۱۳ میلادی سلاطین غوری در تیوره مرکز حکومت خویش را بنا نهادند و حکومت شان تا نیم قاره هند وسعت داشت. بر اساس داستانهاي محلی هنوز هم خزائن طلای غوریها در مغاره خورد کوه هاي مجاورتیوره پنهان گذاشته شده و گاه گاه زاغها آنرا اتفاقاً برداشته بالای محلات مسکونی فرو میریزند. داستان سیاه موی و جلالی هم در همین سرزمین اتفاق افتاده است. بند بایان که تقریباً اکثر حصه این ولایت را احتوا میکند سلسله به سلسله یکی عقب دیگر افتاده و در قلل و ارتفاعات آن برجهای مستحکم، حصارها و قلعه های دفاعی وجود دارد. معروف ترین حصار آن قلعه قیصر است که سلطان علاوالدین آنرا بنا نهاد ومیخواست مثل بالاحصارغزني با استحکامات زیاد آبادش سازد، اما تکمیل نشد. بعداً سلطان غیاث الدین در نزدیکی آن حصار دیگری بنام قلعه سنگی آباد کرد که در قرن (۱۲) مرکز پادشاهان غور محسوب میشد. در اثر حفریات اینطور معلوم مي شود که درنزدیکی فرمس به تعداد سي مینارہ میناتوری شده وجود داشت که در آنها از هنر کمال الدین بهزاد استفاده شده بود. درین جا تخت شاه، محل بود و باش عساکر، خانه ها، وموزیك عسکری ایجاد شده بود که ویرانه ها و خرابه هاي آن بوضاحت معلوم میشود. یگانه اثر آن مینار جام است که هنوز هم وجود دارد و تاریخ تهداب گذاری آن با قطب مینار در دهلی در یك روز صورت گرفته بود، زیرا آنجا هم در حیطه تصرف غوریهای آنوقت بود. غوریها با سلطنت محمود غزنوی در رقابت کامل قرار داشتند تا آنکه علاوالدین غزنه را به آتش کشید و اسم علاوالدین جهانسوز را گرفت. ولایت غور از زمان شیر علیخان الی سال ۱۳۴۳هـ.ش ولایت مستقل و علیحده نبود و بین ولایات فراه، میمنه، و هرات تقسیم گردیده بود اما بعد از سال ۱۳۴۳ هـ.ش بحیث ولایت جداگانه شناخته شد.

تشکیلات اداری:

ولایت غور دارای واحدهای اداری ذیل است:

۱- چغچران مرکز غور

۲- ولسوالی تولك

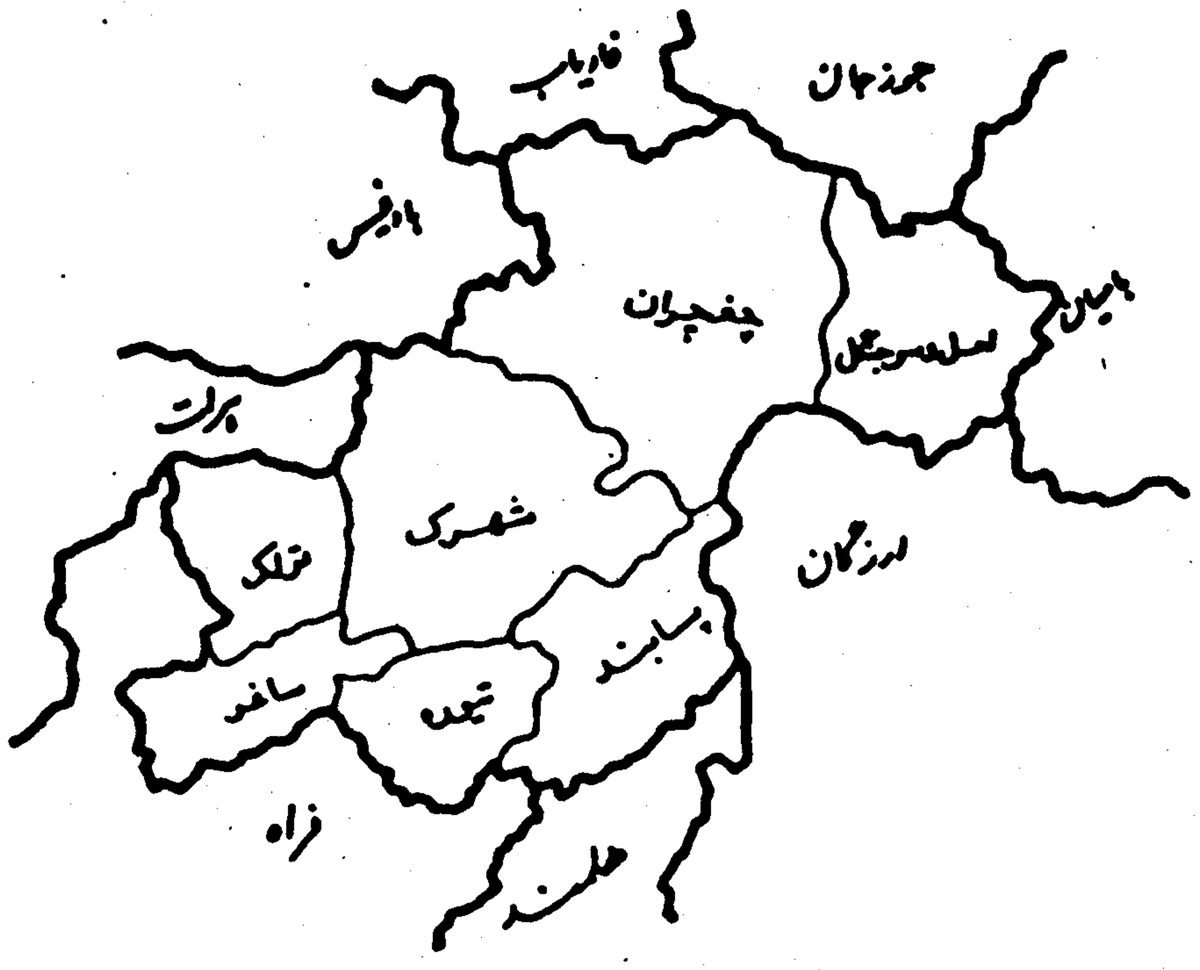
۳- ولسوالی شهرك

٤- علاقه داری ساغر

٥- ولسوالی تیوره

٦- ولسوالی پسابند

۷- ولسوالی لعل و سرجنگل



اقلیم و آب و هوا:

ولایت غور در سطح مرتفع مرکزی افغانستان قرار داشته اقلیم سرد کوهستانی دارد. بارندگی اکثراً به شکل برف های دامنه دار و شدید بوده زمستان آن طولانی و پرمشقت و ششماه سال یخبندان است. چغچران از سطح بحر ۲۲۳۰ متر ارتفاع دارد و دیگر نقاط آن مرتفع تر میباشد. بارندگی سالانه آن در چغچران از (۲۰۰ الی ۳۰۰) میلی متر تجاوز نمی کند که اوصاف نیمه صحرایی مناطق سرد را وانمود میسازد، اما در نقاط مرتفع مقدار بارندگی به (٦۰۰ الی ۱۰۰۰) میلی متر میرسد. حرارت اعظمی چغچران در تابستان به ۲۰ الی ۲٥ درجه سانتی گرید و در زمستان به (۱٥- الی ۲۰-) درجه پائین مي آید.

ساختمان اراضی:

سلسله کوه های مرتفع غور عبارتند از سفید کوه در شمال ولایت، بند بایان در جنوب، بند استرلای در شرق و سیاه کوه در جنوب غرب که ارتفاع آن در جنوب چغچران به ۳۷٤۹ متر میرسد. کوتل تلخاب (۲٦٤۰ متر) در غرب و کوتل کرمو در شرق غور موقعیت دارد. غور منبع دریای هریرود، دریای کال (مدیناو)، رود کاوگان، فراه رود و دریای مرغاب را تشکیل میدهد. دریای لعل و منبع اولی هریرود که از کوه بابا منبع میگیرد از شهر چغچران میگذرد و باعث شادابی منطقه می گردد.

نفوس:

ولایت غور با داشتن مساحت (۳۸٦٦٦) کیلومتر مربع اراضی در سال ۱۳۵۹ به تعداد (۳٤٥٦٥۷) نفر نفوس داشت، در سال ۱۳۷۹ نفوس آن به (٥۰٤٦٥۹) نفر میرسید که تراکم نفوس در هر کیلومتر مربع معادل به (۱۳) نفر میباشد.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

در غور فرهنگ باستانی خیلی برازنده است. به شکار کبك، خرگوش، غزال، صید ماهی و گرگ علاقه زیاد دارند. یك نوع سپورت و بازی محلی در آنجا رواج دارد که بنام (دره بازی) شهرت دارد، یك گروپ یکطرف و گروپ دیگر در مقابل به فاصله ۵۰۰ متر دورتر جابجا می شوند، و یکدیگر را بالنوبه به دره یا قمچین میزنند. در چغچران یك لیسه و یك مکتب حرفوی هم موجود است. اراضی غور خاك حاصلخیز ندارد، زمین قلبه میشود و صرف یك فصل زراعتی دارد و آنهم فصل کوتاه است. گندم، شرشم، باقلی، پیاز و کچالو از حاصلات مهم آنها محسوب میشود. زارعین در روی اراضی چپری میسازند تا وقتیکه حاصلات خود را جمع آوری کند.

اماکن تاریخی:

بند بایان، قلعه سنگی، سلطان غیاث الدین و قلعه علاوالدین جهانسوز و مینار جام از بقایای تاریخی و مهم غور به حساب می آید که مورد توجه باستان شناسان و تورست ها قرار دارد.

پیداوار مهم:

گندم، جو، کل جو، باقلی، کچالو و پیاز حاصلات مهم آنرا تشکیل میدهد. مس در نالبندان (نعلبندان)، زینك(جست) و نمك در غورموجود است که بطور فنی تا حال مورد استخراج قرار نگرفته است.

منابع آبی برای زراعت:

یگانه منبع آبی برای زراعت دریای چغچران و حصه علیای دریای هریرود است که بحد اعظمی از آن استفاده میشود. در متباقی ساحات غور مثلاً در ساغر وتیوره از آب دریای فراه رود استفاده میکنند و هم از معاونین دریای هلمند و سرچشمه های دریای مرغاب در سرسبزی و شادابی ولایت کار میگیرند. در غور (۳٦٤۰۰۰ اکر) زمین آبی و (٤۹۲۰۰۰ اکر) زمین للمی وجود دارد که توسط زارعین استفاده میشود.

سیستم مواصلات:

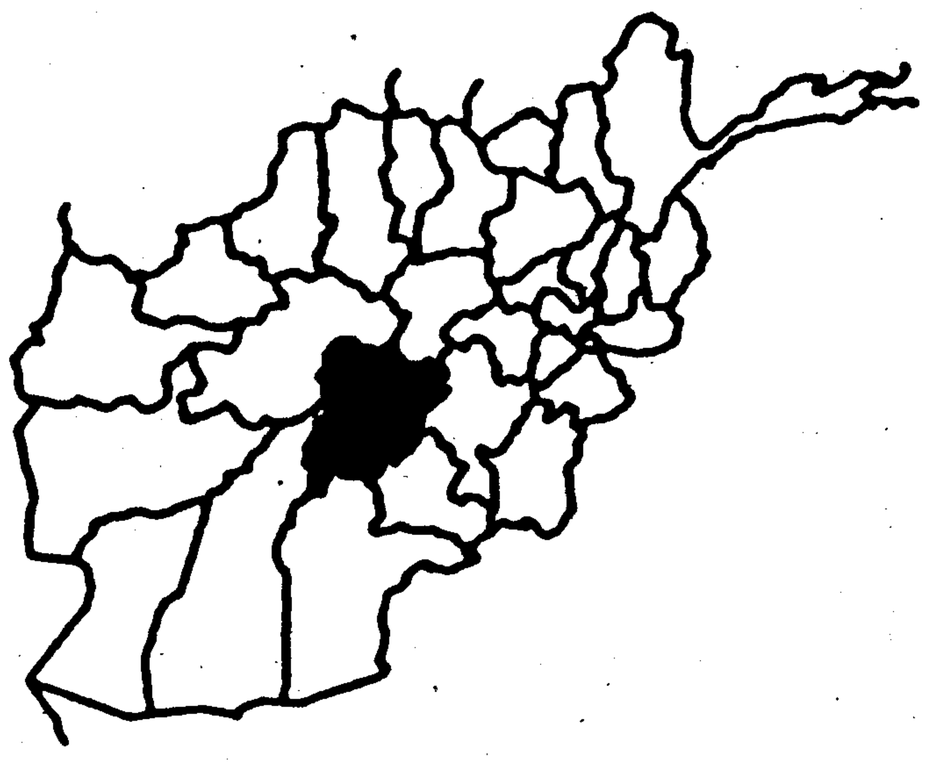
وضع مواصلات در ولایت غور قناعت بخش نیست، قرار بود که غور با لعل و سرجنگل، کابل و هرات مستقیماً وصل گردد اما این پروژه عملی شده نتوانست. راه هاي درجه سوم درین ولایت وجود دارد که مرکز آنرا به ولسوالیها و ولایات مجاور وصل میکند. راه های کاروان کوچی ها درینجا بخوبی انکشاف کرده زیرا در تابستان مواشی خود را به چراگاه های غورمی آورند. مثلاً از راه سیاه کوه و دیگر جاها به سیاه بند می آیند. کوچی های میمنه از شمال می آیند، کوچی هاي کندهار از راه جنوب و گروپ سوم کوچی ها از طرف شرق وارد غور میشوند و تابستان خود را درین چراگاه ها سپری میکنند.

جنگلات:

در غور جنگلات برگریز کوهستانی، خاصتاً چنار و پنجه چنار خیلی زیاد است که امروز تجارت مهم غور را چوب پنجه چنار و چنارتشکیل میدهد، ناجو و چارمغز هم به وفرت وجـود دارد و مجمـوعاً (۱۱۲۲۰۰) جریب زمـین را جـنگلات آن احترا میکند.

خسارات وارده‌ء جنگ:

خسارات وارده جنگ بر منطقه آن قدر زیاد محسوس نمیباشد، اما یك تعداد ملاکین و اشخاص متنفذ خانه های خود را ترك کرده اند، قسماً زمین های زراعتي و علفچرها ماین گذاری شده که تردد مالداران و کوچی ها را مشکل میسازد و مکاتب نیمه فعال میباشد.



ولایت اروزگان

ولایت اروزگان از جمـــلهء ولایات مرکزی قدری بجنوب متمایل بوده، از زمان امیر شیر علیخان الی ۱۳٤۳هـ .ش جزء ولایت کابل، بامیان، غور و کندهار بود. در سال ۱۳٤۳هـ.ش حصه یی ازهر یك ولایات مجاور گرفته شد و بنام اروزگان ولایت علیحده را بوجود آورد. بناءً تاریخ و فرهنگ ولایات مجاور به آن نفوذ داشته و بطورمشترك تاریخ آن با ولایات مجاورارتباط میگیرد. شیخ میران، شهرستان و دایکندی با غزنی و بامیان کجران با غور، چوره، ترینکوت، دهراودو نیش با کندهار از لحاظ زبان و عرف و عادات شباهت دارند.

تشکیلات اداری:

واحدهای اداری ذیل در ولایت اروزگان جا دارد:

۱-ترینکوت مرکز ولایت

۲- ولسوالی چوره

۳-ولسوالی خاص اروزگان

٤- ولسوالی گزاب

۵- ولسوالی شهرستان

٦-ولسوالی دایکندی

۷- ولسوالی کجران

۸- ولسوالی شهید خاص

۹- ولسوالی دهراود

۱۰- علاقه داری نیش



اقلیم و آب و هوا:

نواحی شمال اروزگان سرد و کوهستانی و خیلی برفگیر است، تنها در حصه نیش و دهراود هوا نسبتاً معتدل میباشد. ترینکوت (۱۳۵۰) متر از سطح بحر مرتفع است، اقلیم سرد و نیمه صحرائی را داراست. بارندگی سالانه در ترینکوت از (۲۰۰ میلی متر) به ٤۰۰ میلی متر در نقاط مرتفع دایکندی ازدیاد می یابد. چون نشیبی هاي جنوبی کمتر از بارندگی مستفید می شود اما برفباری زمستان خیلی شدید و سرد میباشد. گرمی هوا در تابستان به ۲۵ الی ۳۰ درجه سانتی گرید و درنقاط مرتفع کوهستانی به ۱۵+ و ۲۰+ درجه ثبت شده است، لیکن در زمستان بین (۱۰- و ۲۰-) درجه سانتی گرید در تحول است. برفباری های زمستان طولانی و فصل زمستان آن از پنجماه بیشتر است. مردم مجبور اند که احتیاجات زمستان خود را کاملاً تهیه کنند ورنه به مشکلات مواجه میشوند.

ساختمان اراضی:

کوه هاي اروزگان را بند خاکباد، شیروغر، کافرجر، کوه طوس و کوه نیلو تشکیل میدهد که ارتفاع اعظمی آن به ٤۸۰۳ متر میرسد، کوتل پاچ از راه تنگی دره، نور به ترینکوت ارتباط دارد. دریاهای آن عبارتند از تیری رود که از ترینکوت میگذرد و معاون دریای هلمند است. سایر معاونین دریای هلمند از قبیل رود اجرستان، رود خوردك، و کجرود اراضی اروزگان را شاداب میسازد و بند کجکی در جنوب غرب آن موقعیت دارد اما دریای اصلی را دریای هلمند تشکیل میدهد که از وسط اروزگان میگذرد.

نفوس:

اروزگان در سال ۱۳۵۹ دارای (٤٥٤۲٤٥) نفر نفوس بود و در سال ۱۳۷۹ با افزودن ۲.۳ فیصد، نفوس آن ٦٦۳۱۹۷ نفر میرسد. مساحت اروزگان معادل (۲۹۲۹٥) کیلومتر مربع و تراکم نفوس در هر کیلومترمربع (۲۲) نفر میباشد.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

وضع فرهنگی شهرستان و دایکندی مثل مردم هزاره جات بوده به مالداری، بافتن گلیم و نمد علاقمندی دارند. و در جنوب ساحه دهراود مردم مالدار بوده با کندهار و هلمند آمیزش فرهنگی بیشتر دارند. صید ماهی، شکار خرگوش و کبك هم درینجا صورت میگیرد. زرع گندم بهاری، جو، جواری و ارزن در آنجا رواج دارد، اما خاك مساعد و اراضی هموار که کفایت مردم را کند موجود نبوده اکثراً مواد اولیه خود را از ولایات مجاور تهیه میکنند.

جاهای تاریخی:

جاهای تاریخی درین ولایت نسبتاً مورد توجه قرار نگرفته و حفریات باستانشناسی هم بعمل نیامده است اما در شهرستان احتمال موجودیت مراکز تاریخی وجود دارد.

پیداوار مهم:

مالداری و تربیه گوسفند درین ولایت رواج دارد. گندم، ارزن، جو و جواری زرع میشود، آلوبخارا، چارمغز، انار، بادام، و هنگ هم از جمله تولیدات آن بحساب میرود. در اروزگان معادن مس، سرب، زینك، فلورایت، آهن و طلا نیز وجود دارد که کندلیان، دره نور، قلعه اسد و گزاب درینمورد معروف بوده آبهای معدنی نوع کاروبونیت و نتریك نیز درین ولایت زیاد است.

منابع آبی:

منابع آبی برای زراعت عبارت از دریای هلمند و معاونین آنست که از شمال شرق به استقامت جنوب غرب به جریان افتیده ومعاونین آن در سراسر ولایت باعث شادابی آن میگردد. کاریزهای طبیعی در دامان کوه وجود دارد. اما مشکل اروزگان دراینست که خاك مساعد ندارد و اقلیم سرد کوهستانی آنرا تهدید میکند. اراضی که آبیاری میشود معادل (۶۳۳۰۰۰ اکر) و اراضی للمی آن به (۲۲۰۰۰ اکر) میرسد.

سیستم مواصلات:

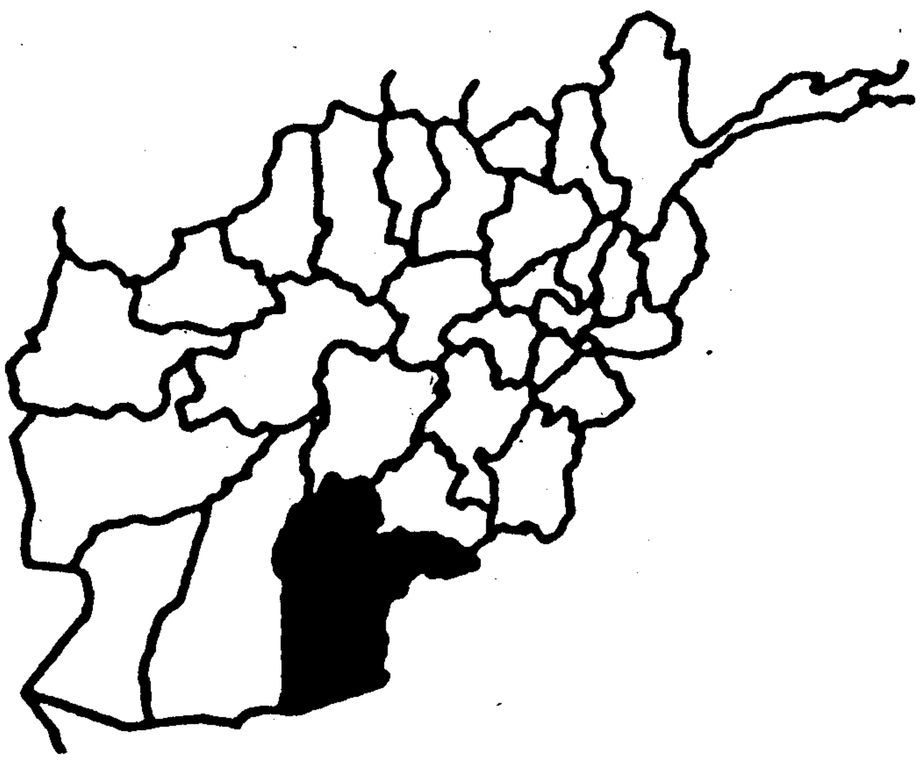
شهر ترینکوت توسط یك راه درجه دوم به کندهار وصل شده، متباقی ولسوالی های آن توسط راه هاي درجه سوم و نسبتاً نامساعد به مرکز وصل گردیده است که آنقدر قناعت بخش نمیباشد. اگر چه ولسوالی های آن میدانهای هوایی محلی دارد اما در موسم زمستان آنهم مورد استفاده قرار گرفته نمیتواند. اکثراً توسط اسپ و قاطر محموله خود را انتقال میدهند، و درنقاط دوردست مشکلات ترانسپورتی خیلی زیاد است.

جنگلات:

جنگلات منطقه نیمه صحرائی از قبیل بید، چنار، پنجه چنار و بته های نیمه درختی آلو و اشجار نوع چارمغز، و بادام در اروزگان میروید. ساحات جنگلی آن در حدود (۳۹۰۲۰۰) جریب زمین بوده، اما اکثریت اراضی آنرا علفچر کوچی ها و مالدارها تشکیل میدهد.

خسارات وارده‌ء جنگ:

خسارات وارده جنگ درین منطقه قسماً به مرکز ولایت وارد آمد، اما در اثر فشار و عدم امنیت اکثریت ملاکین ترك محل کردند. دره نور برای مدتی مسدود شد که دوباره باز گردید، و مکاتب رو به سقوط است، زیرا معلمین کمتر وجود دارد و شاگردان هم به کارهای فامیلی در جستجوی غذا میباشند.



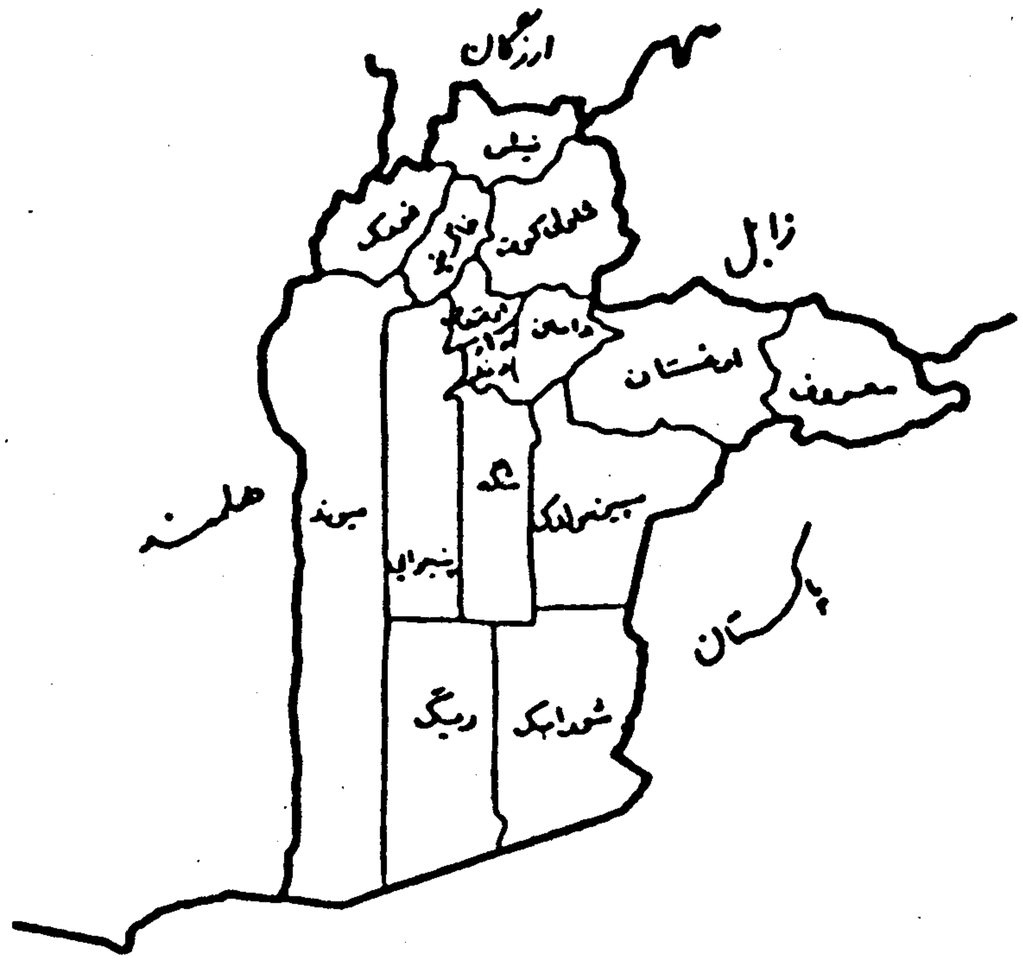
ولایت کندهار

کندهار در جنوب غرب کشور موقعیت داشته از جمله مراکز بزرگ تاریخی افغانستان بحساب می آید. مرکز بزرگ حفریات تاریخی مندی گك در ۲۰ کیلومتري قندهار موقعیت دارد که نظر به حفریات باستان شناسی به دوره برنج و مفرغ ارتباط میگیرد. بنابر آن بین سالهای ۱۰۰۰ و ۳۰۰۰ قبل از میلاد سیاحین وادی سند، ایران و بین النهرین ازین مرکز تاریخی عبور و مرور می کردند. مردمان کوچی از هرات، باختر و سیستان ازین راه تاریخی میگذرند. در کتاب اوستا این حوزه بنام هراوارتی یاد شده و اسم اراکوزیا هم بآن اطلاق شده است. و درابتدای مرحله اینجا سرزمین زراعتی بود. قندهار وقتی به شهرت خودنایل آمد که در سال ۱۷٤۷ میلادی احمدشاه درانی به صفت پادشاه این منطقه شناخته شد. در مرکز شهر آبده میوند وجود دارد که در سال ۱۸۷۱ اعمار شد. خرقه شریف از بخارا درین شهر توسط احمد شاه بابا انتقال داده شد، مقبره میرویس، مقبره احمدشاه بابا درین شهر جا دارد و چهل زینه کندهار در دامان کوه ارزش تاریخی دارد و در رواق آخرین حصه چهل زینه یادداشت بابرشاه در سنگ حك شده است. کندهار رامیرویس خان در سال ۱۷۰۸ میلادی به صفت مرکز حکومت خود اعلام کرد که درکوکاران موقعیت داشت و از شهر موجود کندهار آنقدر بعید نیست. ناگفته نباید گذاشت که سکندر کبیر اراکوزیا را در کندهار به حیث اسکندریه یا قلعه مستحکم نظامی و دفاعی اعمار کرد و برعظمت و حیثیت آن افزود.

تشکیلات اداری:

ولایت کندهار دارای ٤٧٦٧٦ کیلومتر مربع اراضی بوده و دارای این واحدهاي اداري است:

۱- شهر کندهار مرکز ولایت
۲- ولسوالی دامان
۳-ولسوالی شاه ولی کوت
٤- ولسوالی ارغنداب
٥- علاقه داری غورك
٦- ولسوالی میوند
۷- ولسوالی پنجوایی
۸- علاقه داری ریگ
۹- ولسوالی شورابك
۱۰-ولسوالی سپین بولدك
۱۱-ولسوالی ارغستان
۱۲- ولسوالی معروف
۱۳- ولسوالی خاکریز



این ولسوالیها درموقعیت خوب اراضی یا کنار دریاها در جاهاي حاصل خیز جابجا گردیده است زیرا حصه زیاد ولایت کندهار را ریگستان تشکیل میدهد.

اقلیم و آب و هوا :

کندهار دارای اقلیم تحت استوایی بوده موجودیت ریگستان بزرگ شورابك و سوریگ در جنوب این ولایت خصوصیات صحرائی ونیمه صحرائی را به آن میبخشد. در جائیکه کوه های شین غر و کافرجر موقعیت دارد و دریای ارغنداب از نشیبی های جنوبی آن عبور میکند هوا را معتدل می سازد. ولسوالی های دند، پنجوایی، میوند، ارغنداب و شگه (ریگ) دارای آب و هواي معتدل و گوارا میباشد. در بهار و تابستان هوای مرطوب دارد، زمستان آن نسبتاً معتدل و تابستان گرم دارد. حرارت

گرمترین ماه های سال به (۳۰+) درجه سانتی گرید، حد وسطی آن به (۱۹+) درجه و حد اصغری حرارت به(۵ c°) تنزیل میبابد ومقدار بارندگی سالانه بین ۲۰۰ الی۳۰۰ میلی متر بوده، اما درساحه ریگستانی از۸۰ میلی متر کمتر میباشد.

ساختمان اراضی:

کندهار از سطح بحر ۱۰۱۰ متر ارتفاع دارد. در سمت شمال کندهار کوه هاي شین غر به ارتفاع ۲۸۲۹ متر و در حصه شهر صفا ۲۱۷۰ متر و در ساحه پنجوایی به ۱۰۰۰ متر میرسد، تپه های ریگی سورریك و شورابك به ارتفاع ۱۰۳۵ متر میرسد. ساحه ریگستانی آن خیلی وسیع و اراضی هموار آن خیلی کم است. دریای ارغنداب از شمال کندهار و دریای ترنك از جنوب آن میگذرد. دریای ارغستان از سورغر منبع گرفته از جنوب دریای ترنك عبور می کند. دریای کدنی از شمال سپین بولدك گذشته به دریای ارغستان وصل شده بنام دوری هم مسما میگردد. دریاچه کشك نخود از شمال میوند گذشته تماماً به استقامت لشکرگاه به جریان مي افتند و از معاونین دریای هلمند محسوب میشود. بند دهله در شمال شرق شاه ولی کوت در امتداد دریای ارغنداب اعمار شده و برای آبیاری زراعتی بکار برده میشود.

نفوس:

کندهار در سال ۱۳۵۹ به (۵۸۲۳٦۵) نفر میرسید و با افزایش ۲.۳ فیصد در سال ۱۳۷۹ به (۸۵۰۲۵۲) نفر میرسید که اکثراً در امتداد دریاها و نشیبی های دامان جنوبی شین غر سکونت دارند، با داشتن مساحه (٤۷٦۷٦) کیلومتر مربع تراکم نفوس در هر کیلومترمربع به (۱۷) نفرمیرسد، اما ساحات ریگستانی آن عاری از نفوس است بنـــابر آن در اراضـــی هـــموار کنار دریاها تراکم نفوس به ۳۰ نفر افزایش می یابد.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی :

کندهار دارای مناسبات عالی اجتماعی است. فامیل ها تمام مطالب را توسط ریش سفیدان حل و فصل میکنند. پدر به حیث رئیس فامیل در مناسبات حسنه فامیل توجه دارد. کندهار دارای یك پوهنتون، لیسه، دارالمعلمین و مکاتب ابتدائی و

دهاتی میباشد. روزنامه طلوع افغان که به زبان پشتو نشر میشود خواننده زیاد دارد، رادیو و تلویزیون و سیستم مخابراتی آن برای ضرورت مردم فعالیت دارد. مردم بیشترعلاقمند زندگی در شهر اند، از چهل زینه کندهار مردم همه وقت دیدن میکنند وتورست ها بسیارعلاقمند دیدن این پدیده تاریخی اند. به همین ترتیب از خرقه مبارکه حضرت محمد(ص) که در آنجا قرار دارد مردم بزیارت می آیند. به همین ترتیب از مقبره احمدشاه بابا و میرویس نیکه بحیث زیارت استفاده میکنند و مسجد موی مبارك در نزدیك چارسوق هم ازاهمیت زیاد برخوردار است.

اماکن تاریخی:

کندهار از لحاظ آثار تاریخی بسیار غنی است: از آنجمله چهل زینه کندهار که درعصرمغل آباد شده است، خرقه مبارکه حضرت محمد صلی الله علیه وسلم، خرابه های تاریخی مندی گك در شرق خاکریز که بقایای قبل از تاریخ است. خرابه هایی در حصه ارغنداب که آثار قبل از اسلام در آنجا بدست آمده، تپه ده موراسی و شمشیرغار که آثار آن به دوره های قبل التاریخ و قبل از اسلام میرسد. علاوه بر آن در کندهار مقبره بابا ولی و قلعه کابلشاه، مقبره احمدشاه بابا و بالاحصار کهنه آن از جاهای مهم تاریخی آن محسوب میشود.

پیداوار مهم:

پیداوار مهم کندهار را انار و انگور تشکیل میدهد. انار کندهار بسیار معروف و مشهور است. بسیاری از انار کندهار به قطر شانزده سانتی متر می باشد که بداخل و خارج صادر میشود. از صادرات انگور هم عاید زیاد دارند. انگور را به طور کشمش و آبجوش خشك می کنند که بسیار شهرت دارد، اراضی هموار کندهار درمجموع حیثیت یك باغ سرسبز را داراست. گندم، جواری هم در آنجا زرع میشود. تربیه مالداری در جنوب و نواحی کوهستانی آن صورت میگیرد، فابریکه پشمینه بافی کندهار و سیلوی آن نیز معروف است. از میوه کندهار بسته های کانزرو نیز تهیه کرده بخارج صادر میکنند. انجیر کندهار در منطقه شهرت خاص دارد. آب میوه نیز پروسس و تهیه میشود و با مارك شرکت میوه کندهار به سایر ولایات صادر میگردد. فابریکه پشمینه بافی، کشمش پاکی، شرکت میوه پشتون و فابریکه یخ سازی نیز در آنجا وجود دارد.

منابع آبی:

منابع آبی به منظور زراعت ازهمه مهمتر بند دهله است. دریای ارغنداب، ارغستان، دور، و دریاچه کشك نخود بهترین منابع آبی را برای باغداران و زارعین تشکیل میدهد. اراضی زراعتی آبی در حدود (۵۹۰۰۰) اکر و للمی (۱۹۸۰۰۰ اکر) می باشد.

سیستم مواصلاتی:

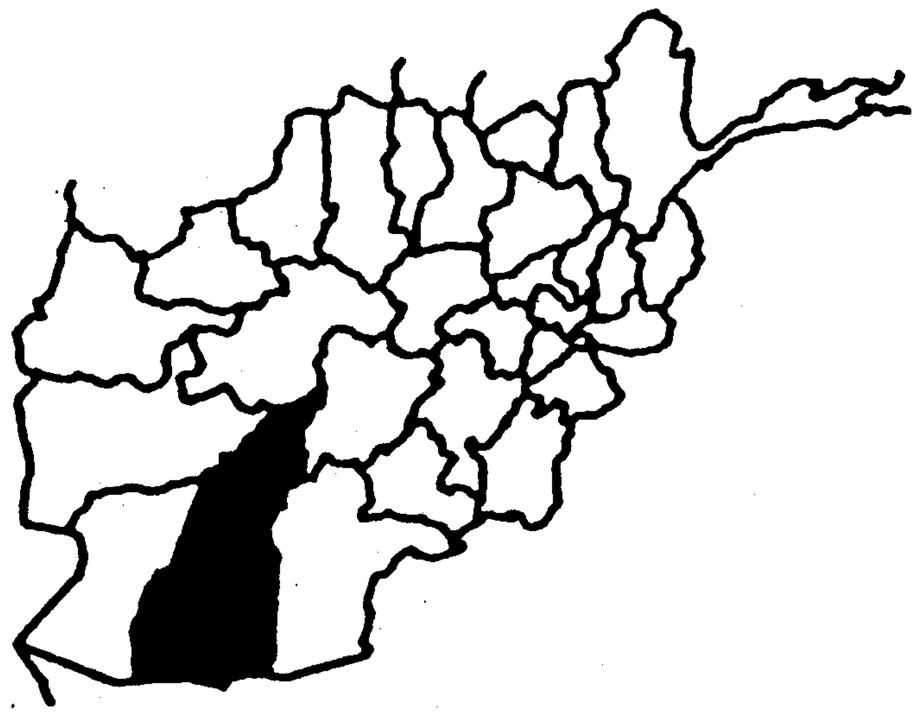
کندهار در بین شاهراه تجارتی کابل-هرات قرار دارد که مال التجاره، آن بخوبی از هرات و کابل باربندی شده میتواند. و راه نزدیك با سپین بولدك دارد که فاصله آن به ۱۱۰ کیلومتر میرسد. میدان بین المللی هوایی کندهار نیز بر سیستم مواصلات آن ولایت کمك قابل ملاحظه مینماید.

جنگلات:

در کندهارجنگلات برگریز و سرسبز هر دو وجود دارد. ساحه آن در دامان کوهستانی و اراضی هموار به ۲۸۰۰۰ جریب میرسد، چون زمستان کندهار نسبتاً معتدل است از چوب آن به غرض محروقات استفاده میشود، بناءً از قطع جنگلات صرف نظرمی کنند.

خسارات وارده، جنگ:

خسارات وارده جنگ بر کندهارهم اثرات ناگوار خود را وارد کرده است. شهر کندهار قسماً ویران گردیده سینما و حصه چوك و شهر جدید کندهار کاملاً تخریب شده و راه ها و پلها و پل چك ها قسماً از بین رفته و سرك های اسفلت شده به خرابه مبدل گردیده است. موجودیت ماین در زمین های زراعتی، کانالها و باغستان ها خطر بزرگ برای مردم محسوب میشود.



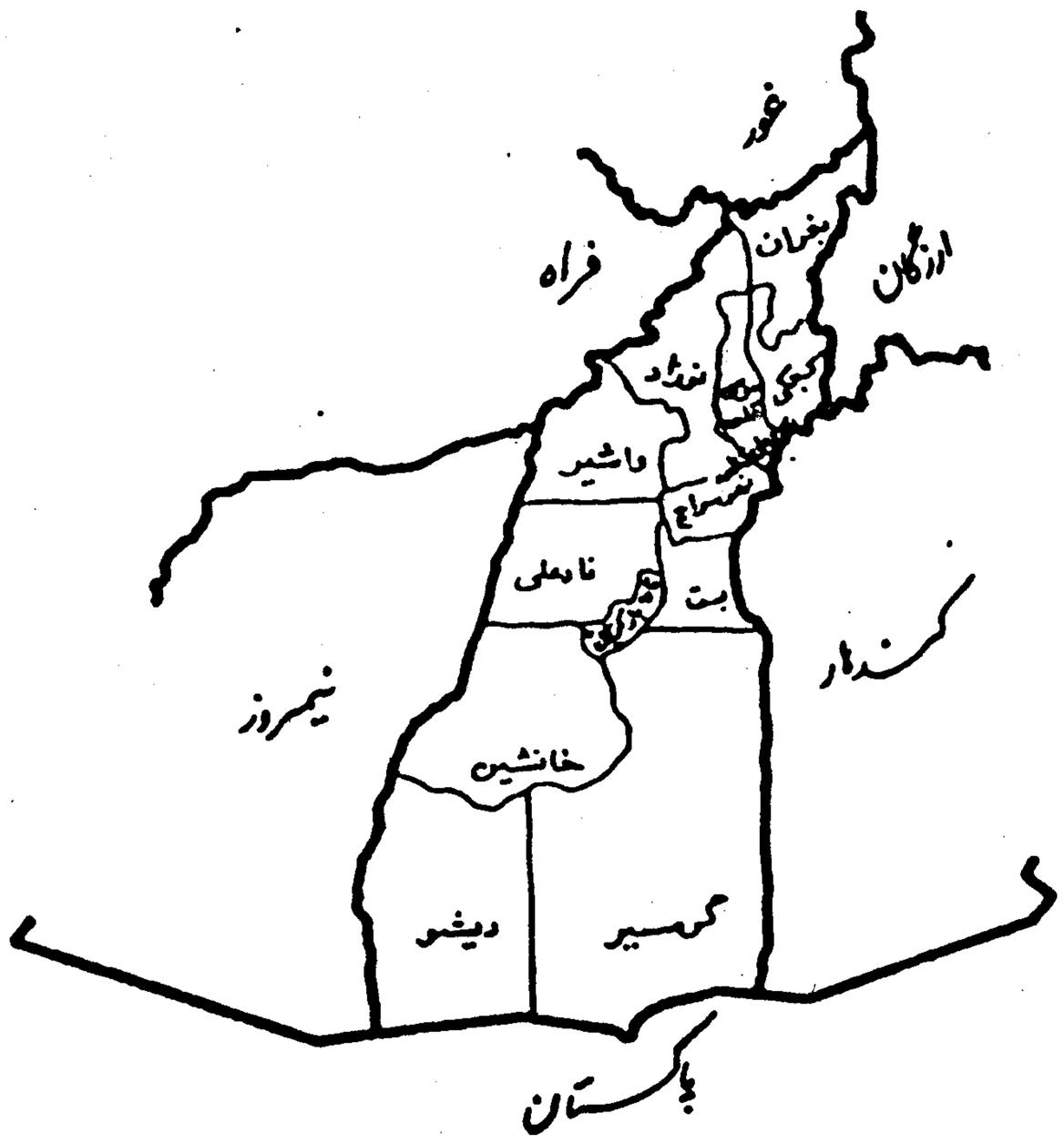
ولایت هلمند

هلمند در اوستا بنام هیتومند یاد شده است. این سرزمین کهن، تاریخ ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد را داراست. سیستم آبیاری عالی آنوقت آن تا حال مجدداً احیا نشده است. بست از شهرهای مهم ودفاعی آن بود که محمود غزنوی آنرا آباد کرد و رواق بست تا حال نمایانگر افتخار آنوقت است. در بست قصر شاهی وجود داشت کهٔ بعد ازغزنی دومین پایخت غزنویها را تشکیل میداد. بعداً در مجاورت بست شهر نظامی ساخته شد که تا حال بنام لشکرگاه یاد میشود. علاوالدین جهانسوز بعد از آنکه غزنی را آتش زد، به شهر بست نیز حمله کرد و آنرا به خاکستر یکسان ساخت. اعراب موقعیکه زرنج را از بین بردند شهر بست درآن منطقه باز هم به عظمت خود وجود داشت. زیرا سکندر درینجا حصار مستحکم آباد کرده بود. بعداً چنگیز آنرا بخاك برابر کرد و تیمور لنگ به تعقیب آن بست را به خرابه مبدل ساخت. بعد از مدت زمان زیادی امیر حبیب الله خان(سراج الملة والدین) در اعمار و سرسبزی آنجا کوشید و نهرسراج را حفر و بغرض آبیاری از آن استفاده شد که از همین سبب بنام نهر سراج یاد میشود. اما هلمند به هیچگونه برابر به انکشاف اولی خود نایل شده نتوانست، اگرچه در زمان محمدظاهرشاه پروژه وادی هلمند با سرمایه سرشاری بکار آغاز کرد. لیکن طوریکه در نظر بود بدرجه اعتلای خود نایل می آمد، زمان به او یاری نکرد.

تشکیلات اداری:

ولایت هلمند سومین ولایت بزرگ افغانستان است و دارای تشکیلات اداری ذیل میباشد:

۱-لشکرگاه مرکزولایت
۲- ولسوالی نهر سراج در گرشك
۳- ولسوالی کجکی
٤- ولسوالی موسی قلعه
٥- ولسوالی باغران
٦- ولسوالی نوزاد
۷- علاقه داری واشیر
۸- ولسوالی نادعلی
۹-ولسوالی ناوه بارکزی
۱۰- علاقه داری خانشین (ریگ)
۱۱- ولسوالی دیشو
۱۲- ولسوالی گرمسیر



اقلیم و آب و هوا:

بنابر موجودیت ریگستان بزرگ، ریگستان ملك دوکند، گرمسیر، دشت مارگو و سورریگ آب و هوای هلمند کاملاً صحرائی بوده و در شمال بنابر موجودیت کوه ها به نیمه صحرائی مبدل میشود. بست از سطح بحر ۷۸۰ متر بلند است. بادهای ۱۲۰ روز هرات آنجا را نیز متأثر میسازد. مقدار بارندگی در بست بین ٥۰ الی ۱۰۰ میلی متر بوده اما در انتهای شمال ولایت که ساحه کوهستانی است به ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلی مترمیرسد. حد اعظمی حرارت در دیشو و بست بین ۳۰ و ٤۰ درجه سانتي گرید و در نقاط کوهستانی آن به ۲۰ الی ۲٥ درجه ثبت شده است. در زمستان سردی هوا به ٥+ درجه در بست و دیشو به (صفر الی ۲-) درجه در نقاط باغران میرسد. برفباری در بست وجود ندارد و زمستان آن معتدل و گوارا و تابستان گرم و سوزان دارد.

ساختمان اراضی:

کوه ها و دریاهای هلمند سرزمین نسبتاً هموار را تشکیل میدهد، وجود ریگستانهای زیاد مثل دشت شمینار، دشت بخیل، ریگستان ملك دوکند و دشت شاه اسمعیل و ریگستان بزرگ، تپه های ریگستانی را معرفی میکند. کوه چگاهی در انتهای جنوب و کوه های مالمند در شمال آنقدر بالای هوای بست تأثیر ندارد. دریای موسی قلعه، دریای هلمند و دریای ارغنداب منبع بزرگ آب ولایت را تشکیل میدهد. بند کجکی و بند بغرا ذخایر بزرگ آب آن میباشد که بالای دریای هلمند اعمار شده است. بند کجکی ۶۰۰۰۰ کیلوات برق فی ساعت تولید مي نماید که الی ۱۰۰۰۰۰ کیلوات فی ساعت تولید آن بالا برده شده میتواند. کانالهای نادعلی، مارجه و درویشان از جمله پروژه های آبیاری است که به منظور زراعت بکار برده می شود.

نفوس:

ولایت هلمند در سال ۱۳۵۹ دارای (۵۲۹۴۴۴) نفوس بود و با افزایش ۲,۳ فیصد نفوس آن در سال ۱۳۷۹ به (۷۷۲۹۸۸) نفر میرسید. مساحت ولایت (۶۱۸۲۹) کیلومتر مربع بوده که تراکم نفوس آن درهر کیلومتر مربع (۱۲,۵) نفر محاسبه میشود.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

وضع فرهنگی در ارتباط با محیط زیست و ارتباط مردم شکل میگیرد. در هلمند هوای بسیار گرم سبب شده که مردم خانه های خود را گنبدی و از گل بسازند تا از هوای گرم مصئون باشند. در ترانسپورت دشت و صحرا شترهای بادی بهترین وسیله انتقال آنها بود، اما موتر جای آنرا گرفت. در هلمند یك دارالمعلمین عالی، لیسه ذکور و اناث وجود داشت و در پروژه هلمند تدریس به سویه عالی صورت میگرفت. در فصل بهار چون در نشیبی کوهها و صحراها علفچرها انکشاف می یابد مردم اکثراً به تربیه گوسفند می پردازند از پیداوار پشم، قالین، نمد، گلیم تهیه میکنند و از پوست آن پاپوش های محلی خاصتاً چپلی و بوت میسازند. پنبه بحد

وافر زرع میشود و در فابریکه نساجی به تکه های مختلف مبدل میگردد. شیر پاك به بازار عرضه میشود، و از پنبه دانه روغن و صابون تهیه میکنند، فابریکه شکر بوجود آمد و با افزایش زمین تحت آبیاری که سالانه به ۲۰۰۰ اکر میرسد تعداد زیاد کوچی ها را جابجا و متوطن میسازند و حیات شبانی و کوچی گری مردمان هلمند به حیات شهر نشینی و زراعتی مبدل شده است. هلمند دارای مکاتب ابتدائی و نشریه محلی هم میباشد.

اماکن تاریخی:

جاهای تاریخی هلمند را تاق بست، قصر مخروبه زمان محمود غزنوی، خرابه های لشکرگاه، اسکندریه قدیم و خرابه های قبل از ورود اسلام تشکیل میداد. اما این ساحه تاریخی مع الاسف به عمران و آبادی قبلی خود نایل شده نتوانست.

پیداوار مهم:

در سال ۱۹٦٦ نهر بغرا مجدداً اعمار گردید که یکصد میلیون دالر در آنجا به مصرف رسید و ۱۰۷۲۰۰ میل مربع اراضی تحت آبیاری قرار گرفت. در مجموع پیداوارهلمند را پنبه، باغستانهای انجیر، انار، تربوز و گل آفتاب پرست تشکیل میدهد. گندم هم زرع میگردد، در مارجه از چوب نازك و پوست میوه و نباتات میخواستند کاغذ هم تهیه کنند. به کمك یك کمپنی انگلیسی روغن نباتی هم تولید میشد و صابون تهیه میگردید. شیر هم به شکل محفوظ پاکت های کانزرو شده عرضه میگردید.

منابع آبی:

طوریکه تذکر دادیم آب دریای هلمند، موسی قلعه و بندهای درویشان، نهر سراج و بغرا منبع مهم آب را تشکیل میدهد، اما در اراضی نمکی هلمند قسماً آب ضایع شده و حاصلات مناسب از آن گرفته نمیشود. زمین آبی معادل (۸۱٤۰۰۰ اکر) و زمین للمی به (۱۰۰۰ اکر) میرسد.

سیستم مواصلات:

لشکرگاه در شاهراه مهم کندهار و هرات قرار دارد که به سایر ولایات بخوبی موضوع حمل و نقل مواد صورت گرفته می تواند. این راه پخته و قیر شده است. اما با سایر ولسوالیها خرابی راه بنابر ریگستانی بودن محل مشکلات ترانسپورتی را بارمیآورد. خاصتاً در ریگستانهای جنوبی آن و نواحی کوهستانی شمال ساحه موسی قلعه و باغران این معضله وجود دارد.

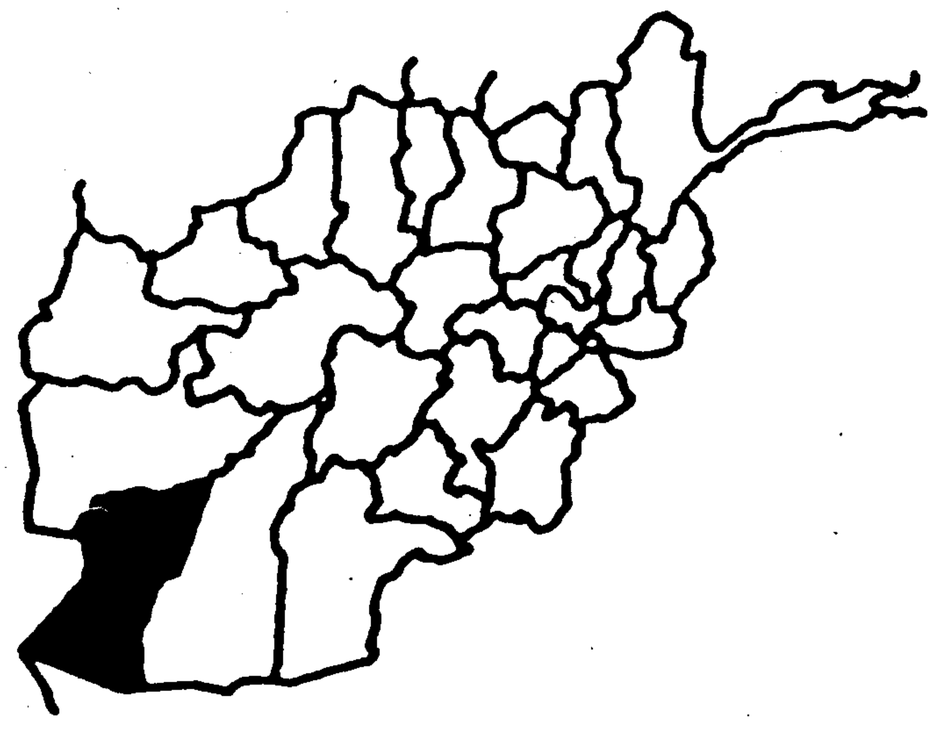
جنگلات و اقسام آن:

جنگلات وسیع درین منطقه زیاد است، تنها بته های خاردار ککتس و بته های انار و جنگلات پست قامت نوع چنار و کج بید و پنجه چنار زیاد بوده و مجموعاً ساحه جنگلات را (۲۷۹۰۰) جریب زمین تشکیل میدهد.

خسارات وارده‌ء جنگ:

خسارات جنگ بر منطقه محسوس است، راههای ترانسپورتی از حالت اولی خراب شده، پروژه وادی هلمند فلج گردیده، تولیدات صناعتی بطی میباشد. در لشرگاه یك تعداد محلات شهری خراب شده و اکثریت مردم زمیندار خانه و ملکیت خود را ترك کردند اما درین اواخر مجدداً بازگشت مهاجرین هلمند آغاز یافت که هنوز هم علما، دانشمندان و ملاکین بزرگ بازگشت نکرده اند.

ولایت نیمروز



ولایت نیمروز از جمله ولایات جنوب غـربی افغـانستان است که از زمان امیرشیر علیخان الی اخیر حکومت حبیب الله خان جزء ولایت فراه بود و در سال ۱۳٤۳ هـ .ش به صفت یك ولایت علیحده عرض وجود کرد. نیمروز تاریخ کهن و باستانی داشته الی قرن دوم میلادی بنام سیستان یا سجستان یاد می شد که شاهان ساکا درین ایالت حکمروائی داشتند. بعضی مؤرخین آنرا ساکستان نیز یاد کرده اند، سیستان در انکشاف مدنیت زردشتی رول قابل ملاحظه داشت، و در کارنامه هاي رزمی رستم ذال این خطه بسیاربه شایستگی در شاهنامه یاد شده است.علما و دانشمندان زیادی ازین سرزمین رشد کرده مثلاً فرخی سیستانی که در دربارمحمود غزنوی مقام ارجمندی داشت. بقایای تاریخی سیستان هنوز هم از عظمت تاریخی این دیارحکایه میکند. شهر نیمروز در اوج مدنیت سیستان حیثیت نصف النهار یا (نیمروز) را داشت. مثلیکه امروز گرینویچ لندن این افتخار را دارد. در آسیای میانه، سند و فارس بعد مسافات و تعیین ساعات را نظر به مرکزیت نیمروز تعیین میکردند. در کنگ، و بند سیستان شواهد زیادی وجود دارد که عظمت تاریخی این ولایت را ثابت میسازد.

تشکیلات اداری:

نیمروز در تشکیلات اداری خود

واحدهای ذیل را داراست:

۱- مرکز ولایت زرنج

۲- ولسوالی کنگ

۳- ولسوالی چار برجك

٤-ولسوالی اصل چخانسور

٥- علاقه داری خاشرود



اقلیم و آب و هـــوا:

اقلیم نیمروز کاملاً صحرائی است، تنها درحصه شمال شرق خود اوصاف نسبتاً نیمه صحرائی را اتخاذ میکند. درین ولایت مقدار بارندگی بسیار کم است و ندرتاً به ۱۰۰ میلی متر میرسد. درجه حرارت اعظمی از ۳۰ و ٤۰ درجه سانتی گرید تجاوز میکند و در زمستان به (٥+ الی ۸+) درجه سانتي گرید میرسد. درین ولایت شدت بادهای (۱۲۰) روزه خیلی محسوس است و به نام سیاه باد یاد میشود. در چارماه تابستان هوا کاملاً گردآلود بوده طوفانهای ریگ، روشنی آفتاب راخیره می سازد و هوای گرم مثل کوره های بسته مردم را تکلیف میدهد. گردبادهای ۱۲۰ روز در حوزه هامون سیستان، گورزره، دیشو و چاربرجك بصراحت محسوس است. اندك بارندگی باعث سیلاب های طوفانی میشود، مثال آخر آن سیلاب های طوفانی سال ۱۹٦٥ میباشد که در زرنج تعداد زیاد خانه ها را تخریب کرد و اراضی زراعتی و کانالها را تقریباً از استفاده خارج ساخت تا آنکه دوباره به اعمارمجدد آن پرداختند.

ساختمان اراضی:

ولایت نیمروز دارای اراضی هموار و ریگستانی است. یگانه کوه خورد ساحه بلوچستان در انتهای سرحد بملاحظه میرسد که بنام کوه ملك سیاه یاد میشود. دشت ها و ریگستانهای وسیع دارد مثلاً ریگستان دشت توبه، گرمسیر، دشت مارگو و دشت باخیل که ریگستانی بوده هوای منطقه را به اقلیم صحرائی مبدل ساخته است. زرنج از سطح بحر ٤٧٨ متر ارتفاع داشته نظر به جلال آباد پائینتر است. و هم ریگستانهای وسیع منطقه در گرمی و صحرائی بودن آن کمك مینماید. دریاهای زیادی درین منطقه وجود دارد مثلاً دریای هلمند که تقریباً ۷۰۰ کیلومتر طول دارد و درهامون سیستان میریزد، و یا دریای خاشرود، وجهیل گورزره اما در تغییر هوای منطقه اثری وارد کرده نمیتواند. هامون سیستان با همان بزرگی و وسعت باز هم گرم بوده محیط نیستانی را تمثیل میکند و اوصاف صحرائی دارد.

نفوس:

نفوس نیمروز در سال ۱۳۵۹ به تعداد (۱۰۵۹۹۹) نفر احصائیه گیری شد و با افزایش سالانه ۲,۳ فیصد تعداد نفوس آن در سال ۱۳۷۹ به (۱۵٤۷۵۸) نفر بالغ میگردد. مساحت نیمروز معادل به (٤۱۳۵٦) کیلومتر مربع بوده بناءً تراکم نفوس در هر کیلومتر مربع (۳,۷٤) نفرمی باشد که البته درنقاط شاداب و نزدیك آب سکونت دارند.

وضع فرهنگی، علمی و اجتماعی:

مردم نیمروز تجار پیشه، شکارچی ماهر و معماران خوب هستند. مرغابی و سایر پرندگان را در هامون سیستان شکار میکنند، خانه های گنبدی شکل میسازند. از پنبه و پشم تکه های محلی را تهیه میکردند و در بافتن قالین هم مهارت کامل دارند. شهر نیمروز مختصر و خورد بوده اموال وارد شده وصنایع محلی در آن به فروش میرسد. تنباکو، برنج، و لبلبو نیز زرع می کنند و در ساختن قایق نیز وارد میباشند. اثنایی که از جهیل ضحاك میگذرند از قایقهای نوع توتن استفاده می کنند و آنهم

در آفتاب گرم آنرا به حرکت می اندازند، زیرا در شب از آن استفاده نمیتوانند. چون آب سیستان قدری کم شده و در اطراف آن علوفه کمتر می روید، بنابرآن گاوهای سیستان به آن چاقی وفربهی نیستند. روزهای بازار در ایام پنجشنبه مواد اولیه راعرضه میدارند. در نیمروز یك لیسه و چندین مکاتب ابتدائی در شهر و ولسوالی ها وجود دارد. اداره معارف ومسئولین زراعت توجه زیاد به معارف و سرسبزی نیمروز دارند. از جهیل دغ نمدی نمك هم استحصال میکنند و بنابر امتزاج کلتوری درین ولایت به زبان بلوچی، براهوی، دری، و پشتو حرف میزنند.

جاهای تاریخی:

در سیستان از مدنیت قبل التاریخ زردشتی آثار زیادی بدست آمده، در بند سیستان خرابه های تاریخی موجود است و اصلاً بود و باش رستم درین سرزمین خودگواه مزایای تاریخی آن میباشد. چاربرجك و کنگ اصلاً مراکز تاریخی قدیمه را ارائه میکند.

پیداوار مهم:

انار، پنبه، گندم، لبلبو، و حتی پسته از تولیدات مهم نیمروز است. در امتداد دریای هلمند اکثراً پنبه زرع می شود. در نیمروز (۳۰۲۰۰۰ اکر) زمین آبی و (۹۲۸۰۰۰ اکر) زمین للمی در حاشیه دامان کوهای شرقی آن موجود است که باشندگان محل از آن استفاده می کنند. در زرنج یك جنراتور به ظرفیت ۶۰ کیلوات می تواند تمام شهر را روشن سازد.

سیستم مواصلات:

بخاطر فعالیت های ترافیکی بالای دریای خاشرود یك پل بنام غورغری اعمار گردیده است. این پل زرنج را با کندهار از راه دلارام وصل میسازد و برای کوچی ها زمینه عبور مواشی آنها را مهیا می گرداند که در امتداد دریا به چراگاه بروند. در

امتداد دریای هلمند سرك های ترانسپورتی تمدید یافته که سیستان را به چاربرجك و رباط جعلی در انتهای جنوب غرب آن وصل می سازد و یك راه از زرنج مستقیماً به لشکرگاه کشیده شده و در امتداد هامون سیستان راه دیگر فراه و فراه رود تمدید گردیده است که به دل آرام میرسد. در ولسوالی های کنگ، چخانسور و خاشرود راه های درجه سوم وجود دارد، که درمجموع معضله ترانسپورتی رفع شده است.

جنگلات:

در نیمروز جنگلات برگریز چنار، ریوکلتپس، بید، پنجه چنار، انار، پسته و گل بید وجود دارد و درساحات کوهستانی آن ناجو هم دیده می شود. در مجموع ساحات جنگلات نیمروز به (٤٨٦٠٠) جریب میرسد.

خسارات وارده‌ء جنگ:

خسارات وارده جنگ برین منطقه آنقدر نیست، زیرا طوفانهای باد و سیلاب های ناگهانی خاشرود و هلمند این ولایت را همواره تهدید میکند و راه ها را مسدود میسازد.

ولایات افغانستان

شماره	ولایت	مساحت به کیلو متر مربع	نفوس تا ۱۳۷۹هـ ش (۲۰۰۰ میلادی)	تراکم نفوس در هر کیلو متر مربع
۱	ارزگان	۲۹۲۹۵	٦٦٣١٩٧	۲۲ نفر
۲	بادغیس	۲۱۸۵۸	۳٤۸۸۱۸	۱٥ نفر
۳	بامیان	۱۷٤۱٤	٤۰۰۹٤۲	۲۳ نفر
٤	بدخشان	٤۷٤۰۳	۷٤۳۲۲۹	۱٥ نفر
٥	بغلان	۱۷۱۰۹	۷۳۷٦۹٤	٤۳ نفر
٦	بلخ	۱۲٥۹۳	۸٦۸۲۳۲	٦۸ نفر
۷	پروان	۹۳۹۹	۷٥۳٦۹۷	۸۰ نفر
۸	پکتیا	۹٥۸۱	۷۲۲۷۲٦	۷٥ نفر
۹	پکتیکا	۱۹۳۳٦	۳٦٦۱٤۷	۱۸ نفر
۱۰	تخار	۱۲۳۷٦	۷۷٦۲۰۹	٦۲ نفر
۱۱	جوزجان	۲٥٥٥۳	۸۷۹۰٤۹	۳٤ نفر
۱۲	زابل	۱۷۲۹۳	۲٦۷۸۲۳	۱٥ نفر
۱۳	سمنگان	۱٥٤٦٥	۳۹۰۸٥۳	۲٥ نفر
۱٤	غزنی	۲۳۳۷۸	۹٦٥٥۷۲	٤۱ نفر
۱٥	غورات	۳۸٦٦٦	٥۰٤٦٥۹	۱۳ نفر
۱٦	فاریاب	۲۲۲۷۹	۸۷۰۲۲۸	۳۹ نفر
۱۷	فراه	٤۷۷۸۸	۳٥۰۳۸۱	۷ نفر

ولایات افغانستان

شماره	ولایت	مساحت به کیلو متر مربع	نفوس تا ۱۳۷۹هـ ش ۲۰۰۰ میلادی	تراکم نفوس در هر کیلو متر مربع
۱۸	کاپیسا	۱۸۷۱	۳۷٤۰۹۸	۱۹۹ نفر
۱۹	کابل	٤۵۸۵	۲۱۰۷۷٦۱	٤۵۹ نفر
۲۰	کندز	۷۸۲۷	۸۳۰۵۲۸	۱۰٦ نفر
۲۱	کندهار	٤۷٦۷٦	۸۵۰۲۵۲	۱۷ نفر
۲۲	کنرها	۱۰٤۷۹	۳۷۳٤۷۳	۳۵ نفر
۲۳	لغمان	۷۲۱۰	٤٦۳۹۸۸	٦٤ نفر
۲٤	لوگر	٤٦۵۲	۳۲۲۹۷۲	٦۹ نفر
۲۵	ننگرهار	۷٦۱٦	۱۱۱٤۸٤۲	۱٤٦ نفر
۲٦	نیمروز	٤۱۳۵٦	۱۵٤۷۵۸	۳,۷٤ نفر
۲۷	وردگ	۹۰۲۳	٤۲۹٤۲۲	٤۷,۵۹ نفر
۲۸	هرات	٦۱۳۱۵	۱۱۵۱۸۸٤	۱۸ نفر
۲۹	هلمند	٦۱۸۲۹	۷۷۲۹۸۸	۱۲,۵۰ نفر
مجموع		٦۵۲۲۲۵	۱۹۵۵٦٤۲۲مقیم و ۲۵٦۰۰۰۰کوچی ها	

موقعیت جغرافیائی شهرها و محلات مهم افغانستان

شماره	نام شهر	درجه طول البلد شرقی	درجه عرض البلد شمالی	ارتفاع از سطح بحر
۱	کابل	۶۹° - ۱۳´	۳۴° - ۳۳´	۱۷۹۱ متر
۲	دارالامان	۶۹° - ۰۶´	۳۴° - ۲۷´	۱۸۲۵ متر
۳	کاریز میر	۶۹° - ۰۳´	۳۴° - ۳۸´	۱۹۰۵ متر
٤	هرات	۶۲° - ۱۳´	۳۴° - ۱۳´	۹۶٤ متر
۵	گاذرگاه	۶۲° - ۳۰´	۳۴° - ۳۰´	۱۸۱۵ متر
۶	علمین	۶۵° - ۱۸´	۳۴° - ۵۳´	۲۰۷۰ متر
۷	غزنی	۶۸° - ۲۵´	۳۳° - ۳۲´	۲۱۸۳ متر
۸	غازی آباد	۷۰° - ٤۶´	۳۴° - ۱۹´	۵۱۰ متر
۹	خوست	۶۹° - ۵۷´	۳۳° - ۲۱´	۱۱٤۶ متر
۱۰	کندز	۶۸° - ۵۵´	۳۶° - ٤۰´	٤۳۳ متر
۱۱	مهترلام	۷۰° - ۱۳´	۳۴° - ۳۹´	۷۷۰ متر
۱۲	فیض آباد	۷۰° - ۳۱´	۳۷° - ۰۷´	۱۲۰۰ متر
۱۳	بست	۶٤° - ۲۲´	۳۱° - ۳۳´	۷۸۰ متر
۱٤	بامیان	۶۷° - ٤۹´	۳۴° - ٤۹´	۲۵۵۰ متر
۱۵	بغلان	۶۸° - ۳۹´	۳۶° - ۰۶´	۵۵۰ متر
۱۶	اندخوی	۶۵° - ۰۷´	۳۴° - ۵۶´	۳۱۰ متر
۱۷	خواهان	۷۰° - ۱۲´	۳۷° - ۵۳´	۱۰٤۰ متر
۱۸	کندهار	۶۵° - ۵۱´	۳۱° - ۳۰´	۱۰۱۰ متر
۱۹	قلات	۶۶° - ۵٤´	۳۲° - ۰۷´	۱۵۶۵ متر

موقعیت جغرافیائی شهرها و محلات مهم افغانستان

شماره	نام شهر	درجه طول البلد شرقی	درجه عرض البلد شمالی	ارتفاع از سطح بحر
۲۰	جلال آباد	۷۰° - ۲۸´	۳٤° - ۲٦´	۵۸۰ متر
۲۱	جبل سراج	٦۹° - ۱۵´	۳۵° - ۰۸´	۱٦۳۰ متر
۲۲	گردیز	٦۹° - ۱٤´	۳۳° - ۳۷´	۲۳۵۰ متر
۲۳	فراه	٦۲° - ۱۱´	۳۲° - ۲۲´	۷۰۰ متر
۲٤	اشکاشم	۷۱° - ۳٤´	۳٦° - ٤۲´	۲٦٦۲۰ متر
۲۵	لعل	٦٦° - ۱۸´	۳٤° - ۳۰´	۲۸٦٦ متر
۲٦	پل علم	٦۹° - ۰۳´	۳٤° - ۰٦´	۱۹۳۵ متر
۲۷	میمنه	٦٤° - ٤۵´	۳۵° - ۵۵´	۸۱۵ متر
۲۸	مزار شریف	٦۷° - ۱۲´	۳٦° - ٤۲´	۳۷۸ متر
۲۹	مقر	٦٤° - ٤۷´	۳۲° - ۵۰´	۲۰۰۰ متر
۳۰	مرغاب	٦۳° - ۱۹´	۳۵° - ۳۵´	٤۷۰ متر
۳۱	سالنگ شمالی	٦۹° - ۰۱´	۳۵° - ۱۹´	۳۳٦٦ متر
۳۲	اوکك	٦۷° - ۵۷´	۳۳° - ۵۳´	۳۱۳۰ متر
۳۳	پغمان	٦۸° - ۵۹´	۳٤° - ۳۵´	۲۱۱٤ متر
۳٤	پنجاب	٦۷° - ۰۲´	۳٤° - ۲۳´	۲۷۱۰ متر
۳۵	شهرك	٦٤° - ۱۸´	۳٤° - ۰٦´	۲۳۲۵ متر
۳٦	شبرغان	٦۵° - ٤۳´	۳٦° - ٤۰´	۳٦۰ متر
۳۷	سالنگ جنوبی	٦۹° - ۰٤´	۳٤° - ۱۸´	۳۱۷۲ متر
۳۸	سرده غزنی	٦۸° - ۳۷´	۳۳° - ۱۳´	۲۰۷۵ متر

موقعیت جغرافیائی شهرها و محلات مهم افغانستان

شماره	نام شهر	درجه طول البلد شرقی	درجه عرض البلد شمالی	ارتفاع از سطح بحر
۳۹	سروبی	۶۹° - ۴۵′	۳۴° - ۳۵′	۱۰۲۰ متر
۴۰	زرنج	۶۱° - ۵۱′	۳۱° - ۰′	۴۷۸ متر
۴۱	تالقان	۶۹° - ۳۰′	۳۶° - ۴۴′	۸۰۴ متر
۴۲	ترین کوت	۶۵° - ۵۲′	۳۲° - ۳۷′	۱۳۵۰ متر
۴۳	تورغندی	۶۲° - ۱۷′	۳۵° - ۱۴′	۶۸۰ متر
۴۴	اُرگون	۶۹° - ۰۸′	۳۲° - ۵۵′	۲۲۶۲ متر
۴۵	قلعه نو	۶۳° - ۰۷′	۳۵° - ۰′	۹۱۴ متر
۴۶	قادس	۶۸° - ۳۷′	۳۴° - ۴۸′	۲۰۷۵ متر
۴۷	شغنان	۷۱° - ۳۰′	۳۷° - ۳۴′	۲۲۶۵ متر
۴۸	شیندند	۶۲° - ۱۷′	۳۳° - ۲۴′	۱۱۵۰ متر
۴۹	چغچران	۶۵° - ۱۶′	۳۴° - ۳۲′	۲۲۳۰ متر



فهرست مآخذ:

اصطخری، ابواسحق ابراهیم. المسالك و الممالك. بکوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳٤۷

امین، حمید الله، د ننگرهار ولایت اقتصادی جغرافیه، شماره دوم مجله جغرافیه، پوهنتون کابل، ۱۳٤۷

حبیبی، عبدالحی، تاریخ مختصر افغانستان، جلد دوم کابل، انجمن تاریخ و ادب، ۱۳٤۹.

رحمتی، محب الله، جغرافیای بشری افغانستان، پوهنتون کابل، ۱۳٦٤

صدقی، محمد عثمان، شهرهای آریانا و کابل، موسسهء طبع کتب بیهقی، ۱۳٥٤.

عارض، غلام جیلانی، اقلیم افغانستان، پوهنتون کابل، ۱۳٤۸

عارض، غلام جیلانی، جغرافیای فزیکی افغانستان، پوهنتون کابل، ۱۳٦۱.

عارض، غلام جیلانی، کابل دیروز، امروز و فردا، پشاور، ۱۳۷۷.

لسترنج،گ. جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.

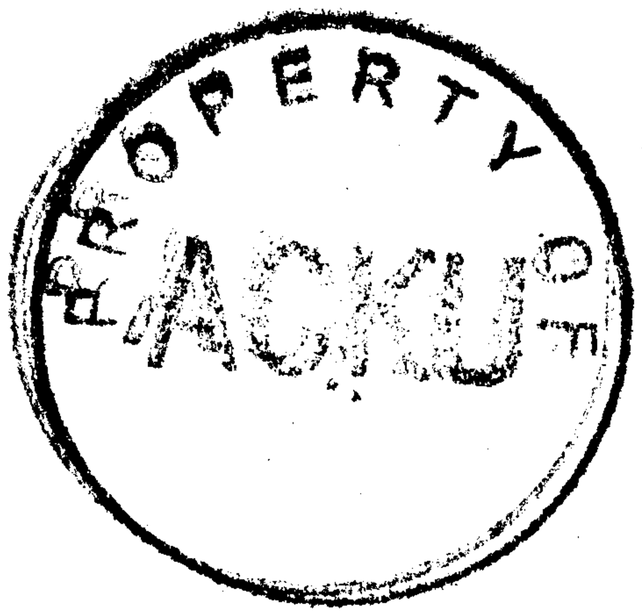
اتلس قریه های افغانستان، ادارهء مرکزی احصائیه، ۱۳٥۳.

اتلس افغانستان، طبع پولند، جیوکارت، ۱۹۸٥م.

تقسیمات ملکی افغانستان. وزارت داخله، ۱۳٥۹.

راپور احصائیه مرکزی. وزارت داخله، ۱۳٦.

کابل تایمز، ولایات افغانستان، کابل، ۱۹۷٤م.



اَنستیتوْتِ مطالعاتِ راهبردیِ باختر

Www.bsssi.org



به وسعت یک تمدن شکوهمند

با عضویت در خبرنامه وبسایت ما از تازه ترین مقالات و پژوهش ها بهره مند شوید